

امالی

شیخ صدوق

ترجمہ: کریم فیضی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خواهت یافت،
خواهت یافت
با عبادت، با ریاضت
گرسنگی، نخوابیدن
با گرسنه نخوابیدن
خواهت یافت در گوشه‌ای
ای مرگ، ای مرگ!
گوشه‌ لانه‌ گرسنه نخوابیدن،
روی راه رفتنم با بی‌ خوابی رو به سویت!
در سوگم و سوگت - آهای فراری ناظر -
جشنی بس عمیق‌تر بر پا کن
آنگاه که یافتیم همدیگر را هر جا، با هر چیزی؛
با دردی که «فکر» نامش هست
با فکری که «درد» نامش هست
وای که جاهلیتِ اصلی
بعد از جاهلیتِ صُغرای عرب بود
و چه بزرگ و چه بزرگ!؟

* ن / الهام، از مجموعه شعر «فرشته ناتی» *

شیخ صدوق ۳۱۱-۳۸۴ ق.
الامالی او المجالس / شیخ صدوق: مقدمه
کریم فیضی:
مترجم کریم فیضی. - قم: انتشارات وحدت بخش - ۱۳۸۴. ۱۰۶۰ ص.
ISBN: 964-95584-5-4 ۴۵۰۰۰ ریال
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. احادیث اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴. ۲. حدیث - متون قدیمی تا قرن ۱۴. الف
کریم فیضی ۱۳۵۸ - مقدمه نویس.
ب. کریم فیضی، ۱۳۵۸ - مترجم. ج. عنوان.
۱۳۸۴/۱۲۲۸/BBR ۱۳۸۴/۱۸۹/۱



انتشارات وحدت بخش

نام کتاب: ایمالی صدوق (ره)
نویسنده: ثقة المحدثین شیخ صدوق (ره)
مترجم: کریم فیضی تبریزی
ناشر: وحدت بخش
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول / بهار ۸۴
چاپخانه: آثار
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۵۵۸۴-۵-۴
ISBN: 964-95584-5-4

مرکز بخش: قم، خ حضرتی، مقابل دارالشفاء، پل بازار معصومیه،

پلاک ۲۲، انتشارات تهذیب ۷۷۲۰۵۹۰

مدخل:

سیستم احادیث اسلامی را، تحت چه متدهائی باید شناسائی نمود؟ پاسخ به این سؤال - که باز طرح آن، بسی به تأخیر افتاده - به مطالعات دامنه‌دار درون دینی نیازمند است که پژوهندگان علوم اسلامی، باید آن را به حدّ کمال مورد توجه قرار دهند. کتابی که هم اینک ترجمه آن تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود، یکی از متون حدیثی شیعی است که به قلم شیخ صدوق نگارش یافته و دارای شهرتی مکتبی می‌باشد. در مطالعه این متن، به چند نکته باید توجه داشت:

اول اینکه: احادیث این کتاب، انباشته از تنوع است و به موضوعی واحد منحصر نمی‌شود و گستره‌ای چون فقه، کلام، عقاید، و تاریخ و غیر آن را در بر می‌گیرد. دوم اینکه: در میان احادیث این کتاب و نظایر آن، به حدیث‌های شگفت‌سازی بر می‌خوریم که در قبول و ردّ آنها، کلامی جز «سکوت» نمی‌توان بر زبان جاری کرد. سوّم: توجه به این موضوع ضروری است که طبق آنچه در علم «اصول» اثبات شده، عدد فاقد مفهوم است و جایگاه عدد در روایات و لسان متون شرعی، جایگاهی بی‌تعریف است.

و دیگر آنکه: تعدادی از احادیث این مجموعه، به شدّت شیعی‌اند و رنگ و بوی شیعه‌اندیشان دارند و علتش چیزی جز مقاومت منفی بایسته‌ای که شیعه در برابر قدرت غالب برای حفظ نفس و باقی ماندن می‌باید بروز می‌داد، نمی‌تواند داشته باشد. توضیح دیگری که بایسته است به صورتی مختصر به آن اشاره کنم، این است که: ترجمه این کتاب به طور کلی، بر متدی استوار است که در مقوله ترجمه به آن اعتقاد دارم و تا امروز نیز در آثار و نوشته‌های خویش، تنها بر آن مشی کرده‌ام و در عین حال، روش و دیدگاه خود را قابل «نقد» دانسته و چشم انتظار انتقادات سازنده اهل فضل و دانایی هستم و امید می‌برم که تنها به محکمه نروند.

والسلام / کریم فیضی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقة للمتقين ولا عدوان الا على الظالمين ولا إله
إلا الله أحسن الخالقين ، وصلى الله على محمد خاتم النبيين وعلى أهل بيته
الطيبين الطاهرين ، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم .

المجلس الأول

١ - أخبرني سيدنا الشيخ الجليل العالم أبو الحسن علي بن محمد بن الحسين القمي
أدام الله تأييده سنة سبع وخمسة قال : أخبرنا الشيخ الفقيه أبو الحسن علي بن
عبد الصمد بن محمد التميمي رحمه الله سنة أربع وسبعين وأربعمائة قال : أخبرنا
أبو بكر محمد بن أحمد بن علي سنة ثلاث وعشرين وأربع مائة والسيد أبو البركات
علي بن الحسين الحسيني سنة ست وعشرين وأربع مائة رضي الله عنها قال :
حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي
(رض) يوم الجمعة لاثنتي عشرة ليلة بقيت من رجب من سنة سبع وستين وثلاثمائة
قال : حدثنا يحيى بن زيد بن العباس بن الوليد البزاز بالكوفة قال : حدثني

به نام خدای بخشایشگر آمرزنده

سپاس مخصوص آن پرورنده جهانیان است و سرانجام، از آن پرهیزکاران. عدوانی نیست مگر بر ستمکاران و معبودی جز خدای نیکو آفرین نیست و درود خدا بر محمد، خاتمه بخش پیامبران و خاندان پاکش باد و نیست حول و قوه‌ای جز به خدای والای بزرگ.

مجلس اول
- (بدون تاریخ) -

۱ - شیخ فقیه، ابو جعفر محمد پسر علی پسر حسین پسر موسی پسر بابویه قمی -
که تأییدش برقرار باد - روز جمعه، ۱۸ ماه رجب سال ۳۶۷ (قمری) گفت: یحیی، پسر زید، پسر عباس، پسر ولید بزّاز در کوفه به ما گفت: عمویم علی، پسر عباس گفت: ابراهیم پسر بشر، پسر خالد عبدی گفت: عمرو پسر خالد گفت: ابو حمزه ثمالی از علی بن الحسین نقل کرد: گفتار خوش، دارائی را زیاد می‌کند و بر رزق و روزی می‌افزاید و

عمي علي بن العباس قال : حدثنا إبراهيم بن بشر بن خالد العبدي قال : حدثنا عمرو بن خالد أبو حمزة الثمالي عن علي بن الحسين عليهما السلام قال : القول الحسن يثري المال وينمي الرزق وينسى في الأجل ويحبب إلى الأهل ويدخل الجنة .

٢ - حدثنا الحسن بن محمد بن الحسن بن اسماعيل السكوني في منزله بالكوفة قال : حدثني إبراهيم بن محمد بن يحيى النيسابوري قال : حدثنا أبو جعفر بن السري وأبو نصر بن موسى بن أيوب الخلال قال : حدثنا علي بن سعيد قال : حدثنا حمزة بن شاذب عن مطر عن شهر بن حوشب عن أبي هريرة قال : مَنْ صام يوم ثمانية عشر من ذي الحجة كتب الله له صيام ستين شهراً وهو يوم غدیر خم لما أخذ رسول الله ﷺ بيد علي بن أبي طالب عليه السلام وقال : ألسنت أولى بالمؤمنين؟ قالوا : نعم يا رسول الله ، قال : من كنت مولاه فعلي مولاه ، فقال له عمر : بخ بخ يا ابن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مسلم ، فأنزل الله عز وجل اليوم أكملت لكم دينكم .

٣ - حدثنا أبو القاسم الحسن بن محمد السكوني قال : حدثنا الحضرمي قال : حدثنا يحيى الحماني قال : حدثنا أبو عوانة عن أبي بلج عن عمرو بن ميمون عن ابن عباس قال : قال رسول الله ﷺ : علي عليه السلام ولي كل مؤمن من بعدي .

٤ - حدثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد العسكري قال : حدثنا أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد قال : أخبرنا أبو حاتم عن العتيبي يعني محمد بن عبيد الله عن أبيه قال : أخبرنا عبد الله بن شبيب البصري قال : حدثنا زكريا بن يحيى المنقري قال : حدثنا العلاء بن محمد بن الفضل عن أبيه عن جده قال : قال قيس ابن عاصم : وفدت مع جماعة من بني تميم إلى النبي ﷺ فدخلت وعنده الصلصال ابن الدهمس فقلت : يا نبي الله عظنا موعظة ننتفع بها فإننا قوم نعير (نعمر) في البرية ، فقال رسول الله : يا قيس إن مع العز ذلاً وإن مع الحياة موتاً وإن مع الدنيا آخرة وإن لكل شيء حسيباً وعلى كل شيء رقيباً وإن لكل حسنة ثواباً ولكل سيئة عقاباً ولكل أجل كتاباً وإنه لا بد لك يا قيس من قرين يدفن

مرگ را به تأخیر می‌افکند و نزد خاندان، دوستداری به ارمغان می‌آورد و انسان را وارد بهشت می‌کند.

۲ - نیشابوری گفت: حدیث کرد ما را ابو جعفر پسر سری و بو نصر پسر موسی پسر ایوب خلال که گفت: حدیث کرد ما را علی پسر سعید که گفت: حدیث کرد ما را ضمیره پسر شوذب از مطر از شهر پسر حوشب، از ابوهریره نقل کرد که: هر کس، روز هیجدهم ذیحجه را روزه بگیرد، خداوند ثوابِ شصت ماه روزه برایش می‌نویسد و آن، روز غدیرِ حُم است که پیامبر، دستِ علی، پسر ابوطالب را بالا گرفت و پرسید: آیا من به مؤمنان از خودشان اولی نیستم؟ گفتند: آری، ای فرستاده خدا! پس فرمود: هر کس که من مولای او هستم، این علی هم مولای اوست. پس عُمر به او گفت: تبریک، تبریک، ای زاده ابوطالب، تو! مولای من و مولای هر مسلمان دیگر گردیدی. آن گاه، خداوند این آیه را فرو فرستاد: امروز دیتان را بر شما کامل نمودم.

۳ - حضرمی گفت: حدیث کرد ما را یحیی حمانی که گفت: حدیث کرد ما را ابو عوانه از ابی بلج از عمرو پسر میمون از ابن عباس از پیامبر نقل کرد که فرمود: پس از من، ولی هر مؤمن، علی است.

۴ - ابو حاتم از عتبی (محمد پسر عبیدالله) از پدرش نقل کرد که گفت: خیرمان داد عبدالله پسر شیبب بصری و گفت: حدیث کرد ما را زکریا پسر یحیی منقروی و گفت: حدیثمان کرد علاء پسر محمد پسر فضل از پدرش از جدش که گفت: قیس پسر عاصم گفت: با گروهی از بنی تمیم به حضور پیامبر مشرف شدیم. وقتی من وارد شدم، صلصال پسر دلهمس نیز در حضور پیامبر بود. گفتم: ای فرستاده خدا! پندی بکن که بهره‌ای از آن ببریم، چرا که ما مردمانی صحراگرد هستیم. رسول خدا فرمود: ای قیس! همراه هر عزتی، ذلتی است و زندگی، با مرگ همراه است. دنبال این دنیا، دنیای دیگری وجود دارد و برای هر چیز، حساب‌گری است و بر هر چیز پایداری! برای هر کار نیک، ثوابی وجود دارد و هر بدی، دارای عقابی می‌باشد و هر مدتی، را نوشته شدنی که ای قیس! همراه تو به قبرت می‌آید: او زنده می‌ماند و تو مُرده، اگر بزرگ باشی، بزرگت خواهد کرد و اگر حقیر باشی، حقیرت خواهد نمود. پس، او جز با تو محشور نمی‌گردد و

معك وهو حي وتدفن معه وأنت ميت فإن كان كريماً أكرمك وإن كان لثيماً
أسلمك ثم لا يحشر إلا معك ولا تبعث إلا معه ولا تسأل إلا عنه فلا تجمله إلا
صالحاً فإنه إن أصلح أنست به وإن فسد لا تستوحش إلا منه وهو فعلمك، فقال:
يا نبي الله أحب أن يكون هذا الكلام في أبيات من الشعر نفخر به على من يلينا
من العرب وندخره فأمر النبي ﷺ من يأتيه بحسان، قال: فأقبلت أفكر
فيا أشبه هذه العظة من الشعر فاستتب لي القول قبل مجيء حسان فقلت يا رسول
الله قد حضرني أبيات أحسبها توافق ما تريد فقلت:

تخير خليطاً من فعالك إنما	قرين الفتى في القبر ما كان يفعل
ولا بد بعد الموت من أن تعدج	ليوم ينادى فيه المرء فيقبل
فإن كنت مشغولاً بشيء فلا تكن	بغير الذي يرضى به الله تشغل
فلن يصحب الإنسان من بعد موته	ومن قبله إلا الذي كان يعمل
ألا إنما الإنسان ضيف لأهله	يقم قليلاً بينهم ثم يرحل

٥ - حدثنا أحمد بن يحيى المكتب قال: حدثنا محمد بن القاسم قال: حدثنا
أحمد بن سعيد الدمشقي قال: حدثنا الزبير بن بكار قال: حدثني محمد بن
الضحاك عن نوفل بن عمارة قال: أوصى قصي بن كلاب بنيه فقال: يا بني إياكم
وشرب الخمر فإنها إن أصلحت الأبدان أفسدت الأذهان.

٦ - حدثنا علي بن الحسين بن شقير بن يعقوب بن الحرث بن إبراهيم
الهمداني في منزله بالكوفة قال: حدثنا أبو عبد الله جعفر بن أحمد بن يوسف
الأزدي، قال: حدثنا علي بن برزج الحياطي، قال: حدثنا عمرو بن اليسع عن
شعيب الحداد قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول: إن حديثنا
صعب مستصعب لا يحتمله إلا ملك مقرب أو نبي مرسل أو عبد اممحن الله قلبه
للإيمان أو مدينة حصينة، قال عمرو فقلت لشعيب: يا أبا الحسن وأي شيء
المدينة الحصينة قال فقلت: سألت الصادق عليه السلام عنها فقال لي القلب المجتمع.

تو نیز جز با او محشور نخواهی شد و بدون او، مورد سؤال قرار نخواهی گرفت. پس، همراه خود را جُز عمل خوب برگزین که اگر نیکو باشد، سبب آرامشت خواهد بود و اگر فاسد بود، غیر از آن، از چیز دیگری در نگرانی نباش: کردارت.

پس گفت: ای پیامبر خدا! دوست دارم این بیانات، در ایاتی از شعری باشد که به عربان بعد از خودمان افتخار ورزیم و آن را نگاهداریم. پیامبر فرمود: حسان را حاضر کردند. پیش از آن که او حاضر شود، من بیانات پیامبر را به نظم در آوردم و گفتم: ای فرستاده خدا! اشعاری به خاطر من رسید که فکر می‌کنم با گفتار شما موافق است. پس گفتم: از کارهای دوستی برگزین که همانا دوست مرد در قبرش، چیزی خواهد بود که انجام می‌دهد.

و چاره‌ای نیست از اینکه روزها را بشماری برای روزی که منادی، مرد را صدا خواهد زد و او جواب خواهد داد.

پس اگر به چیزی مشغول هستی، به چیزی مشغول نباش که خداوند از آن راضی نیست.

بعد از مرگ، چیزی با انسان، از عالم قبل از مرگ رفاقت نمی‌کند، جز آنچه انجام داده است.

آگاه باش که همانا انسان مهمان اهل خودش است، اندکی در میان آنها می‌ماند و آنگاه کوچ می‌کند.

۵ - احمد پسر سعید دمشقی گفت: حدیث کرد ما را زبیر پسر بکار که گفت: حدیث کرد مرا محمد پسر ضحاک از نوفل پسر عماره که گفت: قصی پسر کلاب، به فرزندانش وصیت کرد: ای فرزندانم! مبادا شراب بخورید، که همانا آن، اگر برای بدن‌ها نیز خوب باشد، ذهن‌ها را خراب می‌کند.

۶ - شعیب آهنگر گفته است: از صادق جعفر پسر محمد شنیدم که می‌فرمود: گفتار ما، سخت و مشکل است و آن را حمل نمی‌کند، مگر یک فرشته مقرب یا پیامبر مرسَل (فرو فرستاده شده) یا بنده‌ای که خدای، قلبش را با ایمان آزموده باشد یا شهری دارای حصار. عمر گوید: از شعیب سؤال کردم: منظور از شهر دارای حصار چیست؟ گفت: من خود آن را از صادق پرسیدم، فرمود: قلبی که از پراکندگی محفوظ باشد.

٧ - أخبرنا أبو الحسين محمد بن هارون الزنجاني قال: حدثنا معاذ بن المثني العنبري قال: حدثنا عبد الله بن أسماء قال: حدثنا جويرية عن سفیان الثوري عن منصور عن أبي وايل عن وهب بن منبه قال: وجدت في بعض كتب الله عز وجل ان يوسف عليه السلام مر في موكبه على امرأة العزيز وهي جالسة على مزبلة فقالت: الحمد لله الذي جعل الملوك بمصيتهم عبيداً وجعل العبيد بطاعتهم ملوكاً أصابتنا فاقة فتصدق علينا فقال يوسف عليه السلام: غموط النعم سقم دواها فراجعي ما يمحص عنك دنس الخطيئة فإن محل الاستجابة قدس القلوب وطهارة الأعمال، فقالت: ما اشتملت بعد على هيئة التأمم وإنني لاستحيي أن يرى الله لي موقف استمطاف ولما تهريق العين عبرتها ويؤدي الجسد ندامته فقال لها يوسف: فجدي فالسبيل هدف الامكان قبل مزاحمة العدة ونفاد المدة، فقالت: هو عقيدتي وسيلتك إن بقيت بعدى، فأمر لها بقنطار من ذهب فقالت القوت بته ما كنت لأرجع إلى الخفض وأنا مأسورة في السخط، فقال بعض ولد يوسف ليوسف يا أبة من هذه التي قد تفتت لها كبدي ورق لها قلبي؟ قال: هذه دابة الترح في جبال الانتقام فتزوجها يوسف عليه السلام فوجدها بكرأ فقال: انى وقد كان لك بعل فقالت كان محصوراً بفقد الحركة وصرده المهارى .

المجلس الثاني

يوم الثلاثاء لسبع بقين من رجب من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه القمي (ره) ، قال: حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق، قال: حدثنا عبد العزيز بن يحيى البصرى، قال: حدثنا المغيرة بن محمد قال: حدثني جابر ابن سلمة قال: حدثنا حسين بن حسن عن عامر السراج عن سلام الحنمى عن

۷- وهب پسر منیه گوید: در کتابی از کتاب‌های الهی یافتیم که یوسف با سواریان و همراهانش، بر زن عزیز (= زلیخا) عبور کرد که بر مزبله خانه‌ای نشسته و می‌گفت: سپاس خدای را که سلاطین را به سبب گناهان‌شان بنده ساخت و بندگان را به سبب طاعت‌هایشان، مالک و سلطان نمود.

پس (حال که سلطان شده‌ای)، صدقه‌ای به ما بده! یوسف جواب داد: ناسپاسی بر نعمت‌ها، آفتِ دوام‌یابی آن است. به سویی چیزی بازگشت کن که آلودگی گناهانت را بشوید، چرا که خواست دل‌های پاک و عمل‌های سالم، به درجه استجابت می‌رسد. جواب داد: دیگر لباس گناه بر تن من نیست و همانا من، به راستی که احساس حیا می‌کنم از اینکه خداوند، مرا در جایگاه ترخم بنگرد و من، هنوز، اشکِ چشمانم را تا پایان جاری نکرده باشم و بدنم، تکلیف پشیمانی‌اش را انجام نداده است. یوسف به او گفت: کوشش به خرج بده که راه، هدف امکان است، قبل از آنکه وقت از کف برود و زمان تمام شود.

گفت: عقیده من این است، و اگر بعد از من زنده باشی، خبر آن به تو خواهد رسید. پس، دستور داد مقدار زیادی طلا به او دهند. گفت: تا زمانی که هستم، قوتی مختصر مرا کفایت می‌کند، تا به سوی حقارت مراجعه مجدد نکنم و اسیر ظلم باشم. یکی از پسران یوسف گفت: ای پدر! این زن کیست که دلم برایش سوخت و قلبم برایش رقیق شد؟ گفت: وجودِ راحت طلبی است، در دام انتقام!

پس، یوسف او را به تزویج خویش درآورد و او را باکره یافت! یوسف گفت: چگونه ممکن است، حال آن که تو دارای شوهر بودی؟ گفت: او، قادر به حرکت نبود و توانی در مجاری‌اش یافت نمی‌شد.

مجلس دوم،

ماه رجب سال ۳۶۷

۱- شیخ فقیه، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین، پسر موسی پسر بابویه قمی روایت‌مان کرد و گفت: حدیث کرد ما را، محمد پسر ابراهیم پسر اسحاق و گفت: حدیث کرد ما را عبدالعزیز پسر یحیی بصری و گفت: حدیث کرد ما را مغیر، پسر

أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام قال : من صام من رجب يوماً واحداً من أوله أو وسطه أو آخره أوجب الله له الجنة وجعله معنا في درجتنا يوم القيامة ، ومن صام يومين من رجب قيل له استأنف العمل فقد غفر لك ما مضى ، ومن صام ثلاثة أيام من رجب قيل له قد غفر لك ما مضى وما بقي فاشفع لمن شئت من مدني اخوانك وأهل معرفتك ، ومن صام سبعة أيام من رجب أغلقت عنه أبواب النيران السبعة ، ومن صام ثمانية أيام من رجب فتحت له أبواب الجنة الثمانية فيدخلها من أيها شاء .

٢ - حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله ، قال : حدثنا الحسين بن محمد ابن عامر عن عمه عبد الله بن عامر عن محمد بن أبي عمير قال : حدثني جماعة من مشايخنا منهم ابان بن عثمان وهشام بن سالم ومحمد بن حران عن الصادق عليه السلام قال : عجبت لمن فزع من أربع كيف لا يفزع إلى أربع عجبت لمن خاف كيف لا يفزع إلى قوله حسبنا الله ونعم الوكيل ، فإني سمعت الله عز وجل يقول بعقبها فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء ، وعجبت لمن اغتم كيف لا يفزع إلى قوله لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين ، فإني سمعت الله عز وجل يقول بعقبها فنجيناه من النعم وكذلك ننجي المؤمنين ، وعجبت لمن مكر به كيف لا يفزع إلى قوله وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد ، فإني سمعت الله عز وجل يقول بعقبها فوقاه الله سيئات ما مكروا ، وعجبت لمن أراد الدنيا وزينتها كيف لا يفزع إلى قوله ما شاء الله لا قوة إلا بالله ، فإني سمعت الله عز وجل يقول بعقبها ان ترن أنا أقل منك مالا وولداً فعسى ربي أن يؤتيني خيراً من جنتك ، وعسى موجبة .

٣ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله قال : حدثنا علي بن إبراهيم ابن هاشم قال : حدثنا أبي عن الريان بن الصلت عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله عز وجل ما آمن بي من فسر برأيه كلامي وما عرفني من شبهني بخلقِي وما على ديني

محمد و گفت: حدیث کرد مرا جابر پسر سلمه و گفت: حدیث کرد ما را حسین، پسر حسن، از عامر سراج از سلام خثعمی از ابی جعفر، محمد، پسر علی الباقر: هر کس روزی از روزهای رجب را، از اول یا وسط و آخرش روزه بگیرد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند و او را در بهشت، همراه ما، در درجه ما قرار می‌دهد و هر کس، دو روز از رجب را روزه بدارد، به او گفته می‌شود: عمل را از سر بگیر که به تحقیق، هر چه از تو گذشته است، بخشیده شد. و هر کس که سه روز از ماه رجب را روزه بدارد، گفته می‌شود: به تحقیق، هر آنچه از تو گذشته، بخشیده شد و هر آنچه که باقی مانده. پس، از برادران گناهکارت و هر آشنائی، هر کس را که می‌خواهی شفاعت کن! و هر کس که هفت روز از رجب را روزه بدارد، ابواب هفتگانه جهنم، به رویش بسته می‌شود و هر کس که هشت روز از این ماه را روزه بگیرد، درهای هشتگانه بهشت، به رویش باز می‌شود و او، از هر کدام که بخواهد، داخل می‌گردد.

۲ - محمد، پسر عمران، از صادق روایت می‌کند که فرمود: تعجب می‌کنم از کسی که از چهار چیز می‌نالند و به چهار چیز پناه نمی‌برد؛ در شگفتم از کسی که می‌ترسد و چگونه به این قول خداوند که فرموده: «حسبنا الله و نعم الوکیل» پناه نمی‌برد که خداوند در ادامه فرموده است: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل و لم یمسسهم سوء». در شگفتم از کسی که غصه مند است، چگونه پناه نمی‌برد به این گفتار خداوند که فرمود: لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من الظالمین. پس خداوند در ادامه می‌فرماید: «فنجیناه من الغم و کذالک ننجی المؤمنین». و تعجب می‌کنم از کسی که به او مکر می‌زنند و چگونه او به این گفتار خداوند که: «افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» پناه نمی‌برد؟ پس در ادامه می‌فرماید: «فوقیه الله سیئات ما مکروا». و در شگفتم از کسی که دنیا و زینتش را می‌خواهد و پناه نمی‌برد به این گفتار خداوند که: «ما شاء الله لا قوة الا بالله». پس همانا خداوند، در ادامه می‌فرماید: «ان ترن انا اقل منک مالا و ولداً فعسی ربی ان یؤتینی خیراً من جنتک و عسی موجهه.»

۳ - علی بن موسی، از پدراننش از امیرالمؤمنین، از پیامبر خداوند روایت کرد: هر کس که کلام مرا، طبق نظر خودش تفسیر کند، به من ایمان نیاورده، و مرا از شبیهان و مخلوقاتم، باز نشناخته. و بر دین و آئین من نیست، کسی که در آئین من، قیاس

من استعمل القياس في ديني .

٤ - حدثنا أبي رحمه الله قال : حدثنا سعد بن عبد الله قال : حدثنا إبراهيم بن هاشم عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليهم السلام قال : قال رسول الله ﷺ : من لم يؤمن بحوضي فلا أورده الله حوضي ومن لم يؤمن بشفاعتي فلا أناله الله شفاعتي ، ثم قال ﷺ : إنما شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي فأما المحسنون فما عليهم من سبيل ، قال الحسين بن خالد فقلت للرضا عليه السلام يا ابن رسول الله فما معنى قول الله عز وجل : ولا يشفعون إلا لمن ارتضى ؟ قال : لا يشفعون إلا لمن ارتضى الله دينه .

٥ - حدثنا الحسين بن أحمد رحمه الله قال : حدثنا أبي قال : حدثنا محمد بن أبي الصهبان قال : حدثنا أبو أحمد محمد بن زياد الأزدي قال : حدثني إبان الأحمر عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام أنه جاء إليه رجل فقال له : بأبي أنت وأمي يا ابن رسول الله علمني موعظة فقال عليه السلام : إن كان الله تبارك وتعالى قد تكفل بالرزق فاهتمامك لماذا وإن كان الرزق مقسوماً فالحرص لماذا وإن كان الحساب حقاً فالجمع لماذا وإن كان الثواب من الله فالكسل لماذا وإن كان الخلف من الله عز وجل حقاً فالبنخل لماذا وإن كانت العقوبة من الله عز وجل النار فالمعصية لماذا وإن كان الموت حقاً فالفرح لماذا وإن كان العرض على الله عز وجل حقاً فالمكر لماذا وإن كان الشيطان عدواً فالغفلة لماذا وإن كان المرء على الصراط حقاً فالمعجب لماذا وإن كان كل شيء بقضاء وقدر فالخزن لماذا وإن كانت الدنيا فانية فالطمأنينة إليها لماذا .

٦ - حدثنا الحسن بن محمد بن سعيد الهاشمي قال : حدثنا قرأت بن إبراهيم الكوفي قال : حدثنا محمد بن علي بن معمر قال : حدثنا أحمد بن علي الرملي قال : حدثنا محمد بن موسى قال : حدثنا يعقوب بن اسحاق المروزي قال : حدثنا عمرو بن منصور قال : حدثنا اسماعيل بن إبان عن يحيى بن أبي كثير عن

به کار گیرد.

۴ - همو از پدرانش از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: هر کس که به حوض من ایمان نداشته باشد، خداوند او را وارد حوضم نمی‌کند و هر کس که به شفاعت من ایمان نداشته باشد، پس، من در نزد خدای، او را شفاعت نمی‌کنم. آن‌گاه گفت: این است و جز این نیست که شفاعت من، شامل دارندگان گناهان بزرگ امّت می‌شود، امّا نیکو کرداران، برای آنها مشکلی نیست. حسین پسر خالد گوید: به رضا گفتم: ای فرزند رسول خدا! معنای این آیه که خداوند می‌فرماید: «و لا یشفعون الا لمن ارتضى» چیست؟ گفت: یعنی شفاعت نمی‌کنند مگر به کسی که خدای از دین او راضی باشد.

۵ - ابو احمد محمد پسر زیاد از دی گفت: حدیث کرد مرا ابان احمر (سرخ رنگ) از صادق جعفر بن محمد که: کسی پیش او آمد و به او گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا! موعظه‌ای به من بیاموز! پس گفت: خداوند - تبارک و تعالی - به راستی متکفل روزی شده است، پس اهتمام تو برای چیست؟ و اگر رزق و روزی تقسیم شده است، پس حرص برای چیست؟ و اگر حساب حقّ است، پس جمع کردن برای چیست؟ و اگر ثواب از طرف خداوند می‌باشد، پس سستی از چه روست؟ اگر جایگزین کننده خداوند است، پس چرا بخل؟ و اگر عقوبت از طرف خداوند می‌باشد، پس، معصیت از چه رو؟ و اگر مرگ راست است، چرا غفلت؟ و اگر گذر از صراط حق است، خود بزرگ بینی چه معنا دارد؟ و اگر هر چیزی با «قضا و قدر» الهی است، پس چرا حزن و اندوه؟ و اگر دنیا فانی است، پس آرامش و اطمینان داشتن در غنا برای چیست؟

۶ - احمد پسر علی رملی گفت: حدیث کرد ما را محمد پسر موسی که گفت: حدیث کرد ما را یعقوب پسر اسحاق مروزی که گفت: حدیث کرد ما را عمرو پسر منصور که گفت: حدیثمان کرد اسماعیل پسر ابان از یحیی پسر ابی کثیر از پدرش از ابی هارون عبدی از جابر پسر عبدالله انصاری، از پیامبر خدا که فرمود: علی پسر ابوطالب، پیشرو امّت من، از حیث ایمان است و پیشرو آنان، از حیث بیشتری دانش و صحیح‌ترین از

أبيه عن أبي هارون العبدي عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال : قال رسول الله ﷺ : علي بن أبي طالب أقدم أمتي سلفاً وأكثرهم علماً وأصحهم ديناً وأفضلهم يقيناً وأحلمهم حلماً وأسمحهم كفاً وأشجعهم قلباً وهو الإمام والخليفة بعدي .

٧ - حدثنا أبي (ره) قال : حدثنا إبراهيم بن عمرو السهماني بهمدان قال : حدثنا أبو علي الحسن بن اسماعيل القحطي قال : حدثنا سعيد بن الحكم بن أبي مريم عن أبيه عن الأوزاعي عن يحيى بن أبي كثير عن عبد الله بن مرة عن سلمة بن قيس قال قال رسول الله ﷺ : علي بن أبي طالب في السماء السابعة كالشمس بالنهار في الأرض وفي السماء الدنيا كالقمر بالليل في الأرض أعطى الله علياً من الفضل جزءاً لو قسم على أهل الأرض لو سمعهم شبهت لينه بلين لوط وخلقته بخلق يحيى وزهده بزهد أيوب وسخاه بسخاء إبراهيم وبهجته بهجة سليمان بن داود وقوته بقوة داود له اسم مكتوب على كل حجاب في الجنة بشرني به ربي وكانت له البشارة عندي ، علي محمود عند الحق مذكى عند الملائكة وخاصتي وخاصتي وظاهرتي ومصباحي وجنتي ورفيقي آنسني به ربي ، فسألت ربي أن لا يقبضه قبلي وسألته أن يقبضه شهيداً بعدي ، ادخلت الجنة فرأيت حور علي أكثر من ورق الشجر وقصور علي كعدد البشر ، علي مني وأنا من علي ، من تولى علياً فقد تولاني ، حب علي نعمة واتباعه فضيلة دان به الملائكة وحفت به الجن الصالحون ، لم يمش على الأرض ماش بعدي إلا كان هو أكرم منه عزاً وفقراً ومنهاجاً ، لم يك فظاً عجولاً ولا مستمرلاً لفساد ولا متعنداً حملته الأرض فأكرمته لم يخرج من بطن انثى بعدي أحد كان أكرم خروجاً منه ولم ينزل منزلاً إلا كان ميموناً أنزل الله عليه الحكمة ورداه بالفهم تجالسه الملائكة ولا يراها ، ولو أوحى إلى أحد بعدي لأوحى إليه فزين الله به المحافل وأكرم به المساكر وأخصب به البلاد وأعز به الأجناد مثله كمثل بيت الله الحرام ، يزار ولا يزور ومثله كمثل القمر الطالع إذا طلع أضاء

حیث دین و بالاترین آنهاست، از حیث یقین و پر توان‌ترین از حیث گذشت و گشوده‌ترین آنها از حیث دست و شجاع‌ترین از حیث قلب است و اوست پیشوا و خلیفه بعد از من.

۷ - سلمه پسر قیس گوید: رسول خدا فرمود: علی در آسمان هفتم، مانند خورشید تابان ظهرگاهی در زمین است و در آسمان دنیاوی، مانند ماه شبانگاهی زمین می‌باشد. خداوند، از فضل، تا آن مقدار به علی بخشیده که اگر به تمام اهل زمین تقسیم شود، بیش‌تر می‌آید. خداوند فهمی به او ارزانی داشته که اگر میان اهالی زمین تقسیم شود، به همه می‌رسد. نرمای او، به نرمی «لوط» شبیه است و حلقش به اخلاق یحیی و زهدش به زهد ایوب و بخشندگی‌اش به بخشاینده‌ی ابراهیم و گشودگی‌اش به گشودگی سلیمان - پسر داود - و قدرتش به قدرت داود. برای او اسمی است که بر تمام پرده‌های بهشت نگاشته شده است. خداوند، او را به من مژده داد و برای او، پیش من بشارتی است بر ستوده بودنش در نزد حق و پاک بودنش در نزد فرشتگان، و او ویژگی من و عصا من و ظاهر من و چراغ من و بهشت من و دوست من است و پروردگام به او مأوسم نمود.

من از خداوند خواستم او را قبل از من قبض روح نکند و خواستم او را بعد از من، شهید از دنیا ببرد. پس، داخل بهشت شدم و دیدم حوریان او، بیش از برگ درختان است و قصرهایش به تعداد انسان‌ها. علی از من است و من از علی، هر کس علی را به ولایت بپذیرد، مرا پذیرفته. دوستداری علی، نعمت است و تبعیتش فضیلت که فرشتگان بدان می‌گروند و جن‌های صالح به آن می‌گروند. بر روی زمین، بعد از من، کسی گام نخواهد سپرد، مگر اینکه علی از حیث عزت و فخر و روش، از او والاترست؛ عجله‌گر نیست و نه سست‌کار و نه مُعانند. زمین، از وقتی او را برداشته، بزرگش داشته. بعد از من، از شکم هیچ زنی، کسی بزرگوارتر از او خارج نخواهد شد و در جایگاهی منزل نمی‌کند، مگر اینکه مبارک می‌گردد و خداوند، حکمتش را بر آن نازل می‌کند و آن را با فهم پوشانده است. همنشینان او، فرشتگان‌اند و او را نمی‌بینند. و اگر به کسی، بعد از من وحی شود، پس خداوند به او وحی می‌کند و به سبب او، محافل را زینت می‌بخشد و به سبب او، لشکرها را بزرگ می‌دارد و سرزمین‌ها را سبزی بخشیده و سپاهیان را به سبب او عزت ارزانی داشته. مثل او مثل بیت الله الحرام است که زیارت می‌شود و زیارت نمی‌کند و مثل او مانند ماه است که هرگاه طلوع کند، تاریکی را از بین ببرد و مثلش مانند خورشید است که زمانی که طلوع کند، نور ببخشد و خداوند او را در کتابش توصیف

الظلمة ومثله كمثل الشمس إذا طلعت أثارته ، وصفه الله في كتابه ومدحه بآياته
ووصف فيه آثاره وأجرى منازلته فهو الكريم حياً والشهيد ميتاً .

المجلس الثالث

يوم الجمعة لخمس بقين من رجب من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه
القمي رحمه الله قال : حدثنا عبد الرحمن بن محمد بن حامد قال : حدثنا محمد بن
درستويه الفارسي قال : حدثنا عبد الرحمن بن محمد بن منصور قال : حدثنا
أبو داود الطيالسي قال : حدثنا شعبة قال : حدثني حماد بن أبي سليمان عن أنس
قال : سمعت النبي ﷺ يقول : من صام يوماً من رجب إيماناً واحتساباً جعل
الله تبارك وتعالى بينه وبين النار سبعين خندقاً عرض كل خندق ما بين السماء
إلى الأرض .

٢ - حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق رحمه الله قال : حدثنا أحمد بن محمد
الكوفي عن علي بن الحسن بن علي بن فضال عن أبيه عن أبي الحسن علي بن
موسى الرضا عليه السلام قال : من صام أول يوم من رجب رغبة في ثواب الله عز
وجل وجبت له الجنة ومن صام يوماً في وسطه شفع في مثل ربيعة ومضر ومن
صام يوماً في آخره جعله الله عز وجل من ملوك الجنة وشفعه في أبيه وأمه وابنه
وابنته وأخيه وأخته وعمه وعمته وخاله وخالته ومعارفه وجيرانه وإن كان
فيهم مستوجب للنار .

٣ - حدثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد قال : أخبرنا عمر بن أحمد بن
حمدان القشيري قال : حدثنا المغيرة بن محمد بن المهلب قال : حدثنا عبد الغفار
ابن محمد بن كثير الكلابي الكوفي عن عمرو بن ثابت عن جابر عن أبي جعفر

کرده و آثارش را در آن وصف نموده و در منزل هایش روانش نموده، پس او در زنده بودنش بزرگ و در مرگش شهید است.

مجلس سوم ماه رجب سال ۳۶۷

۱ - شیخ فقیه ابوجعفر محمد، پسر علی، پسر حسین، پسر موسی، پسر بابویه قمی - رحمة الله - گفت: حدیث کرد ما را عبدالرحمن محمد، پسر حامد و گفت: حدیث کرد ما را محمد، پسر درستویه فارسی و گفت: حدیث کرد ما را عبدالرحمن، پسر محمد پسر منصور گفت: حدیث کرد ما را ابو داود طیالسی گفت: حدیث کرد ما را شعبه و گفت: حدیث کرد مرا حماد پسر سلیمان، از انس که گفت: از پیامبر شنیدم که فرمود: هر کس، از روی ایمان و قصد قربت، روزی از روزهای رجب را روزه بدارد، خداوند - تبارک و تعالی - میان او و آتش جهنم هفتاد خندق - به پهنای آسمان تا زمین - قرار می دهد.

۲ - علی بن موسی الرضا فرمود: هر کس از روی رغبت در ثواب خداوندی، اول ماه رجب را روزه بدارد، بهشت بر او واجب می گردد و هر کس از وسط آن روزی را روزه بگیرد، می تواند به قبیله ای مثل ربیع و مضر شفاعت کند، و هر کس روزی از آخر رجب را روزه بگیرد، خداوند او را از پادشاهان بهشت قرار می دهد و شفاعت او در حق پدر و مادر و فرزند و دختر و برادر و دایی و عمو و خاله و دایی و آشنایان و همسایگانش می پذیرد، هر چند که مستحق آتش باشند.

۳ - عمر پسر احمد پسر حمدان قشیری گفت: حدیث کرد ما را مغیره پسر محمد پسر مهلب که گفت: حدیث کرد ما را عبدالغفار پسر محمد پسر کثیر کلابی از عمرو پسر ثابت از جابر از ابی جعفر محمد پسر علی پسر حسین از علی از پدرش که فرمود: رسول

محمد بن علي بن الحسين عن علي بن الحسين عن أبيه عليهم السلام قال : قال رسول الله ﷺ حيي وحب أهل بيتي نافع في سبعة مواطن ، أهوالهن عظيمة : عند الوفاة وفي القبر وعند النشور وعند الكتاب وعند الحساب وعند الميزان وعند الصراط .

٤ - حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (رض) قال : حدثنا محمد ابن الحسن الصفار قال : حدثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن اسماعيل بن مهران عن سيف بن عميرة عن سليمان بن جعفر النخعي عن محمد بن مسلم وغيره عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام قال : سئل رسول الله ﷺ عن خيار العباد فقال : الذين إذا أحسنوا استبشروا وإذا أسأوا استغفروا وإذا أعطوا شكروا وإذا ابتلوا صبروا وإذا غضبوا غفروا .

٥ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله قال : حدثنا علي بن الحسين السعدآبادي عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن أبيه عن زرعة عن سماعة بن مهران عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عليهم السلام أنه قال : أيما مسافر صلى الجمعة رغبة فيها وحباً لها أعطاه الله عز وجل أجر مائة جمعة للمقيم .

٦ - حدثنا محمد بن علي رحمه الله عن عمه محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان عن زياد بن المنذر عن سعيد بن جبير عن ابن عباس قال : قال رسول الله ﷺ : المخالف على علي بن أبي طالب عليه السلام بعددي كافر والمشارك به مشرك والحب له مؤمن والمبغض له منافق والمقتفي لأثره لاحق والمحارب له مارق والراد عليه زاهق ، علي نور الله في بلاده ووجهته على عباده ، علي سيف الله على أعدائه ووارث علم أنبيائه ، علي كلمة الله العليا وكلمة أعدائه السفلى ، علي سيد الأوصياء ووصي سيد الأنبياء ، علي أمير المؤمنين وقائد الفر المحجلين وإمام المسلمين لا يقبل الله الإيمان إلا بولايته وطاعته .

٧ - حدثنا محمد بن القاسم قال : حدثنا يوسف بن محمد بن زياد وعلي بن محمد بن سيار عن أبيهما عن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر

خدا فرمود: دوستداری من و اهل بیتم، در هفت جایگاه بس هول دار نافع است: گاه مرگ، قبر، هنگام برخاستن، زمان دریافت کتاب، زمان حساب، کنار میزان، و در صراط.

۴ - محمد پسر حسن صفار گفت: حدیث کرد ما را احمد پسر ابلی عبدالله برقی از اسماعیل پسر مهران از سیف پسر عمیره از سلمان پسر جعفر نتخعی از محمد پسر مسلم و غیر او که ابی جعفر محمد بن علی الباقر گفت: از رسول خدا، از خوبانِ بندگان سؤال به عمل آمد. گفت: آنها کسانی هستند که زمانی که خوبی کنند، شادمان شوند، زمانی که بدی کنند، استغفار نمایند و زمانی که عطا شوند، شکر به جای آورند و زمانی که گرفتار گردند، صبر نمایند و زمانی که خشماگین گردند، ببخشایند.

۵ - سعد آبادی از احمد پسر ابی عبدالله برقی از پدرش از زرعه از سماعه پسر مهران از صادق جعفر بن محمد، از پدرش نقل کرد که گفت: هر آن مسافری که از روی رغبت، نماز جمعه بخواند، خداوند اجر نماز جمعه صد غیر مسافر را به او عطا می کند.

۶ - ابن عباس از پیامبر نقل کرد: مخالفت کننده با علی بعد از من کافر است و مشرک به او، مشرک به من است و دوست دارنده اش مؤمن و بغض کننده اش منافق. دنباله رُوش پیروز است و مبارزه کننده اش ظالم و رد کننده اش باطل. علی، نور خداوند است در سرزمین هایش و حجت او بر بندگان. او شمشیر خداوند بر بندگان است و وارث علم های پیامبران. او کلمه بلند خداست و کلمه دشمنان او حقیر است. او آقای اوصیا و سرور پیامبران است. امیر مؤمنین است و جلودار رو سفیدها. پیشوای مسلمانان، و خداوند هیچ ایمانی را جز با ولایت و اطاعت او قبول نمی کند.

۷ - حسین بن علی بن ابیطالب، از پیامبر نقل کرد که روزی به یکی از اصحابش فرمود: ای بنده خدا! برای خدا دوست داشته باش و برای خدا دشمن. در راه خدا پذیر

ابن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام عن أبيه عن آباءه عليهم السلام قال : قال رسول الله ﷺ لبعض أصحابه ذات يوم : يا عبد الله أحبب في الله وأبغض في الله ووال في الله وعاد في الله فإنه لا تنال ولاية الله إلا بذلك ولا يجد رجل طعم الإيمان وإن كثرت صلته وصيامه حتى يكون كذلك وقد صارت مواخاة الناس يومكم هذا أكثرها في الدنيا عليها يتوادون وعليها يتباغضون وذلك لا يغني عنهم من الله شيئاً فقال له وكيف لي أنت أعلم أنني قد واليت وعاديت في الله عز وجل فمن ولي الله عز وجل حتى أواليه ومن عدوه حتى اعاديه فأشار له رسول الله ﷺ إلى علي بن أبي طالب فقال بلى قال ولي هذا ولي الله فواله وعدوه هذا عدو الله فعاده وال ولي هذا ولو انه قاتل أبوك وولدك وعاد عدو هذا ولو انه أبوك وولدك .

٨ - حدثنا أبي رحمه الله قال : حدثنا سعد بن عبد الله قال : حدثنا أحمد ابن محمد عن أبيه عن محمد بن زياد الأزدي عن أبان وغيره عن أبي عبد الله عليه السلام قال : إني لأرحم ثلاثة وحق لهم أن يرحموا : عزيز أصابته مذلة بعد العز، وغني أصابته حاجة بعد الغناء، وعالم يستخف به أهله والجهلة .

٩ - حدثنا محمد بن الحسن (ره) قال : حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال : حدثنا المباس بن معروف عن محمد بن سنان عن غياث بن ابراهيم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آباءه عليهم السلام قال : قال رسول الله ﷺ : إنكم لن تسعوا الناس بأموالكم فسعوم بأخلاقكم .

١٠ - حدثنا أحمد بن محمد قال : أخبرنا محمد بن علي بن يحيى قال : حدثنا أبو بكر بن نافع قال : حدثنا أمية بن خالد قال : حدثنا حماد بن سلمة قال : حدثنا علي بن زيد عن علي بن الحسين قال : سمعت أبي يحدث عن أبيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب أنه قال : سمعت رسول الله ﷺ يقول : يا علي والذي فلق الحبة وبرء النسمة انك لأفضل الخليفة بعدي يا علي أنت وصيي وإمام أمتي من أطاعك أطاعني ومن عصاك عصاني .

و در راه خدا روی برگردان. به راستی که به ولایت خدا نمی‌رسد کسی، مگر با آن و مردی مژه ایمان را نمی‌چشد، مگر با آن، هر چند که نماز و روزه‌اش زیاد باشد و به درستی که برادری مردم در این روزتان، بیشتر در خصوص دنیا است. بر روی آن به همدیگر می‌پیوندید و روی آن، نسبت به هم بغض می‌کنید و این، شما را در نزد خداوند از چیزی بی‌نیاز نمی‌کند. آن شخص پرسید: از کجا بدانم که دوستی و دشمنی من، در راه خداست؟ پس، ولی خدا کیست که او را دوست بدارم و دشمنش کیست که دشمنش دارم؟ پس، رسول خدا به «علی» اشاره کرد و گفت: آیا این مرد را می‌بینی گفت: آری! گفت: دوستِ او دوستِ خداست، دوستش دار و دشمن او دشمنِ خداست، دشمنش دارا دوستش را دوست بدار، هر چند که او قاتل پدر و پسرش باشد و دشمنش را هم دشمن بدار، هر چند او پدر و فرزندت باشد.

۸ - ابان و غیر او، از ابی عبدالله نقل کرده‌اند: من حتماً درباره‌ی سه کس ترحم روا می‌دارم و حق آنها ترحم است: بزرگی که ذلت به او روی آورده باشد، بعد از عزت، دارایی که بعد از بی‌نیازی، نیازمند شود، و عالمی که اهل و خاندانش و نیز جاهلان، او را حقیر شمارند.

۹ - غیاث پسر ابراهیم از صادق جعفر بن محمد، از پدرش و او از پدران‌ش نقل نمود که رسول خدا فرمود: شما، بدون شک نمی‌توانید مردمان را با اموالتان تحت پوشش قرار دهید، پس با اخلاقتان آنها را پوشش دهید.

۱۰ - زید بن علی بن حسین گفت: از پدرم شنیدم که از پدرش امیرالمؤمنین روایت کرد که گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌گفت: یا علی! قسم به حق کسی که دانه را شکافت و انسان‌ها را آفرید، همانا تو، فاضل‌ترین خلیفه بعد از من هستی. یا علی! همانا تو وصی منی و پیشوای امتم و هر کس تو را اطاعت کند، مرا اطاعت نموده و هر کس عصیان کند، مرا عصیان کرده است.

المجلس الرابع

يوم الثلاثاء سلخ رجب من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله قال : حدثنا أبي (ره) قال : حدثنا عبد الله بن الحسن المؤدب عن أحمد بن علي الأصهباني عن إبراهيم بن محمد الثقفي قال : حدثنا نحول ابن إبراهيم قال : حدثنا عبد الرحمن بن الأسود البشكري عن محمد بن عبيد الله عن سلمان الفارسي (ره) قال : سألت رسول الله ﷺ من وصيك من أمتك فإنه لم يبعث نبي إلا كان له وصي من أمته ، فقال رسول الله ﷺ لم يبين لي بعد فكثت ما شاء الله أن أمكت ثم دخلت المسجد فناداني رسول الله ﷺ فقال يا سلمان سئلتني عن وصيي من امتي فهل تدري من كان وصي موسى من أمته ، فقلت كان وصيه يوشع بن نون فتاه قال فهل تدري لم كان أوصى إليه فقلت الله ورسوله أعلم قال : أوصى إليه لأنه كان أعلم أمته بعده ووصيي وأعلم أمتي من بعدي علي بن أبي طالب عليه السلام .

٢ - حدثنا أحمد بن زياد قال : حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم قال : حدثنا جعفر بن سلمة الأهوازي عن إبراهيم بن محمد الثقفي قال : حدثنا عثمان بن أبي شيبة ومحرز بن هشام قالا : حدثنا مطاب بن زياد عن ليث بن أبي سليم قال : أتى النبي ﷺ علي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام كلهم يقول : أنا أحب إلى رسول الله ﷺ فأخذ ﷺ فاطمة مما يلي بطنه وعلياً مما يلي ظهره والحسن عن يمينه والحسين عن يساره ثم قال ﷺ : أنتم مني وأنا منكم .

٣ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل (ره) قال : حدثنا محمد بن يحيى العطار قال : حدثنا محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري عن أحمد بن

مجلس چهارم رجب سال ۳۶۷ قمری

۱ - ابن بابویه قمی گوید: حدیث کرد ما را پدرم که گفت: حدیث کرد ما را عبدالله پسر حسن مودب از احمد پسر علی اصفهانی از ابراهیم پسر محمد ثقفی که گفت: مخول پسر ابراهیم نقل مان کرد و گفت: حدیث کرد ما را عبدالرحمن پسر اسود یشکری از محمد پسر عییدالله از سلمان فارسی نقل کرده است که گفت: از رسول خدا پرسیدم: به درستی که خداند پیامبری مبعوث نکرده، مگر اینکه از اُمّتش وصیی داشته است، وصیی شما از اُمّت تان کیست؟ پیامبر فرمود: این امر برای من بیان نشده است. آن گاه من مکث کردم. روزی، وارد مسجد شدم. پس رسول خدا صدایم کرد و گفت: ای سلمان! تو از وصیّم سؤال کردی، از اُمّتم. آیا می دانی وصیّ موسی از اُمّتش چه کسی بود؟ گفتم: یوشع بن نون که جوان مرد بود. گفت: آیا می دانی چرا موسی او را وصیّ قرار داد؟ گفتم: خدا و رسول داناترند. فرمود: او را وصیّش قرار داد، چون او داناترین قومش، بعد از خودش بود. و وصیّ من و دانای اُمّتم بعد از من، علی بن ابیطالب است.

۲ - جعفر پسر سلمه اهوازی از ابراهیم پسر محمد ثقفی نقل کرد که گفت: حدیث کرد ما را شبیه و محرز پسر هشام که هر دو گفتند: حدیث کرد ما را مطلب پسر زیاد از لبث پسر ابی سلیم که گفت: علی و فاطمه و حسن و حسین نزد پیامبر آمدند و هر یک می گفتند: من، نزد پیامبر گرامی ترین ام. پیامبر فاطمه را در آغوش کشید، علی را روبرو قرار داد، حسن را در راست و حسین را در چپ. آن گاه فرمود: شما از من هستید و من، از شما!

۳ - محمد پسر احمد پسر یحیی پسر عمران اشعری از احمد پسر هلال از عیسی پسر عبدالله از پدرش از جدش از پدراناش از علی نقل کرد رسول خدا که فرمود: هر کس

هلال عن عيسى بن عبد الله عن أبيه عن جده عن آبائه عن علي بن الحسين قال : قال رسول الله ﷺ : من قرأ قل هو الله أحد حين يأخذ مضجعه غفر الله له ذنوب خمسين سنة .

٤ - حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (ره) قال : حدثنا الحسين ابن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد عن الحسن بن محمد عن اسحاق بن هارون عن هارون بن حمزة الفنوي قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد عليها السلام يقول وكل الله تبارك وتعالى بقبر الحسين ﷺ أربعة آلاف ملك شعثاً غبراً ييكونه إلى يوم القيامة فمن زاره عارفاً بحقه شيعوه حتى يلبفوه مأمنه وإن مرض عادوه غدوة وعشياً وإن مات شهدوا جنازته واستغفروا له إلى يوم القيامة .

٥ - حدثنا علي بن أحمد بن عبد الله بن أحمد بن أبي عبد الله البرقي قال : حدثنا أبي عن جده أحمد بن أبي عبد الله عن حمزة بن عبد الله الجعفري عن جميل ابن دراج عن أبي حمزة الثمالي قال : قال الصادق جعفر بن محمد عليها السلام ارج الله رجاء لا يحركك على معاصيه وخف الله خوفاً لا يؤيسك من رحمة .

٦ - حدثنا محمد بن علي رحمه الله عن عمه محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن عامر بن كثير السراج النهدي عن أبي الجارود عن ثابت بن أبي صفية عن سيد العابدين علي بن الحسين عن سيد الشهداء الحسين بن علي عن سيد الوصيين أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام عن سيد النبيين محمد بن عبد الله خاتم النبيين ﷺ أنه قال : إن الله تبارك وتعالى فرض عليكم طاعتي ونهاكم عن معصيتي وأوجب عليكم اتباع أمري وفرض عليكم من طاعة علي بمدي ما فرضه من طاعتي ونهاكم من معصيتي عما نهاكم عنه من معصيتي وجعله أخي ووزير وصي ووارثي وهو مني وأنا منه ، حبه إيمان وبغضه كفر ومحبته محبة ومبغضه مبغضتي وهو مولى من أنا مولاه وأنا مولى كل مسلم ومسلمة وأنا وإياه أبوا هذه الأمة .

که سوره «اخلاص» را بخواند، زمانی که سر بر بالش خواب می‌گذارد، خداوند به اندازه پنجاه سالش، گناهانش را می‌بخشاید.

۴ - هارون پسر حمزه غنوی گفته است، از امام صادق شنیدم که می‌گفت: خداوند، روی قبر حسین بن علی، چهار هزار ملک افسرده و نالان گذاشته که تا روز قیامت، بر او گریه می‌کنند. پس هر کس که او را آن گونه که شایسته است زیارت کند، او را مشایعت می‌کنند، تا به کاشانه‌اش برسد. و اگر بیمار گردد، صبح و شام، عیادتش می‌کنند و اگر از دنیا برود، بر جنازه‌اش حضور پیدا می‌کنند و تا روز قیامت برایش استغفار می‌کنند.

۵ - برقی گوید: حدیث کرد ما را پدرم از جدش احمد پسر ابی عبدالله از حمزه پسر عبدالله جعفری از جمیل پسر دراج از ابی حمزه ثمالی که گفت: صادق جعفر بن محمد - سلام خداوند به هر دوی آنها باد - فرمود: به خدای امید داشته باش، امیدی که نسبت به انجام دادن گناه جری‌ات نکند و از خدا ترس داشته باش، ترسی که از رحمتش ناامیدت نکند.

۶ - محمد پسر علی کوفی از عامر پسر کثیر سراج نهدی از ابی جارود از ثابت پسر ابی صفیه از سید عابدین علی پسر حسین از سید الشهداء حسین پسر علی از سید الوصیین امیر المؤمنین علی پسر ابوطالب - که سلام خدا بر آنها باد - از پیامبر نقل کرد که فرمود: همانا خداوند - تبارک و تعالی - اطاعت مرا بر شما واجب کرد و تبعیت از امرم را، بر شما واجب ساخت و بر شما تکلیف نمود اطاعت از علی را بعد از من، مثل وجوب اطاعت تان از من و نهی تان کرده است از عصیانش، همانگونه که از عصیان کردن من. و او را برادر و وزیر و وصی من و وارثم قرار داد و او از من است و من از او. دوست داشتنتش ایمن است و دشمن داشتنتش کفر. دوست دارِ او، دوستدارِ من است و نادوستدارش نا دوستدارِ من، و او مولای کسی است که من مولای اویم و من مولای هر مسلمانی هستم و من و او، پدران این امتیم.

٧ - حدثنا محمد بن أحمد السناني المكتب (ره) ، قال : حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي ، قال : حدثنا موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين بن يزيد عن علي بن سالم عن أبيه ، قال : دخلت على الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام في رجب وقد بقيت منه أيام فلما نظر إلي قال لي : يا سالم هل صمت في هذا الشهر شيئاً قلت لا والله يا ابن رسول الله ، فقال لي لقد فاتك من الثواب ما لم يعلم مبلغه إلا الله عز وجل إن هذا شهر قد فضله الله وعظم حرمة وأوجب للصائمين فيه كرامته ، قال فقلت له يا ابن رسول الله فإن صمت بما بقي شيئاً هل أتال فوراً ببعض ثواب الصائمين فيه ، فقال يا سالم من صام يوماً من آخر هذا الشهر كان ذلك أماناً له من شدة سكرات الموت وأماناً له من هول المطلاع وعذاب القبر ، ومن صام يومين من آخر هذا الشهر كان له بذلك جواز على الصراط ، ومن صام ثلاثة أيام من آخر هذا الشهر أمن يوم الفزع الأكبر من أهواله وشدائده وأعطي براءة من النار .

٨ - حدثنا أحمد بن الحسن القطان ، قال : حدثنا عبد الرحمن بن محمد الحسيني ، قال : أخبرنا أحمد بن عيسى بن أبي موسى العجلي ، قال : حدثنا محمد ابن أحمد بن عبد الله بن زياد المزرمي ، قال : حدثنا علي بن حاتم المنقري ، قال حدثنا شريك عن سالم الأقطس عن سعيد بن جبير عن ابن عباس ، قال قال رسول الله ﷺ لعلي عليه السلام : يا علي شيعتك هم الفائزون يوم القيامة فمن أهان واحداً منهم فقد أهانك ومن أهانك فقد أهانني ومن أهانني أدخله الله نار جهنم خالداً فيها وبئس المصير ، يا علي أنت مني وأنا منك روحك من روحي وطينتك من طينتي وشيعتك خلقوا من فضل طينتنا فمن أحبهم فقد أحبنا ومن أبغضهم فقد أبغضنا ومن عاداهم فقد عادانا ومن ودهم فقد ودنا ، يا علي إن شيعتك مغفور لهم على ما كان فيهم من ذنوب وعيوب ، يا علي أنا الشفيع لشيعتك غداً إذ أقيمت المقام المحمود فيشرهم بذلك ، يا علي شيعتك شيعه الله وأنصارك أنصار الله وأوليائك أولياء الله وحزبك حزب الله ، يا علي سعد من تولاك وشقي

۷ - موسی پسر عمران نجعی از عمویش حسین پسر یزید از علی پسر سالم، از پدرش نقل می‌کند که در ماه رجبی، بر جعفر صادق داخل شدم. زمانی که به من نگریست، پرسید: ای سالم! آیا در این ماه، روزی را روزه داشته‌ای؟ گفتم: ای فرزند رسول خدا، نه! گفت: به درستی که ثوابی از تو فوت شده که مقدارش را جز خداوند متعال کسی نمی‌داند. به راستی که رجب، ماهی است که خداوند آن را بزرگ داشته و ارزشش را بزرگ داشته و برای روزه گیرندگان آن، کرامت‌اش را واجب نموده.

گفتم: ای فرزند رسول! آیا اگر این روزهای باقیمانده را روزه بگیرم، آیا رستگار می‌شوم؟ گفت: ای سالم! هر کس یکی از روزهای آخر این ماه را روزه بدارد، این روزه امان بخش او از شدت مرگ می‌گردد و سبب می‌شود که از ترس مرگ و عذاب قبر، در امان باشد.

هر کس دو روز از آخر این ماه را روزه بدارد، این روزه، جواز عبور او از صراط می‌گردد. هر کس سه روز از این ماه را روزه بدارد، از وحشت‌های بزرگ قیامت و ترس‌ها و مشقت‌های آن، در امان خواهد بود و سندی رهایی از آتش را دریافت خواهد داشت.

۸ - سعید پسر جبیر، از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر به علی فرمود: ای علی! به درستی که رستگاران روز قیامت، شیعیان تو هستند. پس، هر کس که به یکی از آنها اهانتی روا دارد، به درستی که به تو اهانت کرده و هر کس که به تو اهانت کرده باشد، به من اهانت نموده و هر آن کس که به من اهانت روا دارد، خداوند او را وارد آتش جهنم می‌کند و تا همیشه در آن خواهد بود و چه بد جایی است جهنم.

یا علی! تو از من هستی و من از تو! روح تو از روح من است و طینتت، از طینت من و شیعیان تو، از مازاد طینت ما خلق شده‌اند. هر کس آنها را دوست بدارد، ما را دوست داشته و هر کس آنها را دوست ندارد، ما را دوست نداشته، و هر کس که دشمن‌شان دارد، ما را دشمن داشته و هر کس به آنها محبت کند، به ما محبت نموده. یا علی! به درستی که شیعیان تو، از هر عیب و گناهی بخشیده شده‌اند و در روز قیامت، من خود شفیع شیعیان تو هستم، زمانی که در مقام محمود استقرار یابم. پس، به آنان مژده بده! یا علی! شیعیان تو، شیعیان خدایند و یاران تو، یاران خدا و اولیاء تو، اولیاء خدا و گروه تو، گروه خدا. خوش به حال کسی که تو را دوست داشت و بدا به حال کسی که تو را دشمن

من عاداك، يا علي لك كنز في الجنة وأنت ذو قرنيها، الحمد لله رب العالمين وصلى
الله على خير خلقه محمد وأهل بيته الطاهرين الأخيار المنتجبين الأبرار .

المجلس الخامس

وهو يوم الجمعة لليلتين خلتا من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن
بابويه القمي (ره) ، قال حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا أحمد بن ادريس ،
قال حدثنا محمد بن عيسى بن عبيد عن يونس بن عبد الرحمن عن عبد الله بن
الفضل الهاشمي عن الصادق جعفر بن محمد عليهم السلام ، قال : صيام شعبان
ذخر للعبد يوم القيامة ، وما من عبد يكثر الصيام في شعبان إلا أصلح الله له أمر
معيشته وكفاه شر عدوه وإن ادنى ما يكون لمن يصوم يوماً من شعبان أن تجب
له الجنة .

٢ - حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق (ره) ، قال حدثنا أحمد بن محمد
المهداني ، قال أخبرنا علي بن الحسين بن علي بن فضال عن أبيه ، قال سمعت علي
ابن موسى الرضا عليه السلام يقول : من استغفر الله تبارك وتعالى في شعبان سبعين
مرة غفر الله ذنوبه ولو كانت مثل عدد النجوم .

٣ - حدثنا جعفر بن علي بن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة الكوفي
قال حدثنا جدي الحسن بن علي عن جده عبد الله بن المغيرة ، قال حدثنا الحسن
ابن علي بن يوسف عن عمرو بن جميع عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن
آبائه عليهم السلام ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله من سره أن يلقي الله عز وجل
يوم القيامة وفي صحيفته شهادة أن لا إله إلا الله وأني رسول الله وتفتح له أبواب
الجنة الثانية ويقال له يا ولي الله ادخل من أيها شئت ، فليقل إذا أصبح الحمد لله
الذي ذهب بالليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته خلقاً جديداً مرحباً بالحافظين

داشت. تو در بهشت گنجی داری و صاحب هر دو سو خواهی بود. حمد مخصوص آفریدگار جهانیان است و سلام و دورد خداوند، به بهترین بندگان محمد و خاندان پاک او که نیکوان و برگزیدگان و خوبان‌اند.

مجلس پنجم

دوم شعبان سال ۳۶۷

۱ - احمد پسر ادریس گفت: حدیث کرد ما را محمد پسر عیسی پسر عبید از یونس پسر عبدالرحمن از عبدالله پسر فضل هاشمی از صادق که فرمود: روزه ماه شعبان، ذخیره بنده برای روز قیامت است و بنده‌ای، شعبان را زیاد روزه نمی‌دارد، مگر اینکه خداوند امر معاشش را برایش نیکو می‌گرداند و او را از شر دشمنانش کفایت می‌کند و کمترین ثوابی که به روزه یک روز از این ماه داده می‌شود، این است که بهشت بر او واجب می‌شود.

۲ - احمد پسر محمد همدانی گفت: خبر داد ما را علی پسر حسین پسر علی پسر فضال گوید: از علی بن موسی الرضا شنیدم که گفت: هر کس در ماه شعبان، هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند گناهایش را می‌بخشد، هر چند که تعداد آنها به اندازه ستارگان باشد.

۳ - عبدالله پسر مغیره کوفی گفت: حدیث کرد ما را جدم حسن پسر علی از جدش عبدالله پسر مغیره که گفت: حدیث کرد ما را حسن پسر علی پسر یوسف از عمرو پسر جمیع از صادق از پدراش از رسول خدا که فرمود: هر کس که دوست می‌دارد در روز قیامت، خداوند را ملاقات کند و در نامه عمل او، شهادت بر یگانگی خدا و رسالت من باشد و درهای هشت گانه بهشت به رویش گشوده گردد، و به او گفته شود: ای ولی خدا! از هر دری که می‌خواهی وارد شو! او باید هر روز که صبح می‌کند بگوید: «الحمد لله الذی ذهب باللیل بقدرته و جاء بالنهار برحمته خلقاً جدیداً مرحباً بالحافظین و حیاهما الله من کاتبین» به سمت چپ بگردد و آنگاه به سمت چپ، و بگوید، بنویسد:

وحياهما الله من كاتبين ويلتفت عن يمينه ثم يلتفت عن شماله ويقول اكتبنا بسم الله الرحمن الرحيم إني أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمداً عبده ورسوله وأشهد أن الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور على ذلك أحياء وعليه أموت وعلى ذلك ابعث إن شاء الله ، اللهم اقرأ محمداً وآله مني السلام .

٤ - حدثنا محمد بن إبراهيم ، قال حدثنا أبو جعفر محمد بن جرير الطبري ، قال حدثنا أبو محمد الحسن بن عبد الواحد الخزاز ، قال حدثني اسماعيل بن علي السندي عن منيع بن الحجاج عن عيسى بن موسى عن جعفر الأحمر عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام ، قال سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا كان يوم القيامة تقبل ابنتي فاطمة على ناقه من نوق الجنة مديحة الجنين خطمها من لؤلؤ رطب قوائها من الزمرد الأخضر ذنبها من المسك الأذقر عينها يا قوتتان حمراوان عليها قبة من نور يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها داخلها عفو الله وخارجها رحمة الله على رأسها تاج من نور للتاج سبعون ركناً كل ركن مرصع بالدر والياقوت يضيء كما يضيء الكوكب الدري في افق السماء وعن يمينها سبعون ألف ملك وعن شمالها سبعون ألف ملك وجبرائيل أخذ بحطام الناقه ينادي بأعلى صوته غضوا أبصاركم حتى تجوز فاطمة بنت محمد عليها السلام فلا يبقى يومئذ نبي ولا رسول ولا صديق ولا شهيد إلا غضوا أبصارهم تجوز فاطمة فتسير حتى تحاذي عرش ربها جل جلاله فتزج بنفسها عن ناقتها وتقول إلهي وسيدي احكم بيني وبين من ظلمني اللهم احكم بيني وبين من قتل ولدي فإذا النداء من قبل الله جل جلاله ، يا حبيبي وابنة حبيبي سليني تعطي واشفعي تشفعي فوعزتي وجلالي لاجازني ظلم ظالم فتقول إلهي وسيدي ذريتي وشيعتي وشيعة ذريتي ومحبي ومحبي ذريتي فإذا النداء من قبل الله جل جلاله ابن ذرية فاطمة وشيعتها ومحبوها ومحبو ذريتها فيقبلون وقد أحاط بهم ملائكة الرحمة فتقدمهم فاطمة عليها السلام حتى تدخلهم الجنة .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِنِّي اشهد ان لا اله الا الله وحده، لا شريك له و ان محمداً عبده و رسوله و اشهد ان الساعة اتية لا ريب فيها و ان الله يبعث من في القبور على ذلك احياء و عليه اموت و على ذلك ابعث ان شاء الله، اقرأ محمداً و آله مني السلام.

۴ - ابو محمد حسن پسر عبدالواحد خزاز گفت: حدیث کرد مرا اسماعیل پسر علی سندی از منبع پسر حجاج از عیسی پسر موسی از جعفر احمر از ابی جعفر محمد پسر علی باقر گوید: از جابر شنیدم که می‌گفت: رسول خدا فرمود: زمانی که روز قیامت شود، دخترم فاطمه، سوار بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی، به محشر روی آورد که آن ناقه از دو سمت، پر از نگار است و مهارش لؤلؤ. پاهای چهارگانه‌اش، زُمرّد سبز رنگ و دُمش مشک و دو چشمش یاقوتِ قرمز. بر پُشتش برآمده‌ای نورانی است که بیرونش، از داخل رؤیت می‌شود و درونش از بیرون قابل مشاهده است و آن رحمت خداوند است و مغفرتش! بر سرِ دخترم تاجی است نورانی که دارای هفتاد رکن می‌باشد و هر رکنی از آن «بدر» و «یاقوت» است. چنان می‌درخشد که ستاره‌ای فروزان در قلب آسمان، آنگونه درخشش دُرد. در سمتِ راست او، هفتاد هزار فرشته و در سمت چپش نیز هفتاد هزار فرشته می‌باشد.

اسفارِ شتر را، جبرئیل می‌کشد و با صدای بلند فریاد خواهد زد: چشم‌هاتان را ببندید، تا فاطمه، دختر محمّد عبور کند. در آن روز، پیامبر و صدیق و شهیدی باقی نخواهد ماند، مگر اینکه چشمانش را خواهد بست، تا فاطمه خود را به مقابلِ عرشِ الله برساند و از شتر پائین بیاید و بگوید: ای پروردگار! میان من و هر کس که بر من ستم نموده، حکم نما! بین من و هر کس که به زادگانِ من ظلم روا داشته، حکم نما! پاسخی از طرف خداوند خواهد رسید که: ای حبیب و فرزندِ حبیب! هر چه از من خواهی عطا خواهد شد و شفاعت نما، تا پذیرفته گردد. قسم به عزّت و جلالم، ستمگر را سزا خواهم داد.

فاطمه عرض می‌کند: ای معبود! زادگان، پیروان و پیروان زادگانم و دوستان و دوستانان زادگانم را رحم آور. پس، از درگاه خداوند خطاب می‌رسد: کجا هستند زادگان فاطمه و شیعیان و دوستانان و دوستانان زادگانِ او؟ آنها میانِ فرشتگانِ رحمت خداوندی، به حرکت در می‌آیند و فاطمه در برابرِ آنها، پیش می‌افتد تا آنها همه را داخل در بهشت گرداند.

• - حدثنا حمزة بن محمد بن أحمد بن جعفر بن محمد بن زيد بن علي بن الحسين ابن علي بن أبي طالب عليهم السلام ، قال أخبرنا علي بن إبراهيم عن أبيه عن عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ : من أحب أن يركب سفينة النجاة ويستمسك بالمرؤة الوثقى ويمتصم بحبل الله المتين فليوالِ علياً بعدي وليعاد عدوه وليأتمّ بالأئمة الهداة من ولده فإنهم خلفائي وأوصيائي وحجج الله على الخلق بعدي وسادة أمتي وقادة الأتقياء إلى الجنة حزبي وحزبي وحزبي حزب الله وحزب أعدائهم حزب الشيطان .

المجلس السادس

وهو يوم الثلاثاء لسبع خلون من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (ره) ، قال حدثنا أبي (ره) ، قال حدثني محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن نصر بن مزاحم عن أبي عبد الرحمن المسعودي عن العلاء بن يزيد القرشي ، قال : قال الصادق جعفر بن محمد عليهم السلام حدثني أبي عن أبيه عن جده عليهم السلام ، قال : قال رسول الله ﷺ : شعبان شهري وشهر رمضان شهر الله عز وجل فمن صام يوماً من شهري كنت شفيعه يوم القيامة ، ومن صام يومين من شهري غفر له ما تقدم من ذنبه ، ومن صام ثلاثة أيام من شهري قيل له استأنف العمل ، ومن صام شهر رمضان فحفظ فرجه ولسانه وكفّ أذاه عن الناس غفر الله له ذنوبه ما تقدم منها وما تأخر وأعتقه من النار وأحله دار القرار . قبل شفاعته في عدد رمل عالج من مذنبني أهل التوحيد .

٢ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل (ره) ، قال حدثنا علي بن الحسين

۵ - احمد پسر جعفر پسر محمد پسر زید پسر علی گفت: خیر داد ما را علی پسر ابراهیم از پدرش از علی پسر معبد از حسین پسر خالد از ابی الحسن علی بن موسی الرضا از پدرش و از پدراناش نقل کرد که رسول خدا فرمود: هر آن کس که دوست بدارد به کشتی نجات سوار شود، و به ریسمان محکم و مطمئن چنگ بزند، پس او علی را دوست بدارد بعد از من، و دشمنش را دشمن دارد و به امان هدایتگر از فرزندان او اتکا کند که همانا آنها جانشینان من و اوصیاء من هستند و حجّت‌های خداوندی بر مخلوقات بعد از من، و سروران امتم و رهبران تقوا پیشگان به سوی بهشت. گروه آنها، گروه من است و گروه من، حزب خداوند و حزب دشمنان آنها، گروه دشمنان خداوندی.

مجلس ششم

هفت شعبان ۳۶۷

۱ - موسی پسر ابن بابویه قمی می‌گوید: حدیث کرد ما را پدرم که گفت: حدیث کرد مرا محمد پسر ابی القاسم از محمد پسر علی کوفی از نصر پسر مزاحم از ابی عبد الرحمن مسعودی از علاء پسر یزید قرشی گوید: صادق جعفر بن محمد حدیث کرد مرا از پدرش از پدراناش از جدش - که سلام خدا بر آنها باد - که رسول خدا فرمود: شعبان، ماه من است و ماه رمضان ماه خداوند.

پس هر کس، روزی از ماه مرا روزه بدارد، من در روز قیامت، شفیع او خواهم بود و هر کس دو روز از شعبان را روزه بگیرد، گناهان گذشته او بخشیده خواهد شد و هر کس سه روز از این ماه را روزه بگیرد، گفته می‌شود: عمل را از سر بگیر! پس، هر کس که ماه رمضان را روزه بگیرد و فرج و زیبانش را نگاه دارد و اذیتش را از مردمان باز دارد، خداوند تمام گناهان پس و پیش او را می‌بخشاید و او را از آتش جهنم خلاص می‌کند و در «دار قرار» قرارش می‌دهد و شفاعتش را به اندازه ریگ‌های کوه عالج، از گناهکاران اهل توحید می‌پذیرد.

۲ - سعد آبادی از احمد پسر ابی عبدالله مبرقی از عبدالعظیم پسر عبدالله حسنی از

السعدآبادي عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام ، قال دخل موسى بن جعفر عليه السلام على هارون الرشيد وقد استخفه الغضب على رجل فقال له : إنما تغضب لله عز وجل فلا تغضب له بأكثر مما غضب لنفسه .

٣ - حدثنا محمد بن الحسن (ره) ، قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال حدثنا العباس بن معروف ، قال حدثنا محمد بن يحيى الخزاز عن غياث بن إبراهيم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عليهم السلام ، قال مر رسول الله صلى الله عليه وآله بقوم يرمون حجراً ، فقال ما هذا ، قالوا نعرف بذلك أشدنا وأقواتنا ، فقال صلى الله عليه وآله : ألا أخبركم بأشدكم وأقواكم قالوا بلى يا رسول الله ، قال أشدكم وأقواكم الذي إذا رضي لم يدخله رضاه في إثم ولا باطل ، وإذا سخط لم يخرج منه سخطه من قول الحق ، وإذا قدر لم يتعاط ما ليس له بحق .

٤ - حدثنا محمد بن أحمد السناني ، قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين بن يزيد عن محمد بن سنان عن المفضل ابن عمر عن يونس بن ظبيان عن الصادق جعفر بن محمد عليها السلام انه قال : الأشهار بالعبادة ريبة ، ان أبي حدثني عن أبيه عن جده عن علي عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال : أعبد الناس من أقام الفرائض وأسخى الناس من أدى زكاة ماله وأزهد الناس من اجتنب الحرام وأتقى الناس من قال الحق فيما له وعليه وأعدل الناس من رضي للناس ما يرضى لنفسه وكره لهم ما يكره لنفسه وأكيس الناس من كان أشد ذكراً للموت وأغبط الناس من كان تحت التراب قد أمن العقاب ويرجو الثواب وأغفل الناس من لم يتعظ بتغير الدنيا من حال إلى حال وأعظم الناس في الدنيا خطراً من لم يعمل للدنيا عنده خطر وأعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه وأشجع الناس من غلب هواه وأكثر الناس قيمة أكثرهم علماً وأقل الناس قيمة أقلهم علماً وأقل الناس لذة الحسود وأقل الناس راحة

محمد پسر علی پسر موسی پسر جعفر، در حالی بر هارون الرشید وارد شد، که به مردی شدیداً غضب کرده بود. پس گفت: این است و جز این نیست که تو باید به خدا غضب کنی و حق نداری اگر به او غضب می‌کنی، بیش از آن مقداری که او خودش غضب می‌کند، غضب کنی!

۳ - عباس پسر معروف گفت: حدیث کرد ما را محمد پسر یحیی خزاز از غیاث پسر ابراهیم از صادق جعفر بن محمد از پدراناش به نقل از جدش که گفت: پیامبر بر گروهی عبور کرد که سنگی را بالا می‌بردند. پس، پرسید: چه می‌کنید؟ گفت: کاری می‌کنیم که بینیم چه کسی قوی‌تر است! گفت: آیا نمی‌خواهید به شما بگویم چه کس از شما، قوی‌تر و توانمندتر است؟ گفتند: چرا؟ گفت: قوی‌ترین و توانمندترین شما، کسی است که وقتی راضی شد، رضایتش او را به گناه داخل نکند و زمانی که ناراضی شد، ناراحتی‌اش، او را از حقیقت خارج نگرداند و هرگاه قدرت‌مند شد، به چیزی نگرود که حق نیست.

۴ - یونس، پسر ظبیان، از صادق جعفر بن محمد نقل کرد: شهرت پیدا کردن به عبادت، «بد» است. پدرم، از پدرش و جدش از علی و او از پیامبر نقل می‌کرد که فرمود: عابدترین مردمان، کسی است که واجباتش را انجام دهد و بخشنده‌ترین انسان‌ها، کسی است که زکات مالش را ادا نماید و زاهدترین مردمان، کسی است که از حرام دوری گزیند و باتقوا کسی است که در آنچه به او مربوط می‌گردد، حق را بگوید و عادل‌ترین مردمان آن کس است که به چیزی که به خود می‌پسندد، به دیگران نیز پسندد و آنچه برای خود ناخوش می‌دارد، برای دیگران نیز ناخوش دارد و زیرک‌ترین، کسی است که مرگ را زیاد یاد کند، قابل غبطه‌ترین مردمان، کسی است که از عقاب در امان باشد و امید ثواب داشته باشد و غافل کسی است که از تحولات دنیا پند نگیرد و معتبر کسی است که به دنیا ارزشی قائل نشود و داناترین مردمان، آن کس که علم همگان را، با دانسته‌های خود جمع کند و شجاع‌ترین، کسی است که بر هوای نفسش غالب آید و قیمتی‌ترین مردم، کسی است که علمش زیاد باشد و کم ارزش، کسی است که کم علم باشد، کم لذت‌ترین مردمان حسد پیشگان و کم راحت‌ترین مردم، بخیلان و بخیل‌ترین مردم، کسی است که

البخيل وأبخل الناس من يبخل بما افترض الله عز وجل عليه وأولى الناس بالحق أعلمهم به وأقل الناس حرمة الفاسق وأقل الناس وفاء الملوك وأقل الناس صديقا الملك (صدقا الملوك) وأفقر الناس الطمع وأغنى الناس من لم يكن للحرص أسيراً وأفضل الناس إيماناً أحسنهم خلقاً وأحكرم الناس أتقاهم وأعظم الناس قدراً من ترك ما لا يعنيه وأورع الناس من ترك المرء وإن كان محققاً وأقل الناس مروءة من كان كاذبياً وأشقى الناس الملوك وأمقت الناس المتكبر وأشد الناس اجتهاداً من ترك الذنوب وأحكم الناس من فرّ من جهال الناس وأسعد الناس من خالط كرام الناس وأعقل الناس أشدهم مداراة للناس وأولى الناس بالتهمة من جالس أهل التهمة وأعتى الناس من قتل غير قاتله أو ضرب غير ضاربه وأولى الناس بالعفو أقدرهم على العقوبة وأحق الناس بالذنب السفیه المغتاب وأذل الناس من أهان الناس وأحزم الناس أكظمهم للفيظ وأصلح الناس أصلحهم للناس وخير الناس من انتفع به الناس .

• - حدثنا محمد بن علي (ره) عن عمه محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان عن المفضل عن جابر بن يزيد عن أبي الزبير المكي عن جابر بن عبد الله الأنصاري ، قال قال النبي ﷺ : إن الله تبارك وتعالى اصطفاني واختارني وجعلني رسولاً وأنزل عليّ سيد الكتب فقلت إلهي وسيدي إنك أرسلت موسى إلى فرعون فسألك أن تجعل معه أخاه هارون وزيراً تشد به عضده وتصدق به قوله ، واني أسألك يا سيدي وإلهي أن تجعل لي من أهلي وزيراً تشد به عضدي ، فجعل الله لي علياً وزيراً وأخاً وجعل الشجاعة في قلبه وألبسه الهيبة على عدوه وهو أول من آمن بي وصدقني وأول من وحد الله الله معي ، وإني سألت ذلك ربي عز وجل فأعطانيه فهو سيد الأوصياء اللعوق به سعادة والموت في طاعته شهادة واسمه في التوراة مقرون إلى اسمي وزوجته الصديقة الكبرى ابنتي وابناه سيدا شباب أهل الجنة ابناي وهو وهما والأئمة بعدهم حجج الله على خلقه بعد النبيين ، وهم أبواب العلم في أمتي من

نسبت به آنچه که خدا بر او فرض کرده، بخیل روا دارد. کم دوست‌ترین مردمان، پادشاهان‌اند و فقیرترین مردم، طمعکاران و بی‌نیازترین، کسی که اسیرِ حرص نباشد و با ایمان‌ترین، کسی که نیکو خلق باشد و کریم‌ترین، متقیان و والا مرتبه‌ترین مردم، کسی است که آنچه به او مربوط نمی‌شود را واگذارد. و با ورع‌ترین انسان‌ها، کسی است که جدال را کنار بگذارد، هر چند که حق با او باشد. کم مروّت کسی است که دروغ بگوید و شقی‌ترین‌ها، پادشاهانند، نارس‌ترین مردمان، تکبر پیشگان و پرکوش‌ترین‌ها، کسانی‌اند که گناهان را ترک می‌کنند و حاکم‌ترین مردم، کسی است که از جاهلان فرار کند و خوشبخت‌ترین کسی است که با خوبان نشست و برخاست کند و عاقلان، کسانی‌اند که با مردم بیشتر از دیگران مُدارا کنند. اولی به تهمت، کسانی که با اهل تهمت نشست و برخاست نماید. سرکش، کسی است که علاوه بر قاتل و زنده خود، دیگری را نیز بکشد و بزند و کسی بیشتر قابل گذشت است که بر عقوبت نمودن، توانا تر است. گناهکارتر کسی است که کم عقل و بد دهن است. و خوارترین، کسی که به مردم توهین کند و با درایت‌تر، کسی که خشم خود را بیشتر نگاهدارد و خوب‌ترین مردمان، نیکو اندیش‌ترین آنهاست به مردمان و خوب کسی که به مردم نفعی برساند.

۵ - کوفی از محمد پسر سنان از مفضل از جابر پسر یزید از ابی زبیر مکی از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرد که پیامبر فرمود: همانا خداوند - تبارک و تعالی - مرا برگزید و انتخاب کرد و فرستاده قرارم داد و والاترین کتاب‌ها را به من نازل فرمود. پس گفتم: ای خدای من و آقایم! همانا تو موسی را به سوی فرعون فرو فرستادی و او از تو خواست که برادرش هارون را کنار او قرار بدهی، تا پشتش به او محکم شود و قولش با او تقویت گردد. من نیز ای آقا و خدای من! از تو می‌خواهم از اهل من، کسی را وزیرم قرار دهی، تا پشتم به او گرم شود. پس، خداوند علی را وزیرم قرار داد و برادرم، و در قلبش شجاعت گذاشت و لباس هیبت او را بر دشمنانش پوشاند. او اوّل کسی است که به من ایمان آورد و تصدیقم نمود و اوّل کسی بود که همراه من، به یگانگی خدا باور یافت و من او را از خدایم خواستم.

پس، او را به من عطا نمود. پس، او آقای اوصیاست و الحاق شدن به او، عین سعادت است و مرگ در راه اطاعتش، شهادت. اسم او در تورات، با اسم من همراه است و زن او دخترم صدیقه کبری است و دو پسران او، سروران جوانان اهل بهشتند و او و آن دو و

تبعهم نجا من النار ومن اقتدى بهم هدي إلى صراط مستقيم لم يهب الله عز وجل
محبتهم لعبد إلا أدخله الله الجنة .

المجلس السابع

يوم الجمعة لعشر خلون من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه
القمي (ره) ، قال حدثنا محمد بن إبراهيم بن أحمد المعاذي ، قال حدثنا محمد بن
الحسين ، قال حدثنا أبو الحسن علي بن محمد بن علي ، قال حدثنا الحسن بن محمد
المروزي عن أبيه عن يحيى بن عياش ، قال حدثنا علي بن عاصم الواسطي ، قال
أخبرني عطاء بن سائب عن سعيد بن جبير عن ابن عباس ، قال قال رسول الله
ﷺ وقد تذاكر أصحابه عنده فضائل شعبان فقال: شهر شريف وهو شهر
وحمة العرش معظمه وتعرف حقه وهو شهر تزداد فيه أرزاق المؤمنين كشهر
رمضان وتزين فيه الجنان وإنما سمي شعبان لأنه يتشعب فيه أرزاق المؤمنين وهو
شهر العمل فيه مضاعف الحسنة بسبعين والسيئة محطوفة والذنب مغفور
والحسنة مقبولة والجبار جل جلاله يباهي فيه بعباده وينظر إلى صوامه وقوامه
فيباهي بهم حلة العرش ، فقام علي بن أبي طالب عليه السلام فقال بأبي أنت وأمي يا
رسول الله صف لنا شيئاً من فضائله لئلا نزيد في صيامه وقيامه ولنجتهد
للجليل عز وجل فيه ، فقال النبي ﷺ : من صام أول يوم من شعبان كتب الله
له سبعين حسنة الحسنة تعدل عبادة سنة ، ومن صام يومين من شعبان حطت عنه
السيئة الموبقة ، ومن صام ثلاثة أيام من شعبان رفع له سبعون درجة في الجنان من
در وياقوت ، ومن صام أربعة أيام من شعبان وسع عليه في الرزق ، ومن صام
خمسة أيام من شعبان حبيب إلى العباد ، ومن صام ستة أيام من شعبان صرف عنه
سبعون لوثاً من البلاء ، ومن صام سبعة أيام من شعبان عصم من إبليس وجنوده

امامان بعد از آنها، حجّت خداوندی بر مخلوقات اند، بعد از پیامبران، و آنها هستند درهای علم در امت من. هر کس که از آنها تبعیت نماید، از آتش نجات خواهد یافت و هر کس که به آنها اقتدا نماید، به راه راست هدایت خواهد یافت. خداوند، محبت آنها را به کسی ارزانی نمی‌کند، مگر اینکه داخل بهشتش کند.

مجلس هفتم

۱۰ شعبان ۳۶۷

۱ - محمد پسر ابراهیم، پسر احمد معاذی گفت: حدیث کرد ما را محمد پسر حسین که گفت: حدیث کرد ما را ابو الحسن علی پسر محمد پسر علی که گفت: حدیث کرد ما را علی پسر عاصم واسطی که گفت: خبر داد مرا عطا پسر سائب از سعید پسر جبیر، از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر در حالی که اصحاب در حضورش از فضایل ماه شعبان صحبت می‌کردند، گفت: شعبان، ماه شریفی است و ماه من است و دارندگان عرش، آن را بزرگ می‌شمارند و حق آن را می‌شناسند. و آن، ماهی است که رزق‌های مؤمنین در آن زیاد می‌شود، مانند ماه رمضان و بهشت‌ها در آن زینت می‌یابد و این است و جز این نیست آن را شعبان نامیده‌اند، چون روزی‌های مؤمنین در آن شعبه شعبه می‌گردد و ماهی است که عمل در آن، هفتاد برابر پاداش داده می‌شود و بدی در آن، از بین می‌رود و گناهان بخشیده می‌شود و کارهای نیک، مورد قبول قرار می‌گیرد و خداوند - جلّ جلاله - در آن، به بندگانش مباحات می‌کند و به بندگان روزه دار و شب زنده‌دارش، نظر می‌افکند. پس، بر دارندگان عرش، نسبت به آنها مباحات می‌کند. پس، در این حال، علی برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، ای رسول خدا! چیزی از فضائل شعبان را برای ما وصف کن، تا رغبت‌مان برای روزه و قیام در آن افزوده شود و برای خداوند، شب زنده داری کنیم. پس پیامبر فرمود: هر کس اوّل ماه شعبان را روزه بگیرد، خداوند برایش هفتاد حسنه می‌نویسد که با عبادت یک سال برابری می‌کند و هر کس، دو روز از آن را روزه بگیرد، گناهان باقیمانده‌اش از بین می‌رود. هر کس، سه روز از آن را روزه بگیرد، از دُرّها و یاقوت‌های بهشتی هفتاد درجه برایش در نظر گرفته می‌شود. هر کس، چهار روز از آن را روزه بدارد، روزی‌اش گشایش می‌یابد. هر کس، پنج روزش را روزه بگیرد، پیش بندگان خداوند محبوب می‌شود. هر کس، شش روز روزه بگیرد، هفتاد نوع

دهره وعمره ، ومن صام ثمانية أيام من شعبان لم يخرج من الدنيا حتى يسقى من حياض القدس ، ومن صام تسعة أيام من شعبان عطف عليه منكر ونكير عند مسائلائه ، ومن صام عشرة أيام من شعبان وسع عليه قبره سبعين ذراعاً ، ومن صام أحد عشر يوماً من شعبان ضرب على قبره إحدى عشرة منارة من نور ومن صام اثني عشر يوماً من شعبان زاره في قبره كل يوم تسعون ألف ملك إلى النفخ في الصور ، ومن صام ثلاثة عشر يوماً من شعبان استغفرت له ملائكة سبع سموات ، ومن صام أربعة عشر يوماً من شعبان المهتم الدواب والسباع حتى الحيتان في البحار أن يستغفروا له ، ومن صام خمسة عشر يوماً من شعبان ناداه رب العزة وعزتي وجلالي لا احرقك بالنار ، ومن صام ستة عشر يوماً من شعبان أطفئ عنه سبعون مجراً من النيران ، ومن صام سبعة عشر يوماً من شعبان غلقت عنه أبواب النيران كلها ، ومن صام ثمانية عشر يوماً من شعبان فتحت له أبواب الجنان كلها ، ومن صام تسعة عشر يوماً من شعبان اعطي سبعين ألف قصر من الجنان من در وياقوت ، ومن صام عشرين يوماً من شعبان زوج سبعين ألف زوجة من الحور العين ، ومن صام إحدى وعشرين يوماً من شعبان رحبت به الملائكة ومسحته بأجنحتها ، ومن صام اثنين وعشرين يوماً من شعبان كسي سبعين ألف حلة من سندس واستبرق ، ومن صام ثلاثة وعشرين يوماً من شعبان اوتي بدابة من نور عند خروجه من قبره فيركبها طياراً إلى الجنة ، ومن صام أربعة وعشرين يوماً من شعبان شفع في سبعين ألفاً من أهل التوحيد ، ومن صام خمسة وعشرين يوماً من شعبان اعطي براءة من النفاق ، ومن صام ستة وعشرين يوماً من شعبان كتب الله عز وجل له جوازاً على الصراط ، ومن صام سبعة وعشرين يوماً من شعبان كتب الله له براءة من النار ، ومن صام ثمانية وعشرين يوماً من شعبان تهلل وجهه يوم القيامة ، ومن صام تسعة وعشرين يوماً من شعبان نال رضوان الله الأكبر ، ومن صام ثلاثين يوماً من شعبان ناداه جبرائيل عليه السلام من قدام العرش يا هذا استأنف العمل عملاً جديداً غفر لك ما

بلا از او دور شود. هر کس، هفت روز از آن را روزه بگیرد، تا عمر دارد، از شیطان و سپاهیانش آسودگی خاطر پیدا می‌کند. هر کس، هشت روزش را روزه بگیرد از این ماه، از دنیا نمی‌رود، تا از حوض‌های قدس آبی بنوشد. هر کس، نه روز از آن را روزه بدارد، هنگام سؤال قبر، مورد لطف و عنایت «نکیر و منکر» قرار می‌گیرد. هر کس، ده روز از آن را روزه بگیرد، خداوند قبرش را به مقدار هفتاد ذراع گشایش می‌بخشد. هر کس، یازده روز از آن را روزه بدارد، در قبرش، یازده چراغ نورانی روشن می‌کنند. هر کس، دوازده روز از آن را روزه بگیرد، هر روز نود هزار فرشته در قبر به ملاقاتش می‌آیند، تا زمانی که «صور» دمیده شود. هر کس، سیزده روز از آن را روزه بگیرد، فرشتگان تمام هفت آسمان، برایش طلب مغفرت می‌کنند. هر کس، چهارده روز از شعبان را روزه بگیرد، به حیوانات و حتی درندگان و ماهیان دریاها الهام می‌گردد که برای او طلب مغفرت و رحمت نمایند. هر کس، پانزده روز از این ماه را روزه بدارد، خداوند، ندایش می‌دهد: قسم به عزت و جلالم، تو را در آتش نخواهم سوزاند. هر کس، شانزده روزش را روزه بگیرد، هفتاد دریا از دریاها آتش برایش خاموش می‌گردد. هر کس، هفده روز را روزه بگیرد، درهای دوزخ به رویش بسته می‌شود. هر کس، هیجده روزش را روزه بگیرد، همه درهای بهشت به روی او باز می‌گردد. هر کس، نوزده روز از شعبان را روزه بدارد، از دژ و یاقوت، هفتاد هزار کاخ بهشتی ارزانی اش می‌گردد. هر کس، بیست روزش را روزه بگیرد، هفتاد هزار حور بهشتی به تزویج او در می‌آیند. هر کس، بیست و یک روز از آن را روزه بگیرد، فرشتگان به او آفرین گفته و بال‌هاشان را به او می‌مالند. هر کس، بیست و دو روز از آن را روزه بگیرد، هفتاد حله از جامه‌های بهشتی (سندس و استبرق) برای او می‌پوشانند. هر کس، بیست و سه روز از شعبان را روزه بگیرد، وسیله حرکتی از نور در اختیارش می‌گذارند تا از قبرش به طرف بهشت به پرواز در آید. هر کس، بیست و چهار روز از شعبان را روزه بگیرد، در مورد هفتاد هزار موجود می‌تواند شفاعت کند. هر کس، بیست و پنج روز از آن را روزه بگیرد، از نفاق بری می‌گردد. هر کس، بیست و شش روز از آن را روزه بگیرد، خداوند متعال جواز عبور از پل صراط را ارزانی اش می‌نماید. هر کس بیست و هفت روز آن را روزه بدارد، خداوند سنبله‌های از دوزخ را در اختیارش می‌گذارد. هر کس، بیست و هشت روز از آن را روزه بگیرد، چهره‌اش در روز قیامت درخشش پیدا می‌کند. اگر کسی، بیست و نه روز از آن را روزه بگیرد، به «رضوان الله» نائل می‌شود و هر کس که سی روز از آن ماه را با روزه سپری کند، جبرئیل از عرش ندا در

مضى وتقدم من ذنوبك فالجليل عز وجل يقول لو كان ذنوبك عدد نجوم السماء وقطر الأمطار وورق الشجر وعدد الرمل والثرى وأيام الدنيا لغفرتها وما ذلك على الله بعزيز بعد صيامك شهر رمضان (شعبان - خ ل) قال ابن عباس هذا الشهر شعبان .

٢ - حدثنا أبي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبد الله عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي عن الحسين بن علوان عن عمرو بن ثابت عن أبيه عن سعد بن ظريف عن الأصبح بن نباته ، قال أمير المؤمنين عليه السلام ذات يوم على منبر الكوفة أنا سيد الوصيين ووصي سيد النبيين أنا إمام المسلمين وقائد المتقين وولي المؤمنين وزوج سيدة نساء العالمين أنا المتختم باليمين والمعفر للجبين أنا الذي هاجرت الهجرةين وبايعت البيعتين أنا صاحب بدر وحنين أنا الضارب بالسيفين والحامل على فرسين أنا وارث علم الأولين وحجة الله على العالمين بمعد الأنبياء ومحمد بن عبد الله خاتم النبيين ، أهل موالاتي مرحومون وأهل عداوتي ملعونون ولقد كان حبيبي رسول الله صلى الله عليه وآله كثيراً ما يقول : يا علي حبك تقوى وإيمان وبغضك كفر ونفاق وأنا بيت الحكمة وأنت مفتاحه وكذب من زعم أنه يحبني ويبغضك وصلى الله على محمد وآله الطاهرين .

٣ - حدثنا الشيخ الجليل أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (ره) ، قال حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه الله ، قال حدثنا عمي محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن جابر بن يزيد عن سعيد بن المسيب عن عبد الرحمن بن سمرة قال : قلت يا رسول الله ارشدني إلى النجاة ، فقال يا ابن سمرة إذا اختلفت الأهواء وتفرقت الآراء فعليك بعلي بن أبي طالب فإنه إمام أمتي وخليفتي عليهم من بعدي وهو الفاروق الذي يميز بين الحق والباطل من سأله أجابه ومن استرشده أرشده ومن طلب الحق من عنده وجدته ومن التمس الهدى لديه صادقه ومن لجأ إليه أمنه ومن استمسك به نجاه ومن اقتدى به هداه ، يا ابن سمرة سلم من سلم له ووالاه

دهد: ای فلان! کار خود را از سر بگیر که آنچه از گناه انجام داده بودی، بخشیده شد. خداوند می‌گوید: گناهان تو، حتی اگر به اندازه ستاره‌های آسمان و قطرات باران نیز باشد، و رقم آنها به تعداد ریگ‌های بیابان‌ها و ذرات خاک‌ها و ایام دنیا نیز بالغ شود، آنها را بخشیدم و بعد از روزه شعبان، این برای خداوند کار مُشکلی نیست، این است ماه شعبان. این را ابن عباس گفت.

۲ - مهدی از حسین پسر علوان از عمرو پسر ثابت از پدرش از سعد پسر ظریف از اصبح پسر نباته، از امیرالمؤمنین نقل کرد که: روزی در بالای منبر کوفه فرمود: منم سرور اوصیاء، منم سرور پیامبران، منم پیشوای مسلمانان و پیشرو تقوا پیشگان و ولی مؤمنان و شوی برترین زنان عالم. منم صاحب انگشتر در دست راست و مالنده پیشانی به خاک، منم کسی که دو بار هجرت نمود و در دو بیعت، دست بیعت داد و منم صاحب بدر و حُنین و منم که با دو شمشیر نبرد کرده‌ام و روی دو اسب نشسته‌ام. منم، وارث علوم اول و حجّت خداوند بر جهانیان، بعد از پیام آوران و محمد پسر عبدالله و خاتمه بخش پیامبران. دوست دارندگان من، مورد رحمت‌اند و دشمنانم، لعنت شدگان و حبیبم رسول خدا بسیار می‌گفت: یا علی! دوست داشتن تو، ایمان و تقوی است و بغض تو، کفر و نفاق و منم خانه حکمت و توکلید آن و دروغ گفت کسی که گمان کرد، مرا دوست می‌دارد و تو را دشمن داشت. و سلام خداوند بر محمد و آل او (و در این روز بعد از مجلس):

۳ - سعید، پسر مسیب از عبدالرحمن پسر سمره نقل کند که گفت: به پیامبر عرضه داشتیم، مرا به سوی هدایت ارشاد کنید! گفت: ای سمره! زمانی که هواها گوناگون شد، و رأی‌ها متفاوت گشت، بر تو باد به علی بن ابیطالب که او پیشوای امت من است و خلیفه‌ام بر شما بعد از من، و اوست جدا کننده‌ای که میان حق و باطل تفکیک می‌کند. هر کس از او سؤال کند، جوابش می‌دهد و هر کس تمنای رشد کند، هدایتش می‌نماید. هر کس حق را از نزد او بخواهد، می‌یابد و هر کس هدایت را در نزد او بجوید، به آن دست می‌یابد و هر کس که به او پناه برد، امانش می‌دهد و هر کس که به او چنگ زند، نجاتش می‌دهد و هر کس که به او اقتدا نماید، هدایتش می‌کند. ای سمره! آسوده شد، کسی که تسلیم او شد و ولایتش را گردن نهاد و هلاک شد کسی که او را رد کرد و دشمنش داشت. ای سمره! علی از من است و روحش از روحم و طینتش از طینتم، و او برادر من است و من

وهلك من رد عليه وعاداه ، يا ابن سمرة إن علياً مني روحه من روحي وطيبته من طينتي وهو أخي وأنا أخوه وهو زوج ابنتي فاطمة سيدة نساء العالمين من الأولين والآخرين وإبنه إماما أمتي وسيدا شباب أهل الجنة الحسن والحسين وتسعة من ولد الحسين عليهم السلام تاسعهم قائم امتي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وصلى الله على محمد وآله أجمعين .

المجلس الثامن

يوم الثلاثاء الرابع عشر من شعبان سنة سبع وستين وثلاثمائة

- ١ - حدثنا الشيخ الجليل أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (ره) ، قال حدثنا محمد بن اسحاق (ره) ، قال حدثنا أحمد بن محمد الهمداني عن علي بن الحسن بن فضال عن أبيه ، قال : سألت علي بن موسى الرضا عليه السلام عن ليلة النصف من شعبان ، قال هي ليلة يمتق الله فيها الرقاب من النار ويغفر فيها الذنوب الكبائر ، قلت فهل فيها صلاة زيادة على سائر الليالي ، فقال ليس فيها شيء موظف ولكن ان أحببت أن تطوع فيها شيء فعلياً بصلاة جعفر بن أبي طالب عليه السلام ، وأكثر فيها من ذكر الله عز وجل ومن الاستغفار والدعاء فإن أبي عليه السلام كان يقول الدعاء فيها مستجاب ، قلت له ان الناس يقولون انها ليلة الصكاك ، فقال عليه السلام تلك ليلة القدر في شهر رمضان .
- ٢ - حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري ، قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن هشام بن سالم عن سليمان بن خالد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام ، قال جمع الخير كله في ثلاث خصال : النظر والسكوت والكلام فكل نظر ليس فيه اعتبار فهو سهو وكل سكوت ليس فيه فكرة فهو غفلة وكل كلام ليس فيه ذكر فهو لفظ فطوبى لمن كان نظره عبثاً وسكوته فكراً وكلامه ذكراً وبكى على خطيئته وأمن الناس شره .

برادر او و او شوی دختر من فاطمه - برگزیده زنان جهان - است، از اولین و آخرین و فرزندان پیشوایان امت من هستند و دو آقای جوانان اهل بهشت؛ حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین که نهمین آنها قائم امت من است، کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همانگونه که پر از ظلم و جور شده است، و دورد خداوند بر محمد و آلش.

مجلس نهم

سه شنبه چهارده شمعبان ۳۶۷

۱ - حدیث کرد ما را محمد پسر اسحاق که گفت: حدیث کرد ما را احمد پسر محمد همدانی از علی پسر حسن پسر فضال از پدرش نقل کرده است که گفت: از علی بن موسی الرضا از پانزدهم شعبان سؤال به عمل آوردم.

گفت: آن، شبی است که خداوند گردن‌ها را از آتش باز کرده و گناهان بزرگ را، در آن می‌بخشد. گفتم: آیا در آن نمازی زیاده از نماز شب‌های دیگر وجود دارد؟ گفت: چیزی به عنوان وظیفه وجود ندارد، اما اگر دوست داشته باشی به کاری پرداز، بر تو باد به نماز جعفر بن ابی طالب، و در آن، ذکر خداوند را زیاد کن و نیز استغفار و دعا. پس، همانا پدرم می‌گفت: دعا در آن، مورد اجابت است.

گفتم: مردم می‌گویند: نیمه شعبان، شب رهائی است. گفت: آن، شب قدر است در ماه رمضان!

۲ - محمد پسر ابی عمیر از هشام پسر سالم از سلیمان پسر خالد از صادق جعفر بن محمد، از پدرانش از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که فرمود: تمام «خیر»ها، در سه چیز جمع شده است: نگاه، سکوت و کلام. پس، هر نظری که فایده‌ای در آن نباشد، اشتباه است، و هر سکوتی که در آن فکرت نباشد، غفلت است و هر کلامی که ذکری در آن نباشد، لغو می‌باشد. پس، خوشا به حال کسی که نظرش «عبرت»، سکوتش «فکر» و کلامش «ذکر» باشد و بر هر گناهش گریه کند و مردم، از شرش در امان باشند.

٢ - حدثنا أحمد بن الحسن القطان ، قال حدثنا محمد بن سعيد بن أبي شحمة قال حدثنا أبو محمد عبد الله بن سعيد بن هاشم القناني البغدادي سنة خمس وثمانين ومائتين ، قال حدثنا أحمد بن صالح ، قال حدثنا حسان بن عبد الله الواسطي ، قال حدثنا عبد الله بن لهيعة عن أبي قبيل عن عبد الله بن عمر ، قال قال رسول الله ﷺ : كان من زهد يحيى بن زكريا عليها السلام انه أتى بيت المقدس فنظر إلى المجتهدين من الأحرار والرهبان عليهم مدارع الشعر وبرانس الصوف وإذاهم قد خرقوا ترقيعهم وسلكوا فيها السلاسل وشدوها إلى سوارى المسجد ، فلما نظر إلى ذلك أتى أمه فقال يا أمه انسجي لي مدرعة من شعر وبرنساً من صوف حتى أتى بيت المقدس فاعبد الله مع الأحرار والرهبان ، فقالت له امه حتى يأتي نبي الله واؤامره في ذلك ، فلما دخل زكريا عليه السلام أخبرته بمقالة يحيى فقال له زكريا : يا بني ما يدعوك إلى هذا وإنما أنت صبي صغير ، فقال له يا أبة أما رأيت من هو أصغر سنًا مني قد ذاق الموت قال بلى ، ثم قال لامه انسجي له مدرعة من شعر وبرنساً من صوف ففعلت ، فتدرع المدرعة على بدنه ووضع البرنس على رأسه ثم أتى بيت المقدس ، فأقبل يعبد الله عز وجل مع الأحرار حتى أكلت المدرعة من الشعر لحمه فنظر ذات يوم إلى ما قد نحل من جسمه فبكى ، فأوحى الله عز وجل إليه : يا يحيى أتبكي مما قد نحل من جسمك وعزتي وجلالي لو اطلعت إلى النار اطلاعة لتدرعت مدرعة الحديد فضلاً عن المنسوج ، فبكى حتى أكلت الدموع لحم خديه وبدء للناظرين أضراره فبلغ ذلك امه فدخلت عليه وأقبل زكريا واجتمع الأحرار والرهبان فأخبروه بذهاب لحم خديه ، فقال ما شعرت بذلك فقال زكريا يا بني ما يدعوك إلى هذا إنما سألت ربي أن يهبك لي لتقرّ بك عيني قال : أنت أمرتني بذلك يا أبة ، قال ومتى ذلك يا بني ، قال ألسن القائل ان بين الجنة والنار لعقبة لا يجوزها إلا البكاؤون من خشية الله ، قال بلى فجد واجتهد وشأنك غير شأني فقام يحيى فنفض مدرعته فأخذته امه فقالت أتاذن لي يا بني أن أتخذ لك قطعتي لبود تواريان أضراسك وينشفان دموعك فقال لها

۳- ابی قبیل، از عبدالله - پسر عمر - نقل کرد که پیامبر فرمود:

از زهدِ یحیی - پسر زکریا - این بود که به سوی بیت المقدس آمده و به مجتهدین احبار و راهبان نظر انداخت و دید که لباس های موئی و کلاهان پشمی بر سر نهاده اند. و گلوهای خود را سوراخ نموده و زنجیری از آن عبور داده و به پایه های مسجد بسته اند! این را که دید، نزد مادرش شتافت و از مادرش، پیراهنی موئی و کلاهی پشمی خواست، تا به بیت المقدس برود و همراه احبار و رهبانان، به عبادت بپردازد.

مادرش گفت: صبر کن تا پیامبر خدا بیاید و من در این باره، با او مشورت کنم. زمانی که زکریا آمد موضوع را به او باز گفت. زکریا گفت: ای پسر! تو هنوز کودک هستی، چرا می خواهی این کار را انجام دهی؟ گفت: ای پدر، دیده ای که کودکانی کم سال تر از من از دنیا رفته اند. پس، زکریا قبول کرد و به مادرش گفت: پیراهنی موئی و کلاهی پشمی برای او بیافد و او چنین کرد.

یحیی، آن پیراهن را به تن کرد و کلاه را بر سر نهاد و به بیت المقدس رفت و همراه احبار، به عبادت مشغول شد، تا پیراهن موئی، گوشتش را خورد. روزی، متوجه لاغری خود شد و گریه سر داد. خداوند متعال، به او وحی فرستاد: ای یحیی! که از لاغری بدن خود گریه سر می دهی، اگر سری به دوزخ بزنی، به جای پیراهن بافته شده از مو، لباسی از آهن بر تن می کنی! یحیی آن قدر گریه کرد که گوشت رویش رفت و دندان هایش ظاهر شد.

این خبر، به مادرش اطلاع داده شد و به دیدارش شتافت و او با زکریا به دیدار راهبان و احبار آمدند. به یحیی خبر داده شد که گوشت گونه ات چگونه رفته است؟ گفت: خبری از آن ندارم. زکریا گفت: ای فرزند! چرا با خود چنین می کنی؟ من تو را از خداوند مسئلت کردم، تا چشمانم به تو روشن گردد. گفت: ای پدر! تو خود به من این دستور داده ای! گفت: چه موقع؟ گفت: مگر خود نگفتی که میان بهشت و جهنم، گردنه ای وجود دارد که جز زیاد گریه کنندگان از تریس خداوند، کسی از آن عبور نمی کند؟ زکریا گفت: وضع تو، غیر از من است، سعی کن و کوشش نما!

یحیی برخاست و پیراهن خود را تکان داد. مادر او را در آغوش کشید و اجازه خواست، دو قطعه «نمد» برایش تدارک بیند، تا به دندان هایش بریندد و پیدا نباشند و آب اشک هایش را بگیرد. گفت: اختیار به دست شماست. پس، او برایش دو تکه نمد بست، تا

شأنك فاتخذت له قطعتي لبود تواريان أضراسه وتنشفان دموعه ، فبكى حتى ابتلتنا من دموع عينيه فحسر عن ذراعيه ثم أخذهما فمصرهما فتحدر الدموع من بين أصابعه ، فنظر زكريا إلى ابنه وإلى دموع عينيه فرفع رأسه إلى السماء فقال : اللهم إن هذا ابني وهذه دموع عينيه وأنت أرحم الراحمين وكان زكريا عليه السلام إذا أراد أن يعظ بني إسرائيل يلتفت يمينا وشمالا فلما رأى يحيى عليه السلام لم يذكر جنة ولا ناراً ، فجلس ذات يوم يعظ بني إسرائيل وأقبل يحيى قد لف رأسه بعباءة فجلس في غبار الناس والتفت زكريا يمينا وشمالا لم ير يحيى ، فأنشأ يقول : حدثني حميي جبرائيل عن الله تبارك وتعالى ان في جهنم جبلا يقال له السكران في أصل ذلك الجبل واد يقال له الغضبان لغضب الرحمن تبارك وتعالى في ذلك الوادي جب قامته مائة عام في ذلك الجب توابت من نار في تلك التوابيت صناديق من نار وثياب من نار وسلاسل من نار وأغلال من نار ، فرفع يحيى عليه السلام رأسه فقال واغفلناه من السكران ثم أقبل هائما على وجهه ، فقام زكريا عليه السلام من مجلسه فدخل على ام يحيى فقال لها : يا ام يحيى قومي فاطلبي يحيى فإني قد تخوفت أن لا نراه إلا وقد ذاق الموت ، فقامت فخرجت في طلبه حتى مرت بفتيان من بني إسرائيل فقالوا لها يا ام يحيى أين تريدين ، قالت أريد أن أطلب ولدي يحيى ذكر النار بين يديه فهم على وجهه فضت ام يحيى والفتية معها حتى مرت براعي غم فقالت له : يا راعي هل رأيت شابا من صفته كذا وكذا فقال لها لعلك تطلين يحيى بن زكريا قالت نعم ذاك ولدي ، ذكرت النار بين يديه فهم على وجهه ، قال إني تركته الساعة على عقبة ثنية كذا وكذا فاقمأ قدميه في الماء رافعا بصره إلى السماء يقول وعزتك مولاي لا ذقت بارد الشراب حتى أنظر إلى منزلي منك ، وأقبلت امه فلما رأته ام يحيى دنت منه فأخذت برأسه فوضعت بين يديها وهي تناشده بالله أن ينطلق معها إلى المنزل ، فانطلق معها حتى أتى المنزل فقالت له ام يحيى : هل لك أن تخلع مدرعة الشعر وتلبس مدرعة الصوف فإنه ألين ففعل وطبخ له عدس فأكل واستوفى فنام فذهب به

دندانهایش را مخفی دارد و اشکهایش را خشک کند. او، بازگریه کرد و نمذ از گریه‌های خیس گشتند. آستین خود را بالا زد و آنها را گرفت و فشرد و اشک از میان انگشتانش جاری شد!

زکریا به فرزند و اشکهایش نگاه کرد و سر به طرف آسمان گرفت و گفت: خداوند! این، فرزند من است و این اشک چشمان او و تو بخشنده‌ترین بخشنده‌ها هستی. پس از آن، یحیی، هر آن گاه که اراده می‌کرد بنی اسرائیل را پند دهد، راست و چپ را می‌نگریست و اگر یحیی حضور داشت، اسمی از «بهشت» و «جهنم» بر زبان نمی‌آورد. یک روز، بنی اسرائیل را پند می‌داد که یحیی خود را به جامه‌ای پیچیده و در میان مردمان حاضر شد. زکریا در چپ و راست او را ندید و سخن آغاز کرد و گفت: دوست من جبرئیل، از طرف خداوند به من وحی کرد: در جهنم، کوهی وجود دارد که نام آن «سکران» است و در میان آن، درّه‌ای وجود دارد که «غضبان» نام دارد. در این درّه، چاهی وجود دارد که عمق آن، صد سال است و در آن، تابوت‌هایی از آتش وجود دارد و در آن، صندوق‌هایی و لباس‌ها و زنجیرها و غل‌هایی از آتش.

یحیی، فریاد کنان، سر برداشت و جنون آمیزانه رو بر کوه و بیابان نهاد. زکریا برخاسته، نزد مادرش رفت و گفت: در پی یحیی برو، همانا می‌ترسم دیگر او را زنده نبینم! مادر برخاست و به دنبال او به راه افتاد و از جوانان بنی اسرائیل عبور کرد که پرسیدند: ای مادر یحیی! کجا می‌روی؟ گفت: دنبال یحیی می‌روم، چرا که نامی از جهنم در نزد او برده شده و او سر به کوه و بیابان گذارده است.

آن جوان‌ها، همراه مادرش به راه افتادند و به چوپانی برخوردند و پرسیدند: ای چوپان! آیا تو، جوانی با این نشانه‌ها ندیدی؟ گفت: شاید شما دنبال یحیی پسر زکریا می‌گردید؟ مادر گفت: او پسر من است، در پیشش، نامی از جهنم برده شده و سر به کوه و بیابان نهاده است. گفت: من او را در گردنه بلندی دیدم که پاهایش را به آب گذاشته و چشمهایش را به طرف آسمان گرفته و می‌گفت:

به عزت قسم می‌خورم که تا جایگاهم را نزد تو نبینم، هرگز آبِ خنگی ننوشم. مادر خود را با عجله به نزد او رساند و چون او را دید، سرش را گرفت و به سینه‌اش چسباند. او را به خداوند سوگند می‌داد که به منزل بازگردد. یحیی، همراه او به خانه آمد. مادر به او گفت: آیا نمی‌خواهی پیراهن موئین را در آورده و پیراهنی پشمین، بر تن کنی که نرم‌تر است؟ پس پذیرفت. مادرش عدسی برای او پخت و او خورد و به خواب رفت و برای

النوم فلم يقم اصلاته ، فنودي في منامه يا يحيى بن زكريا ارددت داراً خيراً من
داري وجواراً خيراً من جوارِي فاستيقظ فقام فقال يا رب اقلني عثرتي إلهي
فبعزتكَ لا استظل بظل سوى بيت المقدس ، وقال لامه ناولينني مدرعة الشعر
فقد علمت انكما ستورداني المهالك فتقدمت امه فدفعت اليه المدرعة وتعلقت به
فقال لها زكريا يا ام يحيى دعيه فإن ولدي قد كشف له عن قناع قلبه ولن ينتفع
بالعيش فقام يحيى فلبس مدرعته ووضع البرنس على رأسه ثم أتى بيت المقدس
فجعل يعبد الله عز وجل مع الأحبار حتى كان من أمره ما كان .

٤ - حدثنا محمد بن علي رحمه الله ، قال حدثنا عمي محمد بن أبي القاسم عن
محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن ثابت بن أبي صفية
عن سعيد بن جبير عن عبد الله بن عباس ، قال قال رسول الله ﷺ : معاشر
الناس من أحسن من الله قبيلاً وأصدق من الله حديثاً ، معاشر الناس ان ربكم
جل جلاله أمرني أن اقيم لكم علياً علماً وإماماً وخليفةً ووصياً وأن أتخذه
أخاً ووزيراً ، معاشر الناس ان علياً باب الهدى بمسدي والداعي إلى ربي وهو
صالح المؤمنين ومن أحسن قولاً ممن دعا إلى الله وعمل صالحاً وقال انني من
المسلمين ، معاشر الناس إن علياً مني ولده ولدي وهو زوج حبيبي أمره أمرى
ونهيته نهياً ، معاشر الناس عليكم بطاعته واجتناب معصيته فإن طاعته طاعتي
ومعصيته معصيتي ، معاشر الناس ان علياً صديق هذه الامة وفاروقها ومحدثها
انه هارونها وأصفها وشمعونها إنه باب حطتها وسفينه نجاتها وانه طالوتها وذو
قرنيها ، معاشر الناس انه محنة الوري والحجة العظمى والآية الكبرى وإمام
أهل الدنيا والعروة الوثقى ، معاشر الناس ان علياً مع الحق والحق معه وعلى
لسانه ، معاشر الناس ان علياً قسم النار لا يدخل النار ولي له ولا ينجو منها
عدو له إنه قسم الجنة لا يدخلها عدو له ولا يزحزح عنه ولي له ، معاشر أصحابي
قد نصحت لكم وبلغتكم رسالة ربي ولكن لا تحبون الناصحين أقول قولي هذا
وأستغفر الله لي ولكم .

نماز بیدار نشد. در خواب برایش ندا رسید: ای یحیی! تو خانه‌ای بهتر از خانه من و پناهگاهی برتر از پناهگاه من اتخاذ کردی؟ از خواب بلند شد و گفت: خداوند! از لغزش من در گذر! ای معبود، سوگند به عزت تو، جز در سایه بیت المقدس درنگ نخواهم کرد. آن گاه به مادرش گفت: پیراهن موئین را بده، دانستم که شما مرا به هلاکت می‌اندازید. مادرش، پیراهن را به او داد و او را به خود چسباند. زکریا گفت: ای مادر یحیی! او را به خود واگذار کن، که پرده از دلش به کنار رفته و نمی‌خواهد از زندگی راحت ببیند. پس، یحیی پیراهن خود را به تن کرد و به بیت المقدس آمد و عبادت پیشه کرد، تا شد امرش، آنچه شد.

۴ - سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل کرد که گفت: رسول خدا فرمود: ای مردمان! کیست نیکوگوتر از خداوند و راستگوتر از او در سخن گفتن؟ همانا پروردگار شما، امر کرده است که «علی» را به عنوان امام و خلیفه و وصی، در میان شما نصب کنم، تا او را وزیر و برادر اتخاذ کنم. ای مردمان! علی بعد از من، در هدایت است و دعوت کننده به سوی پروردگار و اوست نیکوترین مؤمنان و کیست نیکوگوتر از کسی که به سوی خدا فرا خواند و عمل صالح انجام دهد؟ و گوید: همانا من، از مسلمین هستم. ای مردمان! علی از من است و فرزندان من، فرزندان من و زن او حبیب من و امرش امر من و نهی اش نیز نهی من. ای مردمان! بر شما باد اطاعتش و دوری گزیدن از عصیانش. پس، همانا طاعت او طاعت من و معصیت او، معصیت من است. ای مردمان! علی راستگوی این امت است و جداگر آن و روایت کننده اش، اوست هارون امت و آصف و شمعونش. اوست در نجات و کشتی رستگاری، و اوست طالوتش و ذوالقرنین اش. ای مردمان! اوست وسیله آزمایش و حجت بزرگ و نشانه اکبر و پیشوای اهل دنیا و ریسمان محکم. ای مردمان! علی همراه حق است و حق همراه علی و بر زبان او. ای مردمان! علی است تقسیم کننده جهنم. کسی که دوستدار او باشد، داخل آتش نمی‌شود و کسی که دشمن اوست، از آتش خلاصی نخواهد داشت. اوست تقسیم کننده بهشت که دشمنش، داخل آن نمی‌شود و دوستدارش از آن جدا نگردهد.

ای گروه اصحاب من! به تحقیق که من شما را نصیحت نمودم و رسالت پروردگار را به شما ابلاغ نمودم، ولی افسوس که شما نصیحت کنندگان را دوست نمی‌دارید. می‌گویم: این گفتار از من است و از خداوند برای خود و شما طلب مغفرت می‌کنم.

المجلس التاسع

وهو يوم الجمعة لست عشر بقين من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله ، قال حدثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد ، قال حدثنا عبد العزيز ابن يحيى ، قال حدثنا محمد بن سهل ، قال حدثنا عبد الله بن محمد البلوي ، قال حدثني إبراهيم بن عبيد الله عن أبيه عن جده عن علي بن عبيد الله قال : سادة الناس في الدنيا الاسخياء وفي الآخرة الأتقياء .

٢ - حدثنا محمد بن الحسن رحمه الله ، قال حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال حدثنا هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن علي بن أبي طالب عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ : للمؤمن على المؤمن سبعة حقوق واجبة من الله عز وجل عليه ، الاجلال له في عينه والود له في صدره ، والمواساة له في ماله ، وأن يحرم له غيبته ، وأن يعود له في مرضه ، وأن يشيع جنازته ، وأن لا يقول فيه بعد موته إلا خيراً .

٣ - حدثنا الحسين بن أحمد بن ادريس رحمه الله ، قال حدثنا أبي ، قال حدثنا إبراهيم بن هاشم عن محمد بن سنان ، قال حدثنا أبو الجارود زياد بن المنذر عن سعيد بن جبير عن ابن عباس ، قال قال رسول الله ﷺ : ولاية علي بن أبي طالب ولاية الله وحبه عبادة الله واتباعه فريضة الله وأوليائه أولياء الله وأعداؤه أعداء الله وحربه حرب الله وسله سلم الله عز وجل .

٤ - حدثنا علي بن أحمد الدقاق رحمه الله ، قال حدثنا محمد بن هارون الصوفي عن عبيد الله بن موسى الزوياني عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن سليمان بن جعفر الجعفري ، قال سمعت موسى بن جعفر بن جعفر يقول حدثني أبي عن أبيه عن سيد العابدين علي بن الحسين عن سيد الشهداء الحسين بن علي بن

مجلس نهم
جمعه ۱۶ شعبان سال ۳۶۷

۱ - حسن پسر عبدالله پسر سعید گفت: حدیث کرد ما را عبدالعزیز پسر یحیی و گفت: حدیث کرد ما را محمد پسر سهل که گفت: حدیث کرد ما را عبدالله پسر محمد بلوی که گفت: حدیث کرد مرا ابراهیم، پسر عبیدالله، از پدرش و او از جدش نقل می‌کند از علی که گفت: سرور مردمان در دنیا، صاحبان سخاوت و در آخرت دارندگان تقوا هستند.

۲ - هارون پسر مسلم از مسعده پسر صدقه از صادق جعفر، از پدر و او از پدرانش نقل کرد که علی گفت رسول خدا فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق واجب از طرف خداوند دارد. والا نشانادن او در چشمش، محبت به او در سینه‌اش، مساوی شماری او در مالش، حرام شمردن غیبتش، عیادتش در بیماری، تشییع جنازه‌اش و اینکه بعد از مرگش، از او چیزی جز نیکی نگوید.

۳ - ابراهیم پسر هاشم از محمد پسر سنان گفت: حدیث کرد ما را ابو الجارود زیاد پسر منذر از سعید پسر جبیر، از ابن عباس نقل که رسول خدا فرمود:
ولایت علی بن ابیطالب، ولایت خداوند است و دوست داشتنش، عبادت خداوند و تبعیتش، واجب خداوند و اولیایش، اولیای خداوند و دشمنانش، دشمنان خداوند و جنگش، جنگ با خداوند و صلحش، صلح با خداوند.

۴ - عبیدالله پسر موسی زویانی از عبدالعظیم پسر عبدالله حسنی از سلیمان پسر جعفر جعفری نقل کرد که گفت: شنیدم از موسی پسر جعفر که می‌گفت: حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از سید عابدان، علی بن حسین از سیدالشهدا، حسین پسر علی ابیطالب

أبي طالب عليه السلام ، قال مر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام برجل يتكلم بفضول الكلام فوقف عليه ثم قال: إنك تملي على حافظيك كتاباً إلى ربك فتكلم بما يعينك ودع ما لا يعينك .

٥ - حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار ، قال حدثنا أبي عن أحمد بن محمد ابن عيسى عن نوح بن شعيب النيسابوري عن عبيد الله بن عبد الله الدهقان عن عروة بن أخي شعيب المقرئ في عن شعيب عن أبي بصير ، قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليها السلام يحدث عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً لأصحابه : أيكم يصوم الدهر فقال سلمان رحمه الله أنا يا رسول الله فقال رسول الله فقال أيكم يحیی الليل فقال سلمان أنا يا رسول الله قال فأيكم يختم القرآن في كل يوم فقال سلمان أنا يا رسول الله فغضب بعض أصحابه فقال يا رسول الله إن سلمان رجل من الفرس يريد أن يقتخر علينا معاشر قريش قلت أيكم يصوم الدهر فقال أنا وهو أكثر أيامه يأكل وقلت أيكم يحیی الليل فقال أنا وهو أكثر ليلته نائم وقلت أيكم يختم القرآن في كل يوم فقال أنا وهو أكثر نهاره صامت ، فقال النبي صلى الله عليه وآله مه يا فلان اني لك بمثل لقمان الحكيم سه فإنه ينبئك فقال الرجل لسلمان يا أبا عبد الله أليس زعمت أنك تصوم الدهر ، فقال نعم فقال رأيتك في أكثر نهارك تأكل فقال ليس حيث تذهب إني أصوم الثلاثة في الشهر ، وقال الله عز وجل من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها وأصل شعبان بشهر رمضان فذلك صوم الدهر ، فقال أليس زعمت انك تحيي الليل فقال نعم فقال أنت أكثر ليلتك نائم ، فقال ليس حيث تذهب ولكني سمعت حبيبي رسول الله صلى الله عليه وآله يقول من بات على طهر فكأنما أحس الليل كله فأنا أبیت على طهر ، فقال أليس زعمت انك تختم القرآن في كل يوم قال نعم ، قال فأنت أكثر أيامك صامت ، فقال ليس حيث تذهب ولكني سمعت حبيبي رسول الله يقول لعلي عليه السلام : يا أبا الحسن مثلك في أمتي مثل قل هو الله أحد فمن قرأها مرة قرأ ثلث القرآن ومن قرأها مرتين فقد قرأ ثلثي القرآن ومن قرأها ثلاثاً فقد

که گفت: علی پسر ابوطالب، بر مردی گذشت که زیاد و بی ربط سخن می‌گفت. پس، پیش او ایستاد و گفت: ای مرد! تو بر دو نگاهبان خود، نوشته‌ای املاء می‌کنی! پس، درباره چیزی سخن بگو که به دردت بخورد و گفتار بی فایده را فروگذار!

۵ - شعیب عقرقوفی، از شعیب، از ابی بصیر نقل می‌کند که از صادق جعفر بن محمد شنیدم که از پدرش، و او از پدرانش حدیث می‌کرد که رسول خدا، روزی به اصحابش فرمود: کدامیک از شما، تمام روزگار را روزه می‌گیرد؟ سلمان گفت: من، یا رسول الله! پس، پیامبر گفت: کدامیک از شما، شب‌ها را شب زنده داری می‌کند؟ سلمان گفت من ای رسول خدا! پس پرسید: کدامیک از شما، هر روز قرآن را ختم می‌کند؟ سلمان گفت: ای رسول خدا، من! پس یکی از صحابه خشماگین شد و گفت: این سلمان، مردی است از فارسیان که می‌خواهد به ما ملت قریش، تفاخر ورزد! شما پرسیدید چه کسی تمام روزگار را روزه می‌دارد و او گفت من، حال آنکه بیشتر روزها می‌خورد! گفتید: چه کسی شب‌ها را بیدار است، گفت: من و او بیشتر شب‌هایش را در خواب است و پرسیدید: چه کسی هر روز قرآن ختم می‌کند، گفت: من، حال آنکه او بیشتر روزها ساکت است! پیامبر گفت: ای فلان، ساکت باش! همانا من برای تو، مثل لقمان حکیم هستم. از سلمان پرس، تا آگاهی کند. پس، مرد به سلمان گفت: ای ابا عبدالله! گمان کرده‌ای تمام روزگار را روزه می‌داری؟ گفت: آری. گفت: من خود، تو را در بیشتر روزها دیده‌ام که غذا می‌خوری! پس جواب داد: اینگونه نیست که تو گمان کرده‌ای، من از هر ماه، سه روز روزه می‌گیرم و خداوند فرموده است: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» و نیز، روزه ماه شعبان را به رمضان متصل می‌کنم و این است صوم دهر! گفت: آیا چنین نیست که گمان کرده‌ای شب‌ها را بیداری؟ گفت: آری! گفت: حال آنکه تو بیشتر شب‌هایت را در خوابی! گفت: اینگونه نیست که تو فکر می‌کنی، لکن من از حبیب رسول خدا شنیدم که می‌گفت: با وضو بخواب، پس مثل آن است که شب را بیدار مانده‌ای. پس، من با وضو می‌خوابم. گفت: آیا چنین نیست که تو گمان کرده‌ای هر روز قرآن ختم می‌کنی؟ گفت: آری، گفت: حال آن که تو بیشتر روزهایت را در سکوت به سر می‌بری. گفت: چنین نیست که تو گمان می‌کنی و من از حبیب رسول خدا شنیدم که به علی فرمود: ای ابا الحسن! مثل تو در میان امت من، مانند «قل هو الله احد» است. پس، هر کس آن را بخواند، یک سوّم قرآن را قرائت کرده است و هر کس دو بار آن را بخواند، دو سوّم قرآن را قرائت نموده و هر کس

سه بار بخواند، به تحقیق، تمام قرآن را خوانده است. پس، هر کس که با زبان دوست داشته باشد، یک سوّم از ایمان برایش کامل می‌گردد و هر کس که هم با زبان و هم با قلب، دوست داشته باشد، دو سوّم از ایمان برایش تکمیل می‌گردد و هر کس که با زبان و قلب دوست داشته باشد و با دست نیز یاری‌ات کند، ایمان برایش کامل می‌گردد. سوگند به خداوندی که مرا به حق مبعوث کرده است، ای علی! اگر اهل زمین، مانند اهل آسمان، دوستت می‌داشتند، احدی با آتش معذب نمی‌شد و من، در هر روز، سه مرتبه «قل هو الله» می‌خوانم. پس آن مرد بلند شد و چنان بود که گوئی سنگی به دهانش!

۶ - اسماعیل، پسر مسلم از صادق جعفر بن محمد، از پدرش و او از پدرانش نقل کرد که امیرالمومنین - صلوات خدا بر او باد - فرمود: همانا فقیهان و حکیمان، زمانی که به همدیگر نامه می‌نوشتند، سه چیزی را می‌نوشتند که چهارم نداشت: هر کس که همتش آخرتش باشد، خداوند هم دنیاوی‌اش را نیز کفایت می‌کند. هر کس که سیرت خود را صالح گرداند، خداوند پیرامون را نیز برایش صالح می‌کند و هر کس که میان خود و خدایش را نیکو گرداند، خداوند میانه او و مردمان را، صالح و نیکو می‌گرداند.

۷ - هشام، پسر سالم، از صادق جعفر بن محمد - که سلام بر هر دوی آنها باد - نقل کرد که گفت: پس از مرگ، اجری به کسی نمی‌رسد، مگر از سه خصلت: صدقه‌ای که در زنده بودنش جاری نموده که بعد از مرگش به سویش جریان پیدا می‌کند. سنت هدایتی که ایجاد نموده، و بعد از مرگش طبق آن عمل می‌شود و فرزند صالحش که برایش استغفار نماید.

۸ - ابوالحسین علی، پسر معلی اسدی گوید، از صادق جعفر بن محمد، به من خبر رسید که همانا فرموده است: همانا برای خداوند، بقیعه‌هایی است که «منتقمه» نامیده شده است. پس، زمانی که خداوند به بنده‌ای مالی بدهد و او حق خداوند را تخریب نکند، خداوند یکی از آن بقیعه‌ها را برایش مسلط می‌کند، پس مال را در آن تلف می‌کند و سپس از دنیا برود و آن مال را ترک کند.

۹ - عبدالرحمن بن اسحاق از نعمان، پسر سعد، از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که

محمد بن فضيل عن غروان الضبي ، قال أخبرنا عبد الرحمن بن اسحاق عن النعمان ابن سعد عن أمير المؤمنين عليه السلام قال : أنا حجة الله وأنا خليفة الله وأنا صراط الله وأنا باب الله وأنا خازن علم الله وأنا المؤمن على سر الله وأنا إمام البرية بعد خير الخليفة محمد نبي الرحمة صلى الله عليه وآله .

١٠ - حدثنا علي بن أحمد بن عبد الله بن أحمد بن أبي عبد الله البرقي ، قال حدثنا أبي عن جده أحمد بن أبي عبد الله ، قال حدثني سليمان بن مقبل المدني ، قال حدثني موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين بن علي عن أبيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام ، قال دخلت على رسول الله صلى الله عليه وآله وهو في قبا وعنده نفر من أصحابه فلما بصرتني تهلل وجهه وتبسم حتى نظرت إلى بياض أسنانه تبرق ، ثم قال إني يا علي إني يا علي فما زال يدنيني حتى ألصق فخذي بفخذه ثم أقبل على أصحابه فقال : معاشر أصحابي أقبلت اليكم الرحمة بإقبال علي أخي اليكم معاشر أصحابي ان علياً مني وأنا من علي روحه من روحي وطينته من طينتي وهو أخي ووصيي وخليفتي على امتي في حياتي وبعد موتي من أطاعه أطاعني ومن وافقه وافقني ومن خالفه خالفني .

١١ - حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله ، قال حدثنا الحسين بن محمد ابن عامر عن عمه عبد الله بن عامر ، قال حدثنا أبو أحمد محمد بن زياد الأزدي عن ابان بن عثمان ، قال حدثنا ابان بن تغلب عن عكرمة عن ابن عباس ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من سره أن يحيى حياتي ويموت ميتتي ويدخل جنة عدن منزلي فكان يتمسك قضيباً غرسه ربي عز وجل ، ثم قال له كن فيكون فليتول علي بن أبي طالب وليأتم بالأوصياء من ولده فإنهم عترتي خلقوا من طينتي إلى الله أشكو أعدائهم من امتي المنكرين لفضلهم القاطعين فيهم صلتي وإيم الله لتقتلن ابني بعدي الحسين لا أنا لهم الله شفاعتي .

حضرت فرمود: منم حجت خداوند، و منم خلیفه خداوند و منم صراط خداوند و منم در خداوند و منم خزانه دار خداوند و منم امانت دار سر خداوند و منم پیشوای مردمان بعد از بهترین مخلوقش محمد، پیامبر رحمت.

۱۰ - برقی گوید: حدیث کرد ما را پدرم از جدش احمد پسر ابی عبدالله که گفت: حدیث کرد مرا سلیمان پسر مقبل مدینی که گفت: حدیث کرد مرا موسی بن جعفر، از پدرش و او از پدرانش، از علی بن ابیطالب که فرمود: در مسجد «قبا» به رسول خدا داخل شدم، در حالی که چند نفر از اصحابش در کنارش بودند. پس زمانی که چشمش به من افتاد، چهره اش شکوفان شد و لبخندی زد و من سفیدی داندانهای حضرت را - که مانند برقی بود - دیدم. پس فرمود: ای مرد! کنار من بیا و مرا به خود نزدیک نمود، تا پایم به پایش چسبید. پس آنگاه خطاب به اصحاب فرمود: ای گروه صحابه! با آمدن برادرم علی به سوی شما، رحمت به شما روی آور شد. به درستی که علی از من است و من نیز از علی. روح او، از روح من است و طینتش از طینت من، و او برادر و وصی و خلیفه من است بر ائمتم در طول زندگی ام و بعد از مرگم. هر کس که اطاعتش نماید، مرا اطاعت نموده و هر کس موافقش باشد، موافقت من نموده، هر کس که مخالفتش کند، مخالفت مرا نموده است.

۱۱ - زیاد ازدی، از ابان، پسر عثمان نقل کرد که گفت: حدیث کرد مرا ابان، پسر تغلب از عکرمه از ابن عباس که گفت: رسول خدا فرمود: هر کس که دوست می دارد با زندگی من زندگی کند و با مرگ من بمیرد، و در بهشت برین، به خانه من داخل گردد، پس باید به نهالی چنگ بزند که خدای آن را کاشته و سپس گوید: باش، تا باشد، پس او باید به ولایت علی بن ابیطالب گردن نهد و به اوصیاء از فرزندان او اقتدا نماید که همانا آنها عترت من هستند و از طینت من خلق شده اند.

من، از دشمنان آنها از ائمتم، به خداوند شکایت خواهم برد، کسانی که منکر فضیلت آنها باشند و نزدیکی و اتصال من به آنها را قطع کنند. سوگند به خدا که پس از من، پسر من حسین کشته خواهد شد، خداوند شفاعت مرا به آنها نرساند.

المجلس العاشر

يوم الثلاثاء لعشر بقين من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله ، قال حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن داود بن النعمان عن سيف التمار عن أبي بصير ، قال قال الصادق أبو عبد الله جعفر بن محمد عليها السلام ان العبد لفي فسحة من أمره ما بينه وبين أربعة سنة فإذا بلغ أربعين سنة أوحى الله عز وجل إلى ملكيه إني قد عمرت عبدى عمراً فملظاً وشدداً وتحفظاً واكتبا عليه قليل عمله وكثيره وصغيره وكبيره ، وسئل الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل أولم نعمكم ما يتذكر فيه من تذكر فقال توبخ لابن ثمانى عشرة سنة .

٢ - حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (ره) ، قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن سلمة بن الخطاب عن علي بن الحسن عن أحمد بن محمد المؤدب عن عاصم بن حميد عن خالد القلانسي ، قال قال الصادق جعفر بن محمد عليها السلام يؤتى بشيخ يوم القيامة فيدفع اليه كتابه ظاهره مما يلي الناس لا يرى إلا مساوى فيطول ذلك عليه فيقول يا رب أتأمرني إلى النار ، فيقول الجبار جل جلاله يا شيخ أنا أستحي أن اعذبك وقد كنت تصلي لي في دار الدنيا اذهبوا بعبدى إلى الجنة .

٣ - حدثنا محمد بن علي ، قال حدثنا علي بن محمد بن أبي القاسم عن أبيه عن محمد بن أبي عمر العدني بمكة عن أبي العباس بن حمزة عن أحمد بن سوار عن عبد الله بن عاصم عن سلمة بن وردان عن أنس بن مالك ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : المؤمن إذا مات وترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة ستراً فيما بينه وبين النار وأعطاه الله تبارك وتعالى بكل حرف مكتوب عليها

مجلس دهم ۲۰ شعبان سال ۳۶۷

۱ - ابی بصیر، از صادق ابو عبدالله، جعفر بن محمد - که سلام خدا بر هردوشان باد - نقل کرد که: همانا، هر عبدی، تا زمانی که به چهل سالگی برسد، در امر دینش راهی دارد، پس زمانی که به چهل رسید، خداوند به فرشتگانش وحی می‌کند: همانا من به بندهام عمر زیای دادم، پس بر او سخت‌گیری کنید و شدت به خرج دهید و هر عمل کم و زیاد و کوچک و بزرگش را بنویسید. از صادق دربارهٔ آیه: «او لم نعمرکم ما یتذکر فیه من تذکر». پس گفت: این آیه، توییحی است برای فردی هجده ساله.

۲ - علی پسر حسن از احمد پسر محمد مؤدب از عاصم پسر حمید از خالد قلانسی که گفت: صادق جعفر بن محمد فرمود: در روز قیامت، پیرمردی را آورده و نامه عملش را به دستش می‌دهند که از بیرون آن، چیزی جز بدی دیده نمی‌شود. پس امر بر او طولانی و سخت می‌شود و می‌گوید: ای پروردگارم! آیا امر می‌کنی که به آتش داخل شوم؟ پس خداوند می‌فرماید: ای پیرمرد! همانا من حیا می‌کنم که تو را عذاب دهم، حال آن که تو در دنیا، برای من نماز می‌گذاری. این بندهام را به بهشت ببرد.

۳ - انس پسر مالک گوید: رسول خدا فرمود: زمانی که مؤمنی از دنیا برود و تک برگی از خود بر جای بگذارد که علمی در آن نوشته شده باشد، آن ورق، در روز قیامت میان او و آتش ساطر می‌شود و خداوند - تبارک و تعالی - به حرفی که در آن نوشته شده باشد، شهری هفت مرتبه وسیع‌تر از کُلِّ «دنیا» برایش عطا می‌کند و هیچ مؤمنی نیست

مدينة أوسع من الدنيا سبع مرات ، وما من مؤمن يقعد ساعة عند العالم إلا ناداه ربه عز وجل جلست إلى حبيبي وعزتي وجلالي لأسكنتك الجنة معه ولا ابالي .

٤ - حدثنا محمد بن أحمد السناني المكتب ، قال حدثنا محمد بن هارون الصوفي قال حدثنا عبيد الله بن موسى الحبال الطبري ، قال حدثنا محمد بن الحسين الحشاب ، قال حدثنا محمد بن محسن عن يونس بن ظبيان ، قال قال الصادق جعفر بن محمد عليها السلام إن الناس يعبدون الله عز وجل على ثلاثة أوجه : فطبقة يعبدونه رغبة في ثوابه فتلك عبادة الحرصاء وهو الطمع وآخرون يعبدونه خوفاً من النار فتلك عبادة العبيد وهي رهبة ، ولكنني أعبده حباً له عز وجل فتلك عبادة الكرام وهو الآمن لقوله عز وجل وهم من فزع يومئذ آمنون ولقوله عز وجل قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم ، فمن أحب الله أحبه الله ومن أحب الله عز وجل كان من الآمنين .

٥ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله ، قال حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن أبي عمير عن أبي زياد النهدي عن عبد الله بن وهب عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : حسب المؤمن من الله نصرة أن يرى عدوه يعمل بمعاصي الله عز وجل .

٦ - حدثنا الحسين بن إبراهيم المؤدب ، قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد بن بشار عن عبيد الله الدهقان عن درست بن أبي منصور الواسطي عن عبد الحميد بن أبي العلا عن ثابت بن دينار عن سعد بن ظريف الخفاف عن الأصبغ بن نباته ، قال قال أمير المؤمنين عليه السلام أنا خليفة رسول الله ووزيره ووارثه أنا أخو رسول الله ووصيه وحبيبه أنا صفي رسول الله وصاحبه أنا ابن عم رسول الله وزوج ابنته وأبو ولده وأنا سيد الوصيين ووصي سيد النبيين أنا الحجة العظمى والآية الكبرى والمثل الأعلى وباب النبي المصطفى ، أنا العروة الوثقى وكلمة التقوى وأمين الله تعالى ذكره على

که ساعتی پیش عالمی بنشیند، مگر اینکه پروردگارش ندایش می دهد که تو در نزد حبیب من نشست. سوگند به عزت و جلالم، تو را همراه با او در بهشت ساکن خواهم نمود و باکی از این کار ندارم.

۴ - یونس، پسر ظبیان گوید: صادق جعفر بن محمد - که بر هر دوشان سلام باد - فرمود: مردمان، خداوند را به سه صورت عبادت می کنند. پس، یک گروه، او را از روی رغبت به ثوابش عبادت می نمایند و این، عبادت «حریصان» است و آن طمع است. گروه دیگر، او را از روی ترس از آتشش عبادت می کنند و آن عبادت «بندگان» است و آن ترس است، ولی من او را عبادت می کنم، از روی دوستاری اش، پس این عبادت «کریمان» است و آن «امن» است، چرا که خداوند فرموده است: «و هم من فرج یومئذ آمنون» (آنها از هراس روز قیامت در امان خواهند بود) و نیز فرموده است: «ان کُنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفر لکم ذنوبکم». (اگر شما خدا را دوست می دارید، پس مرا تبعیت کنید، تا خداوند نیز شما را دوستتان داشته باشد و گناهانتان را بر شما ببخشد)، پس هر کس که خدای را دوست دارد، خداوند نیز او را دوست می دارد و او از امان داده شدگان خواهد بود.

۵ - عبدالله پسر جعفر حمیری از احمد پسر محمد پسر خالد از پدرش از ابی عمیر از ابی زیاد نهدی از عبدالله پسر وهب از صادق جعفر بن محمد (ع) نقل کرد که حضرت فرمود: مؤمن را نصرت از طرف خداوند، همین بس که ببیند دشمنش به معاصی خداوندی اشتغال دارد.

۶ - سعد پسر ظریف خفاف از اصبع بن نباته نقل می کند که امیر المومنین فرمود: من خلیفه رسول خدا و وزیر او و وارث او می باشم و منم برادر فرستاده خدا و وصی او و حبیبش. منم برگزیده رسول خدا و همراهش و منم فرزند عموی رسول خدا و شوی دخترش و پدر فرزندانش، سرور اوصیا و وصی سرور پیامبران، منم حجّت بزرگ و نشانه

أهل الدنيا .

٧ - حدثنا أحمد بن هارون (ره) ، قال حدثنا محمد بن عبد الله عن أبيه عبد الله بن جعفر بن جامع عن أحمد بن محمد البرقي عن هارون بن الجهم عن الصادق جعفر بن محمد عليها السلام ، قال إذا جاهر الفاسق بفسقه فلا حرمة له ولا غيبة .

٨ - حدثنا الحسين بن أحمد بن ادريس رحمه الله ، قال حدثنا أبي عن أحمد ابن محمد بن خالد عن العباس بن معروف عن محمد بن يحيى الخزاز عن طلحة ابن زيد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ : أتاني جبرائيل من قبل ربي جل جلاله ، فقال يا محمد إن الله عز وجل يقرؤك السلام ويقول لك بشر أخاك علياً بأني لا اعذب من تولاه ولا أرحم من عاداه .

٩ - حدثنا محمد بن أحمد الأسدي البردعي ، قال حدثنا رقية بنت اسحاق ابن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عن أبيها عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع عن عمره فيما أفناه وشبابه فيما أبلاه وعن ماله من أين كسبه وفيما أنفقه وعن حبنا أهل البيت .

١٠ - حدثنا أحمد بن الحسن القطان ، قال حدثني أحمد بن محمد بن يحيى ابن زكريا القطان ، قال حدثنا بكر بن عبد الله ، قال حدثنا تميم بن بهلول ، قال حدثنا عبد الله بن صالح بن أبي سلمة النصيبيني ، قال حدثنا أبو عوانه عن أبي بشير عن سعيد بن جبير عن عائشة قالت كنت عند رسول الله ﷺ ، فأقبل علي بن أبي طالب عليه السلام فقال هذا سيد العرب فقلت يا رسول الله أأنت سيد العرب قال أنا سيد ولد آدم وعلي سيد العرب فقلت وما السيد قال من افترض طاعته كما افترضت طاعتي .

١١ - حدثنا علي بن أحمد بن موسى الدقاق ، قال حدثنا علي بن الحسين

اکبر و نشانه بلند و در پیامبر برگزیده و منم ریسمان محکم و کلمه تقوی و امین خداوند بر اهل دنیا.

۷ - محمد پسر عبدالله از پدرش عبدالله پسر جعفر پسر جامع از احمد پسر محمد برقی از هارون پسر جهم از صادق جعفر بن محمد - که بر هر دوشان سلام باد - فرمود: فاسق، زمانی که فسق خود را ظاهر کرد، نه حرمتی برای او هست و نه غیبتی.

۸ - طلحه پسر زید از صادق جعفر بن محمد از پدرش و او از پدرانش نقل کرد که پیامبر فرمود: جبرئیل از طرف پروردگارم به سوی من آمده و گفت: ای محمد! همانا خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: برادرت علی را مژده بده به این که همانا من هر کس را که ولایت او را بپذیرد، عذاب نخواهم داد و به کسی که او را دشمن دارد، ترحم روا نخواهم داشت.

۹ - رقیه، دختر اسحاق، پسر موسی بن جعفر، پسر محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب از پدرش و او از پدرانش - که سلام بر آنها باد - نقل کرد که رسول خدا فرمود: در روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر اینکه از او، از چهار چیز سؤال به عمل می‌آید: از عمرش که آن را در کجا صرف کرده است و از جوانی‌اش که آن را در چه چیزی به سر برده و از مالش که از کجا به دست آورده و در چه موردی آن را خرج نموده و از دوستداری ما اهل بیت.

۱۰ - تمیم بن بهلول گوید: حدیث کرد ما را عبدالله، پسر صالح، پسر ابی سلم نصیبینی که گفت: حدیث کرد ما را ابو عوانه، از ابی بشیر، از سعید پسر جبیر از عایشه که گفت: من نزد رسول خدا بودم که علی بن ابیطالب وارد شد. پس، پیامبر فرمود: این مرد، سرور عرب است. پس گفتم: ای رسول خدا! آیا سرور عرب شما نیستید؟ گفت: من سرور فرزندان آدم هستم و علی سرور عرب. پرسیدم «سید» (سرور) چیست؟ گفت: کسی که اطاعتش واجب باشد، همانگونه که طاعت من واجب است.

۱۱ - سعید، پسر خثیم از برادرش معمر نقل می‌کند که گفت: نزد صادق جعفر بن

القاضي العلوي العباسي ، قال حدثني الحسن بن علي الناصر قدس الله روحه ، قال حدثني أحمد بن رشد عن عمه أبي معمر سعيد بن خثيم عن أخيه معمر ، قال كنت جالساً عند الصادق جعفر بن محمد عليه السلام فجاء زيد بن علي بن الحسين عليه السلام فأخذ بعراضي الباب فقال له الصادق عليه السلام : يا عم اعينك بالله أن تكون المصلوب بالكناسة ، فقالت له أم زيد والله ما يحملك على هذا القول غير الحسد لابني ، فقال عليه السلام يا ليت حسداً يا ليت حسداً ثلاثاً ، ثم قال حدثني أبي عن جدي عليه السلام انه يخرج من ولده رجل يقال له زيد يقتل بالكوفة ويصلب بالكناسة يخرج من قبره نبشاً تفتح لروحه أبواب السماء ينتج به أهل السماوات يجعل روحه في حوصلة طير أخضر يسرح في الجنة حيث يشاء .

١٢ - حدثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد ، قال حدثنا عبد العزيز بن يحيى قال حدثنا الأشعث بن محمد الضبي ، قال حدثني شعيب بن عمر عن أبيه عن جابر الجعفي ، قال دخلت على أبي جعفر محمد بن علي عليها السلام وعنده زيد أخوه عليه السلام فدخل عليه معروف بن خربوذ المكي ، فقال أبو جعفر عليه السلام يا معروف انشدني من طرائف ما عندك فأنشده :

لعمرك ما ان أبو مالك بوان ولا بضعيف قواه
ولا باللد لدى قوله يعادي الحكيم إذا ما ناه
ولكنه سيد بارع كريم الطبائع حلو ثناه
إذا سدت سدت مطواعة ومها وكلت اليه كفاء
قال فوضع محمد بن علي عليه السلام يده على كتفي زيد فقال هذه صفتك
يا أبا الحسن .

المجلس الحادي عشر

يوم الجمعة لست بقين من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة
١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن

محمد نشسته بودم که زید بن علی بن حسین آمد و دو سویی در را گرفت. پس امام صادق به او گفت: ای عمو! به خدای پناهت می‌دهم از اینکه به دار آویخته موعود، تو باشی! مادر زید گفت: به خدا قسم، تو را به این سخن و نداشت، مگر حسد به فرزندم! امام فرمود: ای کاش از روی حسد می‌گفتم، ای کاش از روی حسد می‌گفتم - سه بار - سپس گفت: حدیث کرد مرا پدرم از جدّم که گفت: همانا از فرزندان او، کسی خروج می‌کند که به او «زید» می‌گویند. او در کوفه به قتل می‌رسد و در کناسه به دار آویخته می‌شود، او را از قبرش خارج می‌کنند با نبش و درهای آسمان، بر روحش گشوده می‌گردد و اهل آسمان، نسبت به او ابتهاج نشان می‌دهند. پس، روحش را در روی پرنده‌ای می‌گذارند، تا در هر جای بهشت که بخواهند، بگردانندش.

۱۲ - حدیث کرد ما را حسن پسر عبدالله پسر سعید که گفت: حدیث کرد ما را عبدالعزیز پسر یحیی گفت: حدیث کرد ما را اشعث پسر محمد ضبی که گفت: حدیث کرد مرا شعیب، پسر عمر از پدرش از جابر جُعیفی نقل کرد که گفت:
بر ابی جعفر محمد بن علی - که بر هر دوشان سلام باد - داخل شدم، در حالی که برادرش زید نیز، نزد او بود. پس، معروف پسر خربوذ مکی نیز وارد شد. پس، ابو جعفر گفت: ای معروف! از گفتارهای نغزی که پیش توست، چیزی برایم انشاد کن! او شعری را انشاد کرد. پس از اتمام شعر، امام دست خود بر دو کتف زید گذاشت و گفت: این صفت توست، ای ابالحسین!

مجلس یازدهم

روز جمعه ۲۴ شعبان ۳۶۷.

۱ - محمد پسر یحیی عطار از احمد پسر محمد پسر عیسی از حسن پسر محبوب از ابی ایوب از ابی الورد، از ابی جعفر نقل می‌کند که گفت: پیامبر در آخرین جمعه ماه

بابويه القمي رحمه الله ، قال حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا محمد بن يحيى المطار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن أبي أيوب عن أبي الورد عن أبي جعفر ، قال خطب رسول الله ﷺ الناس في آخر جمعة من شعبان فحمد الله وأثنى عليه ، ثم قال أيها الناس انه قد أظلكم شهر فيه ليلة خير من ألف شهر وهو شهر رمضان فرض الله صيامه وجعل قيامه ، ليلة فيه بتطوع صلاة كمن تطوع بصلاة سبعين ليلة فيما سواه من الشهور وجعل لمن تطوع فيه بخصلة من خصال الخير والبر كأجر من أدى فريضة من فرائض الله ومن أدى فيه فريضة من فرائض الله كان كمن أدى سبعين فريضة فيما سواه من الشهور وهو شهر الصبر وان الصبر ثوابه الجنة وهو شهر المواساة وهو شهر يزيد الله فيه في رزق المؤمن ومن فطر فيه مؤمناً صائماً كان له بذلك عند الله عز وجل عتق رقبة ومغفرة لذنوبه فيما مضى فقليل له يا رسول الله ليس كلنا يقدر على أن يفطر صائماً ، فقال إن الله تبارك وتعالى كريم يعطي هذا الثواب منكم من لم يقدر إلا على مذقة من لبن يفطر بها صائماً أو شربة من ماء عذب أو تمرات لا يقدر على أكثر من ذلك ومن خفف فيه عن ملوكة خفف الله عنه حسابه وهو شهر أوله رحمة ووسطه مغفرة وآخره اجابة والعتق من النار ولا غنى بكم فيه عن أربع خصال : خصلتين ترضون الله بهما وخصلتين لا غنى بكم عنهما ، أما اللتان ترضون الله بهما فشهادة أن لا إله إلا الله وأني رسول وأما اللتان لا غنى بكم عنها فتسألون الله حوائجكم والجنة وتسالون الله فيه العافية وتتعودون به من النار .

٣ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله ، قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن اسحاق بن محمد عن حمزة بن محمد ، قال كتبت إلى أبي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام لم فرض الله عز وجل الصوم فورد في الجواب ليجد الغنى مس الجوع فيمن على الفقير .

شعبان خطبه‌ای خواند و در آن، حمد خدای را به جای آورد و ثنایش گفت و آن گاه گفت: ای مردم! به درستی که ماهی بر شما روی آورده که شبی در آن قرار دارد که از هزار ماه برتر است و آن، ماهِ رمضان است، که خداوند روزه‌اش را واجب نموده، و به جای آوردن یک نماز نافله در آن را، با هفتاد نافله شب در ماه‌های دیگر، مُساوی قرار داده است. هر کس کارِ مستحبی در آن انجام دهد، مانند کسی است که در ماه‌های دیگر، کاری واجب انجام داده است و هر کس که واجبی را در آن به انجام برساند، مانند کسی است که در ماه‌های دیگر، هفتاد واجب را به انجام رسانده است. رمضان، ماهِ صبر و شکیبا پیشگی است و اجرِ شکیبائی، بهشت، رمضان ماهِ همدردی است، ماهی که خداوند در آن بر رزق و روزی مؤمن‌ها می‌افزاید.

هر کس روزه داری را در این ماه افطاری دهد، در نزد خداوند، به میزان آزاد کردن یک بنده برایش ثواب داده می‌شود و تمام گناهان گذشته افطار دهنده آمرزیده می‌گردد. پس، کسی گفت: ای رسول خدا! همه ما نمی‌توانیم و قادر نیستیم روزه‌داری را افطار بدهیم. فرمود: خداوند تبارک، کریم است و همین مقدار ثواب را به هر آن کسی که توانا بر دادن شربتی از شیر به یک روزه‌دار به عنوان افطار باشد، می‌دهد، هر چند شربتی از آب، یا چند عدد خُرما که بر زیاده از آن توانائی ندارید. در این ماه، هر کس که در کار بنده خود گذشت به خرج دهد، خداوند در حساب او گذشت به خرج می‌دهد، رمضان ماهی است که آغازش رحمت، وسطش بخشودگی و پایانش اجابت و رهائی از آتش است. در این ماه، از چهار خصلت مستغنی نباشید: دو خصلت برای رضای خدا و دو خصلت برای نیازتان به آن دو خصلت که مورد رضایت خداوند می‌باشد و آن عبارت است از شهادت به وحدانیت خداوند و شهادت به اینکه من فرستاده خدایم و اما دو خصلتی که بی نیاز از آن نیستید، پس نیازهای خود را از خدا بخواهید، و طلب بهشت کنید و از خداوند، در آن طلب عافیت نمائید و در آن، از آتش به خدا پناه ببرید.

۲ - حمزه پسر محمد گوید: به محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب - که بر همه آنها سلام باد - نامه‌ای نوشته و پرسیدم: چرا خداوند روزه را واجب نمود؟ پس در جواب نگاشت: برای اینکه اغنیا نیز گرسنگی را لمس کنند و بر فقرا منت بگذارند.

٣ - حدثنا محمد بن إبراهيم بن اسحاق رحمه الله ، قال حدثنا أحمد بن محمد الهمداني ، قال أخبرنا أحمد بن صالح بن سعد التميمي ، قال حدثنا موسى بن داود ، قال حدثنا الوليد بن هشام ، قال حدثنا هشام بن حسان عن الحسن بن أبي الحسن البصري عن عبد الرحمن بن غنم الدوسي ، قال دخل معاذ بن جبل على رسول الله ﷺ باكياً فسلم فرد ﷺ ثم قال ما يبكيك يا معاذ فقال يا رسول الله إن بالباب شاباً طري الجسد نقي اللون حسن الصورة يبكي على شابه بكاه الثكلى على ولدها يريد الدخول عليك ، فقال النبي ﷺ ادخل على الشاب يا معاذ فادخله عليه فسلم فرد ﷺ ثم قال ما يبكيك يا شاب ، قال كيف لا أبكي وقد ركبت ذنوباً إن أخذني الله عز وجل ببعضها أدخلني نار جهنم ولا أراي إلا سيأخذني بها ولا يغفر لي أبداً ، فقال رسول الله ﷺ هل أشركت بالله شيئاً ، قال أعوذ بالله أن أشرك بربي شيئاً ، قال اقتلت النفس التي حرم الله قال لا ، فقال النبي ﷺ يغفر الله لك ذنوبك وإن كانت مثل الجبال الرواسي قال الشاب فإنها أعظم من الجبال الرواسي ، فقال النبي ﷺ يغفر الله لك ذنوبك وإن كانت مثل الأرضين السبع وبحارها ورمالها وأشجارها وما فيها من الخلق ، فقال النبي ﷺ يغفر الله لك ذنوبك وإن كانت مثل السماوات ونجومها ومثل العرش والكرسي .

قال فإنها أعظم من ذلك ، قال فنظر النبي ﷺ كهيئة الغضبان ثم قال : ويحك يا شاب ذنوبك أعظم أم ربك ، فخر الشاب لوجهه وهو يقول سبحان الله ربي ما شيء أعظم من ربي ربي أعظم يا نبي الله من كل عظيم ؛ فقال النبي ﷺ فهل يغفر الذنب العظيم إلا الرب العظيم ، قال الشاب لا والله يا رسول الله ثم سكت الشاب ، فقال النبي ﷺ ويحك يا شاب ألا تخبرني بذنوب واحد من ذنوبك ، قال بلى أخبرك افي كنت أنبش القبور سبع سنين أخرج الأموات وأنزع الأكفان ، فماتت جارية من بعض بنات الأنصار فلما حملت إلى قبرها ودفنت وانصرف عنها أهلها وجن عليهم الليل أتيت قبرها فنبشتها ثم استخرجتها

۳ - عبدالرحمن پسر غنم دوسی گوید: معاذ پسر جبل، در حالی که می‌گریست خدمت رسول خدا آمده و سلام کرد و پیامبر جوابش را داد و سپس پرسید: چه چیزی تو را می‌گریاند ای معاذ؟ گفت: ای فرستاده خدا! بیرون در، شخصی با طراوت و زیبا چهره و خوش‌رنگ ایستاده که مانند زنی جوان مرده، گریه می‌کند و می‌خواهد به خدمت شما داخل شود. پس پیامبر فرمود: آن جوان را بر من داخل کن، ای معاذ! پس، او را داخل کرد و او سلام داد و پیامبر جوابش را داد و آن‌گاه پرسید: چه چیزی تو را می‌گریاند ای جوان؟ گفت: چگونه گریه نکنم، حال آنکه به تحقیق، گناہانی مرتکب شده‌ام که اگر خداوند به خاطر بعضی از آنها، مرا مورد عقاب قرار دهد، وارد جهنم می‌کند، و نمی‌بینم مگر اینکه مرا به زودی، به خاطر آنها، مورد مؤاخذه قرار خواهد داد و هرگز نخواهد بخشید. پیامبر پرسید: آیا به خدا شرک ورزیده‌ای؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از اینکه چیزی را با پروردگارم شریک قرار داده باشم. پیامبر پرسید: آیا نفیس محترمه‌ای را که خداوند قتلش را حرام نموده، به قتل رسانده‌ای؟ گفت: نه ای پیامبر خدا! پس، پیامبر فرمود: خداوند گناہان تو را می‌بخشد، هر چند به اندازه کوه‌های متصل به هم باشد. جوان گفت: همانا گناہان من، از کوه‌های بلند نیز بزرگتر است. پیامبر فرمود: خداوند گناہان تو را می‌بخشد، هر چند که به بزرگی زمین‌های هفتگانه و دریاها و ریگ‌های و درختان و آن مقدار از انسان‌هایی که در روی زمین هستند، باشد. گفت: به درستی که گناہان من، از این مقدار نیز بزرگتر است! پس پیامبر فرمود: خداوند گناہان تو را می‌بخشد، حتی اگر به مقدار آسمان‌ها و ستارگانش و مثل عرش و کرسی باشد. جواب داد: گناہان من، از این همه نیز بزرگتر است! پس، پیامبر مانند اشخاص غضبناک بدو نگریست و آن‌گاه گفت: وای بر تو ای جوان! گناہان تو بزرگ است یا پروردگارت؟ جوان سر به زیر افکند، در حالی که می‌گفت: پاک و منزّه است پروردگارم و هیچ چیزی بزرگتر از پروردگار نیست و پروردگار من، بزرگتر از هر بزرگی و عظیم‌تر است ای پیامبر! پیامبر ادامه داد: آیا گناہان بزرگ را، جز خدای بزرگ، کسی دیگر می‌بخشد؟ جوان گفت: نه به خدا قسم، ای رسول خدا! و سپس جوان، سکوت اختیار کرد. پیامبر گفت: وای بر تو ای جوان، آیا مرا به یکی از گناہانت آگاه نمی‌کنی؟ گفت: آگاه می‌کنم: من کسی بودم که نبش قبر می‌کردم و هفت سال بود، مُرده‌ها را از قبرها بیرون می‌آوردم و کفن‌های آنها را از تنشان جدا می‌کردم. پس، دختر جوان یکی از انصار از دنیا رفت. زمانی که او را به سوی قبرش حمل کردند و دفن نمودند، اقوامش بازگشتند و تاریکی شب، آنها را فرا گرفت.

ونزعت ما كان عليها من أكفانها وتركتها متجردة على شفير قبرها ومضيت
منصرفاً فأقاني الشيطان فأقبل يزيناها لي ويقول أما ترى بطنها وبياضها أما ترى
وركيها فلم يزل يقول لي هذا حق رجعت عليها ولم أملك نفسي حق جامعتها
وتركتها مكانها ، فإذا بصوت من ورائي يقول يا شاب ويل لك من ديان يوم
الدين يوم يقفني وإياك كما تركتني عريانة في عساكر الموت وتزعنتني من حفرتي
وسلبتني أكفاني وتركنتني أقوم جنباً إلى حسابي فويل لشبابك من النار ، فما
أظن أنني أشم ريح الجنة أبداً فما ترى لي يا رسول الله ، فقال النبي ﷺ فتح
عني يا فاسق إنني أخاف أن أحترق بنارك فما أقربك من النار، ثم لم يزل ﷺ
يقول ويشير إليه حتى أمعن من بين يديه فذهب فأتى المدينة فترود منها ثم أتى
بعض جبالها فتعبد فيها ولبس مسحاً وغل يديه جيماً إلى عنقه ونادى : يا رب
هذا عبدك يهول بين يديك مغلول يا رب أنت الذي تعرفني وزل مني ما تعلم
سيدي يا رب إنني أصبحت من النادمين وأتيت بنبيك تائباً فطردني وزادني
خوفاً فاسألُك باسمك وجلالك وعظمة سلطانك أن لا تخيب رجائي ، سيدي
ولا تبطل دعائي ولا تقنطني من رحمتك ، فلم يزل يقول ذلك أربعين يوماً وليلة
تبكي له السباع والوحوش ، فلما تمت له أربعون يوماً وليلة رفع يديه إلى السماء
وقال اللهم ما فعلت في حاجتي إن كنت استجبت دعائي وغفرت خطيئتي فأوح
إلى نبيك ، وإن لم تستجب لي دعائي ولم تغفر لي خطيئتي وأردت عقوبيتني فمجعل
بنار تحرقني أو عقوبة في الدنيا تهلكني وخلصني من فضيحة يوم القيامة فأنزل
الله تبارك وتعالى على نبيه ﷺ (والذين إذا فعلوا فاحشة) يعني الزنا (أو ظلموا
أنفسهم) يعني بارتكاب ذنب أعظم من الزنا ونبش القبور وأخذ الأكفان (ذكروا
الله واستغفروا لنفوسهم) يقول خافوا الله فمجلوا التوبة ومن يغفر الذنوب إلا الله ،
يقول عز وجل أنك عبيدي يا محمد تائباً فطردته فأين يذهب وإلى من يقصد ،
ومن يسأل أن يغفر له ذنباً غيري ثم قال عز وجل ولم يصروا على ما فعلوا وهم
يعلمون يقول لم يقيموا على الزنا ونبش القبور وأخذ الأكفان أولئك جزاءهم

من، به قبر او آمده و نیش قبرش نمودم و آنگاه جسدش را خارج نموده و هر چیزی که داشت، از کفن و... برداشتم و او را، برهنه کنار قبر رها کردم. در حال انصراف، می‌گذشتم بگذرم که شیطان به سویم آمد و او را برایم زینت داد و می‌گفت: آیا نمی‌بینی شکمش را و سفیدی‌اش را؟ آیا نمی‌بینی دو پایش را و به همین منوال، می‌گفت تا اینکه به سوی او بازگشته و توانستم بر نفسم مالک شوم و با او مجامعت کردم و او را در جایش رها نمودم. در این حال، متوجه صدائی شدم که از پشت می‌گفت: وای بر تو ای جوان، از دارنده «روز دین» که مرا نگاه می‌دارد و تو را، و وای بر تو، همانگونه که مرا لخت رهایم کردی در میان گروه مردگان و از قبرم بیرون کشیدی و کفنم را به یغما بردی و مرا تا روز قیامت به حال جنابت رهایم نمودی، پس وای بر تو باد، از جوانی ات از آتش!

گمان نمی‌کنم، من هرگز بوئی از بهشت ببرم! درباره من چه فکر می‌کنی، ای رسول خدا! پیامبر فرمود: دور شو از من ای فاسق که همانا من می‌ترسم به آتش تو، من نیز بسوزم، چه نزدیکی به آتش تو؟ پیامبر، این عبارت را پشت سر هم می‌گفت و از او می‌خواست از آنجا دور شود، تا از چشم‌ها دور شد و توشه‌ای از مدینه برگرفت و به یکی از کوه‌ها پناه برد و به عبادت پرداخت. لباسی موئین پوشید و هر دو دست خود را به گردنش بست و فریاد می‌زد: پروردگارا! این بنده تو، پیش تو سرافکنده است و دست بر گردن! خداوند! تو مرا می‌شناسی و می‌دانی که چه اشتباهی را مرتکب شده‌ام. ای آقای من! ای پروردگارا! من پشیمان شده‌ام و از روی توبه، نزد پیامبرت رفتم و او مرا راند و بر ترسم افزود. از تو و نام و جلال و حشمت تو مسئله می‌کنم تا امیدم نگردانی و دعایم را بیهوده نکنی و از رحمت خویش محروم نگردانی. او تا چهل روز شبانه روز - پی در پی - این را می‌گفت، و درندگان و حیوانات هم به حالش گریستند. پس از گذشت چهل روز، دست به دعا برداشت و گفت: آنچه می‌توانستم، انجام دادم. اگر دعایم را استحابت کرده‌ای، بر پیغمبرت وحی کن و اگر مستجاب نکرده‌ای و نیامرزیده‌ای ام و می‌خواهی کیفرم دهی، به زودی در آتش مرا بسوزان و یا اینکه در دنیا هلاکم نما، تا از رسوائی روز قیامت خلاصم نموده باشی. به دنبال آن، خداوند این آیه را به پیامبر نازل کرد: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً - یعنی زنا - او ظلموا انفسهم - یعنی ارتکاب به گناهی بالاتر از زنا و نیش قبرها و برداشتن کفن‌ها - ذکرو الله و استغفروا لذنوبهم يقول خافوا الله فجعلوا التوبة و من يغفر الذنوب الا الله». آیه می‌گوید: ای محمد، بنده‌ام در حالی که تائب بود، نزد تو آمد، پس تو او را طرد نمودی، پس، او او کجا رود و چه کسی را قصد کند و از چه

مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ونعم أجر العاملين ، فلما نزلت هذه الآية على رسول الله ﷺ خرج وهو يتلوها ويتبسم فقال لأصحابه من يدلني على ذلك الشاب التائب ، فقال معاذ يا رسول الله بلغنا أنه في موضع كذا وكذا ، فضى رسول الله ﷺ بأصحابه حتى انتهوا إلى ذلك الجبل فصعدوا إليه يطلبون الشاب فإذا هم بالشاب قائم بين صخرتين مغולה يداه إلى عنقه وقد اسود وجهه وتساقطت أشعار عينيه من البكاء وهو يقول سيدي قد أحسنت خلقي وأحسننت صورتي فليت شعري ماذا تريدني أفي النار تحرقني أو في جوارك تسكنني اللهم انك قد أكثرت الاحسان إلي وأنعمت علي فليت شعري ماذا يكون آخر أمري إلى الجنة تزفني أم إلى النار تسوقني ، اللهم ان خطيئتي أعظم من السماوات والأرض ومن كرسيك الواسع وعرشك العظيم فليت شعري تغفر خطيئتي أم تفضحني بها يوم القيامة فلم يزل يقول نحو هذا وهو يبكي ويحشو التراب على رأسه وقد أحاطت به السباع وصفت فوقه الطير وهم سيكون لبكائه فدنا رسول الله ﷺ فأطلق يديه من عنقه ونفض التراب عن رأسه وقال يا بهلول أبشر فإنك عتيق الله من النار ، ثم قال ﷺ لأصحابه هكذا تداركوا الذنوب كما تداركها بهلول ابشر فإنك عتيق الله من النار ثم تلا عليه ما أنزل الله عز وجل فيه وبشره بالجنة .

٤ - حدثنا محمد بن إبراهيم بن اسحاق (ره) قال أخبرنا أحمد بن محمد الهمداني ، قال حدثنا أحمد بن صالح عن حكيم بن عبد الرحمن ، قال حدثني مقاتل بن سليمان عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ لعلي بن أبي طالب عليه السلام : يا علي أنت مني بمنزلة هبة الله من آدم ومنزلة سام من نوح ومنزلة اسحاق من إبراهيم ومنزلة هارون من موسى ومنزلة شمعون من عيسى إلا أنه لا نبي بعدي ، يا علي أنت وصيي وخليفتي فمن جحد وصيتك وخلافتك فليس مني ولست منه وأنا خصمه يوم القيامة ، يا علي أنت أفضل أمتي فضلا وأقدمهم سلماً وأكثرهم علماً وأوفرهم حلاً

کسی بخواهد گنااهش را ببخشد؟ زمانی که این آیات بر رسول خدا نازل شد، خارج شد و با خوشحالی، این آیات را می خواند و به اصحابش گفت: چه کسی مرا به آن جوان تائب راهنمایی می کند؟ معاذ گفت: ای پیامبر، به ما رسیده است که او در فلان موضع است. پس، پیامبر همراه اصحابش رفتند و به آن کوه رسیدند و بر آن صعود نمودند و دنبال آن جوان می گشتند. او را در حالی یافتند که بین دو صخره ایستاده و دست هایش را به گردن خود بسته و چهره اش را سیاه نموده و پلک هایش از فرط گریه ریخته و در آن حال می گوید: ای آقای من! تو مرا نیکو خلق کردی و صورتم را زیبا آفریدی. کاش می دانستم برای من، چه چیزی اراده کرده ای؟ آیا می خواهی در آتش بسوزانی ام، یا در جوار خودت سکونم دهی؟ ای پروردگار من! به درستی که تو، احسان زیادی به من کرده ای و نعمت های زیادی ارزانی من نموده ای و کاش اما می دانستم پایان کار من چه خواهد بود؛ آیا به سوی بهشت راهنمایی ام خواهی نمود یا به جهنم سوقم خواهی داد؟ پروردگارا! گناه من از آسمان ها و زمین و از کرسی بزرگ تو و عرش عظیمت بزرگتر و وسیع تر است. کاش می دانستم که آیا گناهم را خواهی بخشید، یا اینکه به سبب آن در روز قیامت مفتضح ام خواهی نمود؟ او پیوسته اینگونه می گفت و می گریست و بر سر خویش خاک می ریخت و درندگان احاطه اش کرده بودند و پرندگان، بالای سرش به صف ایستاده بودند و با گریه اش، آنها نیز می گریستند. پس، رسول خدا به او نزدیک شد و دستش را از پشت گردنش باز کرد و خاک ها را از سرش کنار زد و گفت: ای بهلول! بشارت باد که تو آزاد شده خداوند هستی از آتش، و آن گاه خطاب به اصحاب گفت: گناهان را جبران نمایید، همان گونه که بهلول جبران نمود. بشارت باد که تو نجات یافته خداوند از آتش هستی و سپس آنچه را که خداوند در حق او نازل کرده بود، تلاوت کرد و او را به بهشت مرده داد.

۴ - مقابل بن سلیمان، از صادق جعفر بن محمد، از پدرش، از پدرانش نقل می کند که پیامبر به علی بن ابوطالب فرمود: ای علی! همانا تو از من، به منزله «هبة الله» از آدم هستی و به منزله «سام» از نوح و به منزله «اسحاق» از ابراهیم و به منزله «هارون» از موسی و به منزله «شمعون» از عیسی، جز اینکه پیامبری بعد از من نخواهد بود. ای علی! تو وصی من و خلیفه من هستی! پس، هر کس که وصی بودن تو و خلیفه بودن را انکار نماید، از من نیست و تو نیز از او نیستی و من در روز قیامت، دشمن اویم. ای علی!

وأشجعهم قلباً وأسخاهم كفاً، يا علي أنت الإمام بعدي والأمير وأنت الصاحب بعدي والوزير وما لك في أمي من نظير ، يا علي أنت قسم الجنة والنار بمحبتك يعرف الأبرار من الفجار ويميز بين الأشرار والأخيار وبين المؤمنين والكفار .

المجلس الثاني عشر

يوم الثلاثاء لثلاث بقين من شعبان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (ره) ، قال حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (ره) ، قال حدثنا الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد عن الحسين بن علوان عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر الباقر عليه السلام ، قال كان رسول الله ﷺ إذا نظر إلى هلال شهر رمضان استقبل القبلة بوجهه ثم قال : اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان والسلامة والاسلام والمافية الجملة والزق الواسع ودفع الأسقام وتلاوة القرآن والعمون على الصلاة والصيام ، اللهم سلنا لشهر رمضان وسله لنا وسله منا حتى ينقضي شهر رمضان وقد غفرت لنا ثم يقبل بوجهه على الناس فيقول : يا معشر المسلمين إذا طلع هلال شهر رمضان علت مرده الشياطين وفتحت أبواب السماء وأبواب الجنان وأبواب الرحمة وغلقت أبواب النار واستجيب الدعاء وكان لله عز وجل عند كل فطر عتقاء يعتقهم من النار ونادى مناد كل ليلة هل من سائل هل من مستغفر ، اللهم اعط كل منفق خلفاً واعط كل ممسك تلفاً حتى إذا طلع هلال شوال نودي المؤمنون ان اغدوا إلى جوائزكم فهو يوم الجائزة ، ثم قال أبو جعفر عليه السلام : أما والذي نفسي بيده ما هي بجائزة الدنانير والدراهم .

٢ - حدثنا محمد بن ابراهيم المعاذي ، قال حدثنا أحمد بن جيلويه الجرجاني المذكر ، قال حدثنا أبو اسحاق ابراهيم بن بلال ، قال حدثنا أبو محمد ، قال

تو از حیث فضل، فاضل‌ترین شخص امت من هستی و از حیث اسلام آوردن، مقدم‌ترین و از حیث علم، بیشترین و از حیث حلم، داناترین و از حیث قلب، شجاع‌ترین و از حیث بخشندگی، بخشنده‌ترین. ای علی! تو پیشوا و امیر بعد از من هستی و بعد از من، صاحب امت، تو خواهی بود و نیز وزیر. در امت من، کسی مثل و نظیر تو نیست. ای علی! توئی تقسیم‌کننده بهشت و جهنم. و به سبب محبتت دوست که خوبان از بدان باز شناخته می‌گردند و میان اشرار و اخیار، جدائی صورت می‌گیرد و نیز بین کافران و مؤمنان.

مجلس دوازدهم

۲۷ شعبان سال ۳۶۷

۱ - جابر از ابی جعفر باقر نقل کرد که پیامبر، زمانی که به ماه رمضان نظر می‌انداخت، با رویش به طرف قبله بر می‌گشت و آن گاه می‌فرمود: خداوندگار! این ماه را همراه امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و عافیت و روزی گسترده و دفع بیماری‌ها و تلاوت قرآن و پایداری بر نماز و روزه، بر ما تازه کن! خدایا! این ماه را، به ما تسلیم کن، ما را نیز به او تسلیم گردان، تا اینکه ماه مبارک رمضان بگذرد و به تحقیق، تو ما را بخشیده باشی. آن گاه صورتش را به سوی مردم بر می‌گرداند و می‌گفت: ای گروه مسلمانان! زمانی که ماه شعبان طالع می‌شود، شیطان‌های متمرّد، به زنجیر کشیده می‌شوند و درهای آسمان گشوده می‌شود و نیز درهای بهشت‌ها و رحمت، و درهای آتش بسته می‌شود و دعا به استجابت می‌رسد و برای خداوند، در هر افطار، آزاد شدگانی است که آنها را از آتش جهنم نجات دهد و منادی، هر شب ندا در می‌دهد که آیا خواهنده‌ای نیست؟ آیا آمرزش خواهنده‌ای نیست؟ خداوند! به هر بخشنده‌ای، عوض ده و به هر کسی که امساک می‌کند، تلف عارض کن، تا اینکه ماه شهر شوال طالع گردد، به مؤمنان ندا در داده می‌شود: فردا روز، برای دریافتِ جائزه‌هاتان، حاضر شوید که روزِ جائزه است. ابوجعفر آن گاه اضافه کرد: سوگند به کسی که جانم در دست اوست، این جائزه درهم و دینار نیست.

۲ - سعید پسر جبیر گوید، از ابن عباس سؤال کردم: کسی که ماه رمضان را روزه

حدثنا أبو عبد الله محمد بن كرام ، قال حدثنا أحمد بن عبد الله ، قال حدثنا سفيان بن عيينة ، قال حدثنا معاوية بن أبي اسحاق عن سعيد بن جبير قال : سألت ابن عباس ما لمن صام شهر رمضان وعرف حقه ، قال : تيباً يا ابن جبير حتى احديثك بما لم تسمع أذناك ولم يمر على قلبك وفرغ نفسك لما سألتني عنه فما أردته فهو علم الأولين والآخرين ، قال سعيد بن جبير فخرجت من عنده فتهيات له من الغد فبكرت اليه مع طواع الفجر فصليت الفجر ثم ذكرت الحديث فعول وجهه إلي فقال اسمع مني ما أقول ، سمعت رسول الله ﷺ يقول لو علمتم ما لكم في رمضان لزدتم الله تبارك وتعالى شكراً إذا كان أول ليلة غفر الله عز وجل لامتي الذنوب كلها سرها وعلانيتها ورفع لكم ألفي ألف درجة وبني لكم خمسين مدينة ، وكتب الله عز وجل لكم يوم الثاني بكل خطوة تخطونها في ذلك اليوم عبادة سنة وثواب نبي وكتب لكم صوم سنة ، وأعطاكم الله عز وجل يوم الثالث بكل شجرة على أبدانكم قبة في الفردوس من درة بيضاء في أعلاها اثنا عشر ألف بيت من النور وفي أسفلها اثنا عشر ألف بيت في كل بيت ألف سرير على كل سرير حوراء يدخل عليكم كل يوم ألف ملك مع كل ملك هدية ، وأعطاكم الله عز وجل يوم الرابع في جنة الخلد سبعين ألف قصر في كل قصر سبعون ألف بيت في كل بيت خمسون ألف سرير على كل سرير حوراء بين يدي كل حوراء ألف وصيفة خار احداهن خير من الدنيا وما فيها ، وأعطاكم الله يوم الخامس في جنة المأوى ألف ألف مدينة في كل مدينة سبعون ألف بيت في كل بيت سبعون ألف مائدة على كل مائدة سبعون ألف قصعة وفي كل قصعة ستون ألف لون من الطعام لا يشبه بعضها بعضاً ، وأعطاكم الله عز وجل يوم السادس في دار السلام مائة ألف مدينة في كل مدينة مائة ألف دار في كل دار مائة ألف بيت في كل بيت مائة ألف سرير من ذهب طول كل سرير ألف ذراع على كل سرير زوجة من الحور العين عليها ثلاثون ألف ذوابة منسوجة بالدر والياقوت تحمل كل ذوابة مائة جارية ، وأعطاكم الله عز وجل يوم السابع في جنة النعيم ثواب أربعين

بدارد و حق آن را نیز بشناسد، چه چیزی برایش می دهند؟ گفت: ای پسر جیبر! خود را آماده کن تا حدیثی برایت روایت کنم که گوشه‌هایت نشنیده و بر قلبت نگذشته. درون خودت را خالی کن، برای آنچه از من پرسیدی که همانا آن، علم اولین و آخرین است. سعید گوید: از نزد او رفتم و خود را آماده نموده، فردا روز، هنگام صبح، پس از به جای آوردن نماز صبح، نزد او رفتم و موضوع را یادآوری کردم.

پس، رویش را برگرداند و گفت: بشنو از من آنچه را که از رسول خدا شنیدم که می گفت: اگر می دانستید که در ماه رمضان، چه چیزی عایدتان می گردد، حتماً شکرستان بر خداوند را زیاده می کردید، چرا که در اول ماه مبارک، خداوند تمام گناهان امت مرا می بخشد، چه گناهان آشکار و چه گناهان پنهان و هزاران هزار درجه بر درجات شما می افزاید و برای شما، پنجاه شهر بنا می کند. در روز دوم ماه، برای هر گامی که در روی زمین بر می دارید، عبادت یک سال و یک پیامبر و ثواب روزه یک سال را منظور می کند. در روز سوم، به تعداد موهائی که در بدن دارید، در بهشت قبه‌ای از دُرهای سفید در بهشت برای شما آماده می کند که در بالای آن، ۱۲ هزار و در پائین آن نیز ۱۲ هزار خانه از نور قرار دارد و در هر خانه‌ای، هزار تخت و در هر تختی، یک حور می باشد و هر روز هزار فرشته بر شما وارد می شوند و همراه هر فرشته‌ای، هدیه‌ای وجود دارد.

در روز چهارم، خداوند هفتاد هزار قصر بهشتی برایتان در نظر می گیرد، و در هر قصری، هزار خانه قرار دارد و در هر خانه‌ای پنجاه هزار تخت و در هر تختی، حوری و در مقابل هر حور، هزار کنیز و تنها روسری هر یک از این کنیزها، برتر از تمام دنیا و ما فیها است.

در روز پنجم، خداوند در بهشت برایتان هزار هزار شهر قرار خواهد داد که در هر شهری، هزار خانه و در هر خانه‌ای، هفتاد هزار سفره گشوده و در هر سفره‌ای، هفتاد هزار کاسه و در آن، شصت هزار نوع غذاهای مختلف وجود دارد.

در روز ششم، خداوند صد هزار شهر در «دارالسلام» در اختیار شما قرار می دهد که در هر شهر از آن صد، هزار خانه و در هر خانه، صد هزار تخت طلا قرار دارد که طول آن هزار ذراع است و در هر تختی، زنی از حور العین قرار دارد که دارای سی هزار گیسوی بافته شده از دُر و یاقوت می باشد و هر گیسو را صد هزار کنیز حمل می کند.

در روز هفتم، خداوند به شخص روزه دار، ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق را ارزانی می نماید. در روز هشتم، پاداش اعمال شصت هزار عابد را به شخص روزه دار

ألف شهيد وأربعين ألف صديق ، وأعطاكم الله عز وجل يوم الثامن عمل ستين
 ألف عابد وستين ألف زاهد ، وأعطاكم الله عز وجل يوم التاسع ما يعطى ألف
 عالم وألف معتكف وألف مرابط ، وأعطاكم الله عز وجل يوم العاشر قضاء
 سبعين ألف حاجة ويستغفر لكم الشمس والقمر والنجوم والدواب والطيور
 والسباع وكل حجر ومدبر وكل رطب ويابس والحيطان في البحار والأوراق على
 الأشجار ، وكتب الله عز وجل لكم يوم أحد عشر أربع حججات وعمرات كل
 كل حجة مع نبي من الأنبياء وكل عمرة مع صديق أو شهيد، وجعل الله عز وجل
 لكم يوم اثني عشر أن يبدل الله سيئاتكم حسنات ويحمل حسناتكم أضعافاً
 ويكتب لكم بكل حسنة ألف ألف حسنة ، وكتب الله عز وجل لكم يوم
 ثلاثة عشر مثل عبادة أهل مكة والمدينة وأعطاكم الله بكل حجر ومدبر ما بين
 مكة والمدينة شفاعة ، ويوم أربعة عشر فكأنما لقيتم آدم ونوحاً وبمدهما إبراهيم
 وموسى وبعده داود وسليمان وكانما عبدتم الله عز وجل مع كل نبي مائتي سنة ،
 وقضى لكم يوم خمسة عشر حوائج من حوائج الدنيا والآخرة وأعطاكم الله ما
 يعطى أيوب واستغفر لكم حملة العرش وأعطاكم الله عز وجل يوم القيامة أربعين
 نوراً عشرة عن يمينكم وعشرة عن يساركم وعشرة أمامكم وعشرة خلفكم ،
 وأعطاكم الله عز وجل يوم ستة عشر إذا خرجتم من القبر ستين حلة تلبسونها
 وناقة تركبونها وبعث الله اليكم غمامة تظلكم من حر ذلك اليوم ، ويوم سبعة
 عشر يقول الله عز وجل (إني قد غفرت لهم ولآبائهم ورفعت عنهم شدائد يوم
 القيامة ، وإذا كانت يوم ثمانية عشر أمر الله تبارك وتعالى جبرائيل وميكائيل
 وإسرافيل وحملة العرش والكروبيين أن تستغفروا لامة محمد ﷺ إلى السنة
 القابلة وأعطاكم الله عز وجل يوم القيامة ثواب البدرين ، فإذا كان يوم التاسع
 عشر لم يبق ملك في السماوات والأرض إلا استأذنوا ربهم في زيارة قبوركم كل
 يوم ومع كل ملك هدية وشراب، فإذا أتم لكم عشرون يوماً بعث الله عز وجل
 اليكم سبعين ألف ملك يحفظونكم من كل شيطان رجيم وكتب الله عز وجل

می‌دهد. در روز نهم، به اندازهٔ ثواب هزار عالم و هزار اعتکاف کننده، ثواب عطا می‌کنند.

در روز دهم، از حاجت‌های شما هفتاد هزار تایش را برآورده نموده و تمام خورشید و ماه و ستارگان و جانداران و پرندگان و درندگان و سنگ‌ها و کلوخ‌ها و تر و خشک و ماهی‌های دریاها و برگ‌های درختان و کتابها، از خداوند برای شما طلب آمرزش خواهند نمود.

در روز یازدهم، ثواب چهار حج و عمره برایتان در نظر گرفته می‌شود، حج‌هایی که با یک پیغمبر برگزار شده باشد و هر یک از عمره‌ها، با صدیقی و شهیدی صورت گرفته باشد.

در روز دوازدهم، خداوند گناهاتان را به نیکی‌ها بدل می‌کند و برای هر نیکی هزار هزار نیکی دیگر بنویسد. در روز سیزده، ثوابی مانند ثواب اهل مکه و مدینه برایتان ارزانی دارد و به تعداد سنگ‌ها و کلوخ‌های مکه و مدینه، قدرت شفاعت برایتان بدهد. در روز چهاردهم، چنان باشید که گویا آدم و نوح را ملاقات کرده‌اید و پس از آن هم ابراهیم و موسی و سپس داود و سلیمان، و گویا که با هر یک از این پیامبران، دوست سال خداوند را عبادت نموده‌اید.

در روز پانزدهم، حوائج دنیوی و آخریتان را برآورده نموده و آنچه به ایوب داد، به شما نیز بدهد و دارندگان عرش برایتان طلب بخشش نمایند و خداوند در روز قیامت‌تان چهل نور برایتان عطا نماید که از هر سمت، دارای ده نور باشد.

در روز شانزدهم، برای روز بیرون آمدنتان از قبر، شصت حله به شما می‌بخشد، تا بپوشید و ناقه‌ای برایتان می‌دهد، تا سوار شوید و برای برایتان قرار می‌دهد که از گرمای آن روز، جلوگیری کند.

در روز هفدهم، خداوند می‌فرماید: همهٔ روزه‌داران را همراه پدران‌شان بخشیدم و وحشت‌های روز قیامت را از آنها برداشتم. در روز هیجدهم، خداوند به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و کزوویان خود دستور می‌دهد تا یک سال، بعد برای امت محمد طلب آمرزش کنند و ثواب جهاد کنندگان «بدر» را برایشان بدهند.

در روز نوزدهم، فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین‌ها باقی نمی‌ماند، مگر اینکه هر روز با در دست داشتن هدیه و نوشیدنی خنک شما را رؤیت نموده و زیارتتان کنند.

در روز بیستم، خداوند هفتاد هزار فرشته برایتان ارسال می‌کند، تا شما را از هر

لكم بكل يوم صتم صوم مائة سنة وجعل بينكم وبين النار خندقاً وأعطاكم الله ثواب من قرأ التوراة والانجيل والزبور والفرقان وكتب الله عز وجل لكم بكل ريشة على جبرائيل عبادة سنة وأعطاكم ثواب تسبيح العرش والكرسي وزوجكم بكل آية في القرآن ألف حوراء ، يوم أحد وعشرين يوسع الله عليكم القبر ألف فرسخ ويرفع عنكم الظلمة والوحشة ويجعل قبوركم كقبور الشهداء ويجعل وجوهكم كوجه يوسف عليه السلام بن يعقوب عليه السلام ، ويوم اثنين وعشرين يبعث الله عز وجل اليكم ملك الموت كما يبعث إلى الأنبياء ويدفع عنكم هم الدنيا وعذاب الآخرة ، ويوم ثلاثة وعشرين تمرن على الصراط مع النبيين والصديقين والشهداء وكأنما أشبعتهم كل يتيم من امي وكسوتم كل عريان من امي ، ويوم أربعة وعشرين لا تخرجون من الدنيا حتى يرى كل واحد منكم مكانه من الجنة ويمطى كل واحد ثواب ألف مريض وألف غريب خرجوا من طاعة الله عز وجل وأعطاكم ثواب عتق ألف رقبة من ولد اسماعيل ، ويوم خمسة وعشرين بنى الله لكم تحت العرش ألف قبة خضراء على رأس كل قبة خيمة من نور يقول الله تبارك وتعالى يا امة محمد أنا ربكم وأنتم عبدي وإمائي استظلوا بظل عرشي في هذه القباب وكلوا واشربوا هنيئاً فلا خوف عليكم ولا أنتم تحزنون ، يا امة محمد وعزتي وجلالي لأبعثنكم إلى الجنة يتمجب منكم الأولون والآخرين ولا توجن كل واحد منكم بألف تاج من نور ولأركبن كل واحد منكم على ناقة خلقت من نور وزمامها من نور وفي ذلك الزمام ألف حلقة من ذهب في كل حلقة ملك قائم عليها من الملائكة بيد كل ملك عمود من نور حتى يدخل الجنة بغير حساب ، وإذا كان يوم ستة وعشرين ينظر الله اليكم بالرحمة فيغفر الله لكم الذنوب كلها إلا الدماء والأموال وقدس بينكم كل يوم سبعين مرة من الغيبة والكذب والبهتان ، ويوم سبعة وعشرين فكأنما نصرتم كل مؤمن ومؤمنة وكسوتم سبعين ألف عاري وخدمتم ألف مرابط وكأنما قرأتم كل كتاب أنزله الله عز وجل على أنبيائه ، ويوم ثمانية وعشرين جعل الله لكم في جنة الخلد مائة

شیطانِ رانده شده‌ای محفوظ دارند و برای هر روزه از روزه‌داری تان، ثواب صد سال روزه برایتان در نظر بگیرند و میان شما و آتش فاصله‌ای قرار دهند و نیز ثواب کسی را برایتان ارزانی دارند که تورات و انجیل و زبور و فرقان را خوانده باشد و نیز به تعداد پره‌های جبرئیل، ثواب یک سال عبادت را برای شما بدهند و نیز ثواب تسبیح عرش و کرسی و به تعداد آیاتی که در قرآن وجود دارد، هزار حوری به زوجیت شما دربیاید.

در روز بیست و یکم، قبر شما را به اندازه هزار فرسخ، برایتان وسیع می‌کند و ظلمت و وحشت را از آن دور می‌نماید و آن را مانند قبر شهدا قرار می‌دهد و صورت‌های شما را مانند صورت یوسف - پسر یعقوب - قرار می‌دهد.

در روز بیست و دوم، «ملک الموت» را در صورت فرشتگان، به جانب شما می‌فرستد و هراس نکیر و منکر و عذاب‌های آخری را از شما بر می‌گرداند.

در روز بیست و سوم، همراه پیغمبران و صدیقان و شهیدان، از روی صراط عبور نمائید و مانند کسی باشید که تمام ایتم امت مرا سیر نموده و عریان‌ها را پوشانده باشید. در روز بیست و چهارم، قبل از اینکه از دنیا بروید، جایگاه خود در بهشت را مشاهده می‌کنید و پاداش هزار مریض، هزار غریب راه خداوند برایتان ارزانی می‌گردد و نیز ثواب آزاد کردن هزار بنده از فرزندان اسماعیل.

در روز بیست و پنجم، خداوند در زیر عرشش، هزار قبه سبز برایتان بنا می‌نماید که روی هر یک از این قبه‌ها، خیمه‌ای از نور باشد و خداوند فرماید: ای امت محمد! منم پروردگارتان و شما بندگان من هستید. در زیر این قبه‌ها، تحت سایه‌سار من باشید و بخورید و بیاشامید، هیچ حزن و اندوهی برای شما نیست. ای امت محمد! قسم به عزت و جلال خودم، چنان شما را در بهشت داخل کنم که اولین و آخرین شما، در شگفت ماند و بر سر هر یک از شما یان، هزار تاج از نور خواهیم گذاشت و هر یک از شما یان را بر شتری از نور سوار خواهیم کرد، با افساری از نور که در آن، هزار حلقه طلا باشد و در هر حلقه‌ای، فرشته‌ای که ستونی از نور در دستان او قرار دارد، تا بی شمار و اندازه وارد بهشت گردید.

در روز بیست و هشتم، خداوند از روی رحمت، به روزه‌داران نظر می‌افکند و همه گناهان آنها - جز قتل نفس و قرض‌هاشان را - می‌بخشد و هر روز، آنها را هفتاد بار از غیبت و دروغ و بهتان، پاک و طاهر نماید.

در روز بیست و نهم، چنان باشید که گویا تمام مردان و زنان مؤمن را یاری کرده‌اید و

ألف مدينة من نور وأعطاكم الله عز وجل في جنة المأوى مائة ألف قصر من فضة وأعطاكم الله عز وجل في جنة الفردوس مائة ألف مدينة في كل مدينة ألف حجرة وأعطاكم الله عز وجل في جنة الجلال مائة ألف منبر من مسك في جوف كل منبر ألف بيت من زعفران في كل بيت ألف سرير من در وياقوت على كل سرير زوجة من الحور العين، فإذا كان يوم تسعة وعشرين أعطاكم الله عز وجل ألف ألف محلة في جوف كل محلة قبة بيضاء في كل قبة سرير من كפור أبيض على ذلك السرير ألف فراش من السندس الأخضر فوق كل فراش حوراء عليها سبعون ألف حلة وعلى رأسها ثمانون ألف ذوابة كل ذوابة مكحلة بالدر والياقوت فإذا تم ثلاثون يوماً كتب الله عز وجل لكم بكل يوم مر عليكم ثواب ألف شهيد وألف صديق وكتب الله عز وجل لكم عبادة خمسين سنة وكتب الله عز وجل لكم بكل يوم صوم ألفي يوم ورفع لكم بعدد ما أنبت النيل درجات وكتب عز وجل لكم براءة من النار وجوازاً على الصراط وأماناً من العذاب وللجنة باب يقال له الريان لا يفتح ذلك إلى يوم القيامة ثم يفتح للصائمين والصائمات من أمة محمد ﷺ ثم ينادي رضوان خازن الجنة يا أمة محمد هلموا إلى الريان فيدخل امتي في ذلك الباب إلى الجنة فمن لم يفر له في رمضان ففي أي شهر يفر له ولا حول ولا قوة إلا بالله وحسبنا الله ونعم الوكيل وفي هذا اليوم بعد المجلس حديثاً آخر .

٣ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله ، قال حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم ، قال حدثنا جعفر بن سلمة ، قال حدثنا ابراهيم بن محمد الثقفي ، قال حدثنا عبيد الله ابن موسى العبسي ، قال حدثنا مهلهل العبدي ، قال حدثنا كريمة بن صالح الهجري عن أبي ذر جندب بن جنادة (ره) ، قال سمعت رسول الله ﷺ يقول لعلي بن أبي طالب : كلمات ثلاث لان تكون لي واحدة منهن أحب إلي من الدنيا وما فيها سمعته يقول اللهم أعنه واستعن به اللهم انصره وانتصر به فإنه عبدك وأخو

هفتاد هزار برهنه را پوشانده و هزار جنگنده را یاری رسانده‌اید و تمام کتاب‌های آسمانی خداوند را، خوانده‌اید.

در روز بیست و هشتم، خداوند در بهشتِ جاودان، صد هزار شهر از جنس نور برایتان می‌دهد و صد هزار کاخِ نقره‌ای، در «جَنَّةِ الْمَأْوَى» و صد هزار شهر در «جَنَّةِ الْفَرْدوس» و در هر شهری صد هزار منبر از مشک برایتان ارزانی می‌دارد که در درون هر یک از آن منابر، هزار خانه زعفرانی قرار دارد و در هر خانه، هزار تخت از دُرّ و یاقوت و بر روی هر تختی، زنانی از حور العین.

در روز بیست و نهم، خداوند هزاران هزار محله برایتان می‌دهد که در درون هر یک از آنها، قبه‌ای است سپید و کنار هر قبه، تختی از کافور سفید قرار دارد و بر روی آن، هزار تخت و بستر از سُندس سبز رنگ قرار دارد و روی هر بستری، حوری در هفتاد هزار جامه ابریشمین که بر سرش، هشتاد هزار دسته گیسوی بافته شده قرار دارد، با دُرّ و یاقوت. در روز سی‌ام، خداوند برای هر روزی که روزه گرفته‌اید، برایتان ثواب هزار شهید و هزار صدیق می‌نویسد و برای هر روز، ثوابی معادل روزه دو هزار روز و به شمار گیاهانی که به وسیله آب رود نیل می‌روید، درجات شما را رفیع‌تر می‌برد و برایتان جواز آزادی از آتش جهنّم و عبور از صراط و امان یافتن از عذاب می‌دهد. در بهشت، دری به نام «ریان» وجود دارد که تا روز قیامت، باز نخواهد شد، ولی آن را برای مردان و زنان روزه‌دار اُمّتِ محمّد باز می‌کند و خزانه‌دارِ بهشت ندا می‌زند: ای اُمّتِ محمّد! به سوی ریان بشتابید و اُمّت من، از همین در، داخل در بهشت گردند. اگر کسی در ماه رمضان بخشیده نشود، در چه ماهی بخشیده خواهد شد؟ نیست حول و قوه‌ای جز به خدا و ما را او کافی است و چه خوب و کیلی است. در این روز شیخ بعد از مجلس، حدیث دیگری افزود:

۳- عبیدالله پسر موسی عیسی گفت: حدیث کرد ما را مهلهل عبدی که گفت: حدیث کرد ما را کریزه پسر صالح هجری، از ابوذر پسر جندب پسر جناده نقل می‌کند که گفت: شنیدم از رسول خدا که به علی سه جمله گفت که اگر یکی از آنها را به من گفته بود، برایم از دنیا و هر آنچه در آن است، دوست داشتنی‌تر بود. شنیدم که گفت: خداوند! علی را یاری کن و از او کمک بگیر. پروردگارا! نصرتش کن و از او نصرت بگیر، چرا که او بنده

رسولك ، ثم قال أبو ذر (ره) أشهد لملي بالولاء والاخاء والوصية ، وقال كريمة بن صالح وكان يشهد له بمثل ذلك سلمان الفارسي والمقداد وعمار وجابر بن عبد الله الانصاري وأبو الهيثم التيهان وخزيمة بن ثابت ذو الشهادتين وأبو أيوب صاحب منزل رسول الله ﷺ وهاشم بن عتبة المر ، قال كلهم من أفاضل أصحاب رسول الله ﷺ ، الحمد لله رب العالمين وصلاته على سيدنا محمد وعترته الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً .

المجلس الثالث عشر

يوم الجمعة غرة شهر رمضان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله ، قال حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن الحسين عن محمد بن جمهور وعن محمد بن زياد عن سمع محمد بن مسلم الثقفي يقول : سمعت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (ع) يقول : إن الله تبارك وتعالى ملائكة موكلين بالصائمين يستغفرون لهم في كل يوم من شهر رمضان إلى آخره وينادون الصائمين كل ليلة عند افطارهم ابشروا عباد الله وقد جمعتم قليلاً وستشبعون كثيراً بوركتم وبورك فيكم حتى إذا كان آخر ليلة من شهر رمضان نادوم ابشروا عباد الله فقد غفر الله لكم ذنوبكم وقبل توبتكم فانظروا كيف تكونون فيما تستأنفون .

٣ - حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق (ره) ، قال حدثنا أحمد بن محمد الكوفي ، قال حدثنا علي بن الحسن بن علي بن فضل عن أبيه عن أبي الحسن علي ابن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ : شهر رمضان شهر عظيم يضاعف الله فيه الحسنات ويحور فيه السيئات ويرفع فيه الدرجات ، من تصدق في هذا الشهر بصدقة غفر الله له ومن أحسن فيه إلى ما

توست و برادر فرستاده‌ات. سپس، ابوذر گفت: شهادت می‌دهم به علی بر ولا و برادری و وصایت. کربزه بن صالح، عین همین حدیث را از سلمان فارسی، مقداد و عمار و جابر بن عبدالله انصاری و ابوالهیشم تیهان و خزیمه بن ثابت - دارای دو شهادت - و ابو ایوب - همراه خانه رسول خدا - و هاشم بن عتبة مرقال که همگی از فاضلان اصحاب پیامبر بودند نیز شهادت می‌دهد. حمد مخصوص خداوند است و صلوات او بر سید ما محمد و عترت طاهرینش.

مجلس سیزدهم رمضان سال ۳۶۷

۱ - سعد پسر عبدالله از احمد پسر حسین از محمد پسر جمهور و از محمد پسر زیاد از کسی که از محمد پسر مسلم ثقفی شنید نقل کرد که گفت: از ابا جعفر، محمد بن علی باقر شنیدم که می‌گفت: همانا برای خداوند متعال، فرشتگان گمارده شده‌ای است برای روزه داران که همه روزه‌های ماه رمضان را تا پایانش، برای آنها طلب استغفار می‌کنند و به گاه افطار، روزه‌داران را ندا می‌دهند که مژده‌تان باد بندگان که مقداری گرسنگی کشیدید، به زودی سیر خواهید شد، مبارک شدید، مبارک شدید، تا اینکه در آخرین شب ماه رمضان، ندا در دهند: مژده‌تان باد ای بندگان خدا! که به تحقیق، خداوند گناهان شما را بخشود و تبه شما را پذیرا شد، پس نگاه کنید که بعد از این چگونه خواهید بود؟

۲ - علی پسر فضل، از پدرش از ابی الحسن علی بن موسی الرضا از پدرش و او از پدرانش نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: همانا ماه رمضان، ماه بزرگی است که خداوند در آن، نیکی‌ها را دو برابر می‌کند و بدی‌ها را از بین می‌برد و در آن، درجات را بالا می‌برد. هر کس که در این ماه، صدقه‌ای اندک بدهد، خداوند او را می‌بخشد و هر کس که در این ماه، به زیر دستان و خانواده‌اش خوبی کند، او را می‌بخشد و کسی که اخلاق خویش را نیکو کند، خدا او را می‌بخشد و هر کس که خشم خود را فرو بخورد، او را می‌بخشد و هر کس که صلوة رحم نماید، بخشیده می‌شود. آنگاه فرمود: این ماه شما،

ملكتم يمينه غفر الله له ومن حسن فيه خلقه غفر الله له ومن كظم فيه غيظه غفر الله له ومن وصل فيه رحمة غفر الله له ، ثم قال ﷺ إن شهركم هذا ليس كالشهور انه إذا أقبل إليكم أقبل بالبركة والرحمة ، وإذا أدبر عنكم أدبر بغفران الذنوب هذا شهر الحسنات فيه مضاعفة وأعمال الخير فيه مقبولة ، من صلى منكم في هذا الشهر لله عز وجل ركعتين يتطوع بهما غفر الله له ، ثم قال ﷺ إن الشقي حق الشقي من خرج منه هذا الشهر ولم يغفر ذنوبه فحينئذ يخسر حين يفوز المحسنون بجوائز الرب الكريم .

٣ - حدثنا محمد بن الحسن ، قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار ، قال حدثنا العباس بن معروف عن محمد بن سنان عن طلحة بن زيد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال من كبر الله تبارك وتعالى عند المساء مائة تكبيرة كان كمن أعتق مائة نسمة .

٤ - حدثنا أبي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله ، قال حدثنا الهيثم ابن أبي مسروق النهدي عن الحسين بن علوان عن عمرو بن ثابت ، قال حدثني محمد بن حمران عن الصادق جعفر بن محمد عليها السلام ، أنه قال من سبح الله كل يوم ثلاثين مرة دفع الله تبارك وتعالى عنه سبعين نوعاً من البلاء أداها الفقر .

٥ - حدثنا أبي (ره) ، قال حدثنا سعد بن عبدالله ، قال حدثنا احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن معاوية بن وهب عن عمرو بن نهيك عن سلام المكي عن أبي جعفر الباقر عليه السلام ، قال أتى رجل النبي ﷺ يقال له شيبه الهذلي ، فقال يا رسول الله إني شيخ قد كبرت سني وضعفت قوتي عن عمل كنت عودته نفسي من صلاة وصيام وحج وجهاد ، فعلمني يا رسول الله ﷺ كلاماً ينفعني الله به وخفف عليّ يا رسول الله ، فقال أعدها فأعادها ثلاث مرات ، فقال رسول الله ﷺ ما حولك شجرة ولا مدرة إلا وقد بكت من رحمتك ، فإذا صليت الصبح فقل عشر مرات سبحان الله العظيم وبحمده ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم ، فإن الله عز وجل يعافيك بذلك من العمى

مانند ماه‌های دیگر نیست، چرا که ماه رمضان، وقتی به سوی شما روی آور می‌شود، با برکت و رحمت روی آور می‌گردد و زمانی که بر شما پُشت می‌کند، با بخشودگی گناهان بر می‌گردد. در این ماه، نیکی‌ها دو برابرند و اعمال خیر، مورد قبول حق می‌باشند. هر کس که در این ماه، برای خداوند دو رکعت نافله به جای آورد، مشمول بخشودگی خداوند قرار می‌گیرد. سپس فرمود: شقی‌ترین شقی، کسی است که این ماه بر او تمام شود، ولی گناهان او آمرزیده نشده باشد. این چنین شخصی، زمانی که محسنان به دریافت جوایز خداوند کریم دستگار می‌گردند، زیان می‌کند.

۳ - حدیث کرد ما را عباس پسر معروف از محمد پسرستان از طلحه، پسر زید، از صادق جعفر بن محمد، از پدرش از پدرانش نقل می‌کند که فرمود: کسی که شامگاهی، صد بار خداوند را تکبیر گوید، مانند کسی است که صد بنده آزاد کرده است.

۴ - حدیث کرد ما را هشتم پسر ابی مسروق نهدی از حسین پسر علوان از عمرو پسر ثابت که گفت: حدیث کرد مرا محمد بن حرمان، از صادق جعفر بن محمد که فرمود: هر کس، هر روز سی بار خداوند را تسبیح گوید، خداوند - تبارک و تعالی - هفتاد نوع بلا را از او دفع می‌کند که کمترین آن، فقر است.

۵ - نهیک، از سلام مکی و او از ابی جعفر باقر نقل می‌کند که: مردی پیش پیامبر آمد که به او می‌گفتند: شبیه الهذلی. پس گفت: ای رسول خدا! من پیرمردی هستم که سنم زیاد شده و قدرتم از عمل به نماز و روزه و حج و جهاد، به ضعف گرائیده، چیزی به من پیامبر خدا، تا خداوند به سبب آن، نفعی به من برساند و به سبب آن، وظیفه را آسان گردان. پیامبر گفت: کلامت را تکرار کن و او سه بار آن را تکرار کرد. پس، پیامبر فرمود: درخت و کلوخی پیرامون تو نماند، مگر اینکه بر ناتوانی تو گریه سر داده است. پس، زمانی که صبحگاهان نماز می‌گذاری، ده بار بگو: «سبحان ربی العظیم و بحمده و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم». پس، همانا خداوند، به خاطر این ذکر، به تو از کوری و دیوانگی و بیماری جُدام و فقر و درماندگی، عافیت خواهد داد. گفت: ای پیامبر! این

والجنون والجذام والفقر والمهرم ، فقال يا رسول الله هذا للدنيا فما للآخرة ، فقال تقول في دبر كل صلاة اللهم أهدني من عندك وأفضى علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك ، قال فقبض عليهن بيده ثم مضى ، فقال رجل لابن عباس ما أشد ما قبض عليها خالك ، فقال النبي ﷺ أما أنه ان وافى بها يوم القيامة لم يدعها متمعداً فتحت له ثمانية أبواب الجنة يدخلها من أيها شاء .

٦ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله ، قال حدثنا علي بن الحسين السعدآبادي ، قال حدثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن أبيه عن محمد بن زياد عن أبان وغيره عن الصادق جعفر بن محمد عليها السلام ، قال من ختم صيامه بقول صالح أو عمل صالح تقبل الله منه صيامه ، فقيل له يا بن رسول الله ما القول الصالح ، قال شهادة أن لا إله إلا الله والعمل الصالح إخراج الفطرة .

٧ - حدثنا علي بن أحمد بن عبد الله بن أحمد بن أبي عبد الله البرقي ، قال حدثنا أبي عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبي أيوب سليمان بن مقبل المدني عن محمد بن أبي عمير عن هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن محمد عليها السلام ، قال من جالس لنا عائباً أو مدح لنا قالياً أو واصل لنا قاطعاً أو قطع لنا واصلاً أو والى لنا عدواً أو عادى لنا ولياً فقد كفر بالذي أنزل السبع المثاني والقرآن العظيم .

٨ - حدثنا الحسين بن إبراهيم بن ناثان رحمه الله ، قال حدثنا علي بن إبراهيم عن أبيه عن محمد بن أبي عمير عن عبد الله بن الفضل الهاشمي عن الصادق جعفر ابن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ طوبى لمن طال عمره وحسن عمله فحسن منقلبه إذ رضي عنه ربه عز وجل وويل لمن طال عمره وساء عمله فساء منقلبه إذ سخط عليه ربه عز وجل .

٩ - حدثنا الحسين بن أحمد بن أدريس (ره) ، قال حدثنا أبي عن أيوب ابن نوح عن محمد بن زياد عن غياث بن إبراهيم عن الصادق جعفر بن محمد عن

برای دنیا، برای آخرتم چه می‌گوئید؟ پیامبر جواب داد: پشتِ هر نمازی که می‌خوانی، بگو: «اللهم اهدنی من عندک و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک». آن مرد این اذکار را با دستش شماره می‌گذاشت. مردی خطاب به ابن عباس گفت: خالی تو، آنها را چه جدی دریافت می‌کند؟ پیامبر فرمود: به درستی که او اگر آنها را تا روز قیامت ادامه دهد، و ترک ننماید، درهای هشتگانه بهشت به رویش باز خواهد شد که از هر کدام بخواهد، وارد بهشت شود.

۶ - ابان و غیرش، از امام صادق نقل کرده‌اند که فرمود: هر کس روزه خود را با گفتاری نیکو و عملی صالح به پایان آورد، خداوند، روزه‌اش را از او قبول می‌کند. پس پرسیدند: ای فرزندِ رسول خدا! منظور از گفتارِ نیکو چیست؟ فرمود: شهادت به وحدانیت خدا (اشهد ان لا اله الا الله) و عمل صالح عبارت است از: دادن زکات فطره.

۷ - هشام، پسر سالم، از صادق جعفر بن محمد نقل می‌کند که گفت: هر کس که با عیب گیرنده بر ما، نشست و برخاست کند، یا دشمنان ما را مدح نماید، یا با کسی که از ما کناره‌گیری می‌کند، اتحاد برقرار نماید، یا از کسانی که به ما پیوسته‌اند، کناره‌گیرند، یا با دشمن ما دوستی ببندد، یا با دوستان ما دشمنی نماید، به تحقیق که به خداوندی که قرآن را فرو فرستاده، کافر شده است.

۸ - عبدالله پسر فضل هاشمی از صادق جعفر بن محمد نقل می‌کند از پدرش، از پدرانش که رسول خدا فرمود: خوشا به حال آن کس که عمرش طولانی شد و کردارش نیکوگشت و عاقبت کارش خوب گردید، زمانی که پروردگارش از او رضایت داشت. و وای بر کسی که عمرش طولانی شد، عملش بد گردید و عاقبت کارش بد شد، زمانی که خداوندگار برایش غضب کرد.

۹ - غیاث، پسر ابراهیم، از صادق جعفر بن محمد از پدرش، از پدرانش نقل کرد که پیامبر فرمود: هر کس باقیمانده از عمرش را نیک کردار شد، خداوند او را به خاطر

أبيه عن آبائه (ع) ، قال قال رسول الله ﷺ من أحسن فيما بقي من عمره لم يؤاخذ بما مضى من ذنبه ومن أساء فيما بقي من عمره أخذ بالأول والآخر .

١٠ - حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله ، قال حدثنا الحسين بن محمد بن عامر عن المعلى بن محمد البصري عن جعفر بن سليمان عن عبد الله بن الحكم عن أبيه عن سعيد بن جبير عن ابن عباس ، قال قال النبي ﷺ إن علياً وصيي وخليفتي وزوجته فاطمة سيدة نساء العالمين ابنتي والحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة ولداي من والام فقد والاني ومن عاداهم فقد عاداني ومن ناوهم فقد ناواني ومن جفاهم فقد جفاني ومن برهم فقد برني وصل الله من وصلهم وقطع من قطعهم ونصر من أعانهم وخذل من خذلهم اللهم من كان له من أنبيائك ورسلك ثقل وأهل بيت فعلي وفاطمة والحسن والحسين أهل بيتي وثقلي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً .

المجلس الرابع عشر

يوم الثلاثاء خمس خلون من شهر رمضان من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١ - حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمه الله ، قال حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (ره) ، قال حدثنا الحسين بن الحسن بن أبان عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن جميل بن صالح عن محمد بن مروان ، قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول إن الله تبارك وتعالى في كل ليلة من شهر رمضان عتقاء وطلاقاً من النار إلا من أفطر على مسكر ، فإذا كان آخر ليلة منه أعتق فيها مثل ما أعتق في جميعه .

٢ - حدثنا أبي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبد الله ، قال حدثني أحمد ابن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن فضالة عن سيف بن عميرة عن عبيد الله بن عبد الله عن سمع أبا جعفر عليه السلام ، قال قال رسول الله ﷺ لما

گناهان گذشته‌اش عقاب نمی‌کند، ولی کسی که باقیمانده از عمرش را بدی پیشه کرد، خداوند هم اوّل و هم آخرش را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد.

۱۰ - سعید پسر جبیر، از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر فرمود: همانا علی، وصی و خلیفه من است و زنت فاطمه، سرور زنان عالمیان، دختر من است و حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، فرزندان من هستند. هر کس که آنها را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته است، و هر کس که دشمن‌شان دارد، به تحقیق، مرا دشمن داشته است. کسی که با آنها همراه باشد، با من همراه شده و کسی که به آنها بدی کند، به من بدی نموده است. هر کس که برایشان نیکی نماید، به من نیکی نموده و خداوند با هر کس که به آنها بیوندد، می‌پیوندد و کسی که از آنها ببرد، می‌بُرد و یاری می‌کند کسانی را که کمک‌شان کند و خوار می‌کند، خوار کننده آنها را. خداوند! تمام پیامبران و فرستادگان تو، خاندانی دارند و علی و فاطمه و حسن و حسین نیز، اهل بیت و خاندان من هستند. پس، پلیدی را از آنها دور کن و آنها را پاک و پاکیزه بگردان.

مجلس چهاردهم ۵ رمضان سال ۳۶۷

۱ - حدیث کرد ما را حسین پسر حسن از ابان از حسین پسر سعید از پسر ابی عمیر از جمیل پسر صالح از محمد پسر مروان نقل می‌کند که گفت: شنیدم از صادق جعفر بن محمد که می‌فرمود: همانا برای خداوند متعال در هر یک از شب‌های ماه رمضان، آزاد شدگان و رهاسدگانی است از آتش مگر کسانی که با شراب افطار کنند. و در شب آخر نیز به میزانی که در طول ماه آزاد کرده، آزاد می‌کند.

۲ - عبیدالله، پسر عبدالله گوید از ابی جعفر شنیدم که: سه روز مانده از ماه شعبان، رسول خدا به بلال می‌گفت: مردم را ندا ده! پس، مردمان را جمع می‌کرد و خود بر بالای

منبر می‌رفت و می‌گفت: ای مردم! ماهی که اکنون در میان شما حاضر می‌شود، آقای تمام ماه‌هاست، شبی در آن وجود دارد که از هزار ماه بهتر است، ماهی است که درهای آتش در آن بسته می‌شود و درهای بهشت در آن گشوده می‌گردد. پس هر کس که آن را درک کند و خود را نبخشاید، خداوند او را از خود دور می‌کند. نیز، هر کس که پدر و مادرش را درک کند و خود را نبخشاید، خداوند او را از خود دور می‌گرداند و نیز هر کس که در نزد او، اسم من ذکر شود و بر من صلوات نفرستد، خداوند او را نبخشیده و از خویشتن دور می‌گرداند.

۳ - عبدالحمید پسر یحیی ابویحیی حمانی گفت: حدیث کرد ما را ابو بکر هذلی از هری از عبیدالله پسر از عبدالله از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا، زمانی که ماه رمضان داخل می‌شد، تمام اسیران را آزاد می‌کرد و به هر نیازمندی، عطا می‌نمود.

۴ - مسیب از ابی عبدالله، جعفر بن محمد و او از پدرش و از پدرانش نقل کرد که حسین، پسر علی به رسول خدا عرض کرد: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند، چیست؟ فرمود: هر کس که من و یا پدر تو و برادرت را زیارت کند، بر عهده ماست که ما نیز در روز قیامت، او را زیارت کنیم، تا او را از گناهانش نجات دهیم.

۵ - سعدآبادی از احمد پسر ابی عبدالله برقی از محمد پسر سالم از احمد پسر نصر از عمرو پسر شمر، از جابر و او از ابی جعفر نقل می‌کند که فرمود: برای هر چیزی، بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است.

۶ - حسین پسر محبوب از جمیل پسر صالح از فضیل، پسر یسار، از جعفر بن محمد نقل می‌کند که فرمود: حافظ قرآنی که به آن عمل کند، در سفره‌ای می‌نشیند که فرشتگان بزرگوار بر آن می‌نشینند.

۷ - مروان از سعد بن طریف، و او از ابی جعفر باقر، از پدرش از جدش نقل کرد که

الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن محمد بن مروان عن سعد ابن ظريف عن أبي جعفر الباقر عن أبيه عن جده عليه السلام ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من قرأ عشر آيات في ليلة لم يكتب من الغافلين ومن قرأ خمسين آية كتب من الذاكرين ومن قرأ مائة آية كتب من القانتين ومن قرأ مائتي آية كتب من الخاشعين ومن قرأ ثلاثمائة آية كتب من الفائزين ومن قرأ خمسمائة آية كتب من المجتهدين ومن قرأ ألف آية كتب له قنطار والقنطار خمسون ألف مثقال ذهب والمثقال أربعة وعشرين قيراطاً أصغرها مثل جبل احد وأكبرها ما بين السماء والأرض .

٨ - حدثنا أبي رحمه الله ، قال حدثنا أحمد بن ادريس عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن اسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي بن أبي حمزة البطائني عن الحسين بن أبي الملا عن أبي عبيدة الحذاء عن أبي جعفر الباقر عليه السلام ، قال من اوتر بالمؤذنين وقل هو الله أحد قيل له يا عبد الله ابشر فقد قبل الله وترك .

٩ - حدثنا الحسين بن إبراهيم (ره) ، قال حدثنا علي بن إبراهيم عن أبيه إبراهيم بن هاشم عن عبد الله بن ميمون عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من سلك طريقاً يطلب فيه علماً سلك الله به طريقاً إلى الجنة فإن الملائكة لتضع أجنحتها لطالب العلم رضى به وإنه ليستغفر لطالب العلم من في السماء ومن في الأرض حتى الحوت في البحر وفضل العالم عن العابد كفضل القمر على سائر النجوم ليلة البدر ، وان العلماء ورثة الأنبياء إن الأنبياء لم يورثوا ديناراً ولا درهماً ولكن ورثوا العلم فمن أخذ منه أخذ بحظ وافر .

١٠ - حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل (ره) ، قال حدثنا علي بن الحسين السعدابادي عن أحمد بن أبي عبد الله ، قال حدثنا أبو عبد الله الجاموراني عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن سيف بن عميرة عن منصور بن حازم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : مجالسة أهل الدين شرف الدنيا والآخرة .